

باب یکم:

صفحات

پاراگراف اول:

پیشگفتار

طرح مسئله

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت توسعه سرمایه اجتماعی در مدیریت شهری

سرمایه اجتماعی در جامعه در حال گذر ایران

سوالهای محوری تحقیق

اهداف تحقیق

پیشگفتار

شهرها همه چیز را عمیقاً دگرگون می سازند، آنها بر تنش آدمی می افزایند، جریان عادی مبادله را تشدید می سازند و زندگی انسانی را بی وقفه و بی پایان درهم می ریزند، شهرها از کهن ترین و انقلابی ترین تقسیم کار سر برآوردند: مزرعه و روستا در یکسو و آنچه که فعالیت‌های شهری توصیف می شوند در سوئی دیگر (برودل، ۱۹۵۱: ۴۹۳) شهرها جایگاه جسارت و خطر کردن، شعور و پیشرفت و امروزی شدنی که جهان با تأنی به سوی آن در گذر بوده است محسوب می شوند، آنها به دولت هائی که کم و بیش از اداره امور ناتوان بودند، حیات و شور زندگی خود را وام داده اند، آنها شتاب دهندگان همه زمانهای تاریخی بوده اند، البته همه اینها به معنی نادیده گرفتن این حقیقت نیست که شهر مسبب مصائب انسانها از جمله انسانهای ساکن آن نیز بحساب می آیند (برودل همان، ۱۹۵۱)

تئوری های اقتصادی و اجتماعی در باب نیروهائی که جامعه غرب را طی سه قرن گذشته دگرگون کرده اند، در تاکید بر ۳ نوع فراگرد بهم می رسند: شهرنشینی، صنعتی شدن و پیدایش گسترده دستگاههای اداری، بعنوان خاستگاه مرکزی تغییراتی که در این جامعه روی داده اند، نظریه پردازانی چون مارکس، دورکیم، ماکس وبر، زیمل، و مانهایم ممکن است هر کدام براین یا آن عامل انگشت بگذارند، ولی همه آنها قبول دارند که این ۳ عامل در پدید آوردن تغییرات اجتماعی بنیادی دخیل هستند (ورسلی ۱۹۵۲، ۲۵۷)

همه جوامع صنعتی امروزی به میزان بسیار زیادی شهرنشین هستند، پر جمعیت ترین شهرها در کشورهای صنعتی تا حدود بیست میلیون نفر سکنه دارند، شهری شدن در قرن بیستم فرآیندی جهانی است که جهان سوم به گونه فزاینده ای به آن کشانده می شود. قبل از سال ۱۹۰۰ تقریباً تمام رشد شهرها مربوط به شهرهای غرب بود پنجاه سال بعد از آن افزایشی در رشد شهرهای جهان سوم پدید آمد، اما دوره اصلی رشد آن در طول چهل و چند سال گذشته بوده است (آنتونی گیدنز ۱۹۵۲: ۵۹۵).

گسترش شهرها در نتیجه افزایش جمعیت و مهاجرت غیر شهرنشینان از مزرعه، روستاها و شهرکهای کوچک پدید آمد، مهاجرت از روستاها به شهر باعث ازدحام و تراکم جمعیت زیادی در شهر می شود و این در حالی است که این عده با اوضاع و احوال زندگی شهری خو نگرفته اند (گلد تورپ ۱۹۵۰: ۲۳۴)

روند سریع هجوم به شهر و فقدان منابع کافی به این معنا بوده که روند ساختمان سازی با استانداردهای جدید به موازات رشد جمعیت شهرنشین پیش نرفته است و ذخائر لازم برای انجام خدمات اولیه همچون: آب، فاضلاب، برق، تلفن و ... با کمبود روبرو بوده اند (گلدتورپ ۱۹۵۰، ۲۳۵)

یکی از مشخصه های زندگی اقتصادی کشورهای فقیر کنونی، آن چیزی است که «توسعه بدون اشتغال» نامیده می شود، این مسئله را در هیچ جا همچون شهرهای جدید کشورهای جهان سوم، نمی توان مشاهده کرد.

تجربه معمول در شهرهای کشورهای جهان سوم این است که ایجاد اشتغال در بخش صنعت در مقایسه با رشد جمعیت روند کندتری دارد، این امر باعث افزایش بیکاری و ایجاد مشاغل کاذب می گردد که انعکاس مستقیم آن، استفاده نامناسب از فضاهای شهری است، حاشیه نشینی به شکل آکونک یکی از نتایج ازدیاد جمعیت شهری است، نرخ بالای کمبود اشتغال در شهرها و رشد حاشیه نشینی که در نتیجه هجوم فقرای روستائی به شهرها پدید می آیند، سرچشمه عمده نارضایتی و شورشهای شهری است، چنانکه لیدی جکسون هشدار داده است: «شهرها می توانند به اندازه یک بمب اتمی مرگبار باشند» و یا هانتینگتون اعتقاد دارد: «علاوه بر آلونک شهرنشین ها، کارگران صنعتی و طبقه متوسط شهری نیز می تواند بالقوه منبع نارضایتی و مخالفت با هیأت حاکمه جوامع دستخوش نوسازی باشند، که اغلب در شهرها متمرکزند. او در این زمینه می نویسد: ... گهگاه هم کارگران صنعتی و هم

لومپن های پرولتاریا^۱ ممکن است با حکومت به مخالفت برخیزند و حاشیه نشین ها نیز ممکن است به شورش ها و خشونت سیاسی دست زنند... اما طبقه به راستی انقلابی در بیشتر جوامع دستخوش نوسازی امروزی، طبقه متوسط است که سرچشمه اصلی مخالفت با حکومت را باید در این طبقه باز جست، همین گروه است که رویکردهای سیاسی و ارزش هایش بر سیاست شهرها چیرگی دارد، (هانتینگتون، ۱۹۵۰: ۲۴۰)

آگاهی یافتن از خواسته ها، جهت گیری ها، طرز تلقی ها و افکار واقعی این گروهها و اقدامات لازم در این زمینه برای هر نظامی حائز اهمیت است، زیرا استقرار نظم و ثبات در هر جامعه ای بستگی زیادی به جلب رضایت گروههای مذکور و مشارکت دادن آن در فرآیند تصمیم گیری دارد (هانتینگتون ۱۹۵۰: ۲۴۰)

توجه به خواسته ها و جهت گیری ها و افکار و آگاهی گروهها، توجه به اعتماد و رضایت آنان و ایجاد زمینه ای برای مشارکت در تصمیم گیری ها در مدیریت شهری علاوه بر تأمین منابع اقتصادی مناسب و کاهش هزینه های نگهداری شهر می تواند منابع اجتماعی بسیاری را به همراه داشته باشد و آن افزایش همبستگی و انسجام اجتماعی است که راه را برای مدیریت بهره وری هموار می سازد، بی توجهی به این سرمایه عظیم اجتماعی به قول مارتین هرست: به وضع کسی خواهد ماند که بخواهد به امید شکاری، به سوی آسمان بی کران رگبار مسلسل بگشاید».

باینکه برنامه ریزی در مورد شهر تهران معمولاً مبنای وسعت محدوده تهران ۷۰۰ کیلومتر مربع تعیین می شد اما در واقع منطقه شهر تهران عبارت است از مجموعه شهر اصلی یا مادر شهر تهران با مراکز جمعیت فعال اطراف آن که با یکدیگر ارتباط روزمره دارند و بعبارت دیگر «بازار واحد کار و مسکن» را تشکیل می دهند.

^۱ Lumpen Proletariat کارگرانی که بر خلاف کارگران کارخانجات، شغل ثابتی ندارند، و برای گذران

زندگی به هر کاری و در هر کجا که پیدا شود، در صورت پرداخت دستمزد، مبادرت می ورزند.

سرمایه گذاری های عظیم در طرحهای عمرانی ، احداث پایانه ها، بزرگراه های برون شهری، انتقال واحدهای اقتصادی درون به بیرون از محدوده شهری، ایجاد مجتمع ها و شهرکهای صنعتی جدید و نظایر آن در شعاع ۳۰ تا ۶۰ کیلومتری شهر نشان می دهد که تهران محدود به ۲۲ منطقه این شهر نیست و تهران و محدوده شهری آن از نظر اقتصادی و اجتماعی بر کل شبکه شهری ایران مسلط شده و شبکه زنجیره ای وسیعی بوجود آورده است. بنابراین برنامه ریزی برای شهر تهران محدوده وسیعی به نام تهران بزرگ را در نظر می گیرد که حدود ۱۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و فاصله شمالی ترین منطقه تا جنوبی ترین منطقه آن حداکثر ۴۰ کیلومتر مربع و شرقی ترین تا غربی ترین نقطه حداکثر ۷۰ کیلومتر مربع است.

شهر تهران در طول دهه های مختلف تغییرات جمعیتی بسیاری را بخود دیده است که آثار ناشی از تحولات جمعیتی شهر تهران را در طول سالهای مختلف بدین شکل می توان خلاصه کرد:

۱- گسترش نواحی حاشیه ای شهر به شکل پیوسته و ناپیوسته و شکل گیری نقاط جدید مسکونی

۲- افزایش تراکم جمعیت در مناطق قدیمی

۳- تغییر در ساختار اجتماعی و اقتصادی شهر نظیر رشد نیروی کار جدید، رشد طبقه متوسط، پیدایش مشاغل کاذب و گسترش بخش های خدماتی به ویژه بخش های اداری و دولتی (کامیز مصطفی پور ۱۹ فروردین ۱۳۸۷ روزنامه همشهری تراکم معضل بزرگ پایتخت).

بدنبال تحولات جهانی شهرنشینی در قرن حاضر، شهرنشینی الگوی جدید و مسلط زندگی اجتماعی در ایران شده است، این اتفاق با چنان سرعت، وسعت و شدتی صورت پذیرفت که چندان قدرت انتخاب دیگری باقی نماند، همه ساله هزاران نفر از ساکنین مناطق غیر شهری، و شهرهای کوچک به شهر تهران روی آورده اند. و زندگی را در جغرافیائی جدید آغاز کرده اند و شهر تهران به تبع این تحولات به سرعت گسترش یافت، چنانکه بر اساس نتایج سرشماری نفری و مسکن جمعیت شهر تهران طی سالهای ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۶ از ۱/۲۱۵/۲۸۰

نفر به ۲/۹۱۷/۰۳۷ نفر افزایش یافت و این رشد تا سال ۱۹۷۶ به ۴/۰۳۵/۲۱۳ نفر رسید و تا سال ۱۹۹۶ به ۶/۸۵۷/۵۴۸ نفر بالغ شده است (مرکز آمار ایران - سرشماری و مسکن سال ۱۹۹۶) (کامبیز مصطفی پور - ۱۲ دی ۱۳۸۹ روزنامه همشهری - تهران رویای بی پاسخ) گسترش چشمگیر شهرنشینی به ویژه افزایش جمعیت مهاجر در ابر شهری چون تهران، مسائل و مشکلات بسیاری را بر جای گذاشته است، روند سریع هجوم به شهر و فقدان منابع کافی و نزول استاندارد زندگی، مسائل و مشکلات خاصی را برای زندگی در شهر تهران پدید آورده است: کمبود مسکن، آلودگی هوا، معضلات ترافیکی و حمل و نقل، وجود بافتهای فرسوده شهری، حاشیه نشینی، کمبود فرصتهای فراغتی، تفریحی و ورزشی، کمبود مراکز بهداشتی و درمانی، آلودگی های زیست محیطی، افزایش بیماریهای روانی و استرس، افزایش جرائم و آسیب های اجتماعی و مشکلات بسیاری از این دست، بخشی از مشکلات حل نشده زندگی در شهر تهران است.

مدیریت شهری دیگر قادر نخواهد بود با روشهای معمول گذشته در ارائه خدمات یکسو و بدون توجه به سرمایه اجتماعی موجود موفقیتی حاصل نماید.

محصول شما امروز رسیده و محصول من فردا می رسد. برای هر دوی ما سودمند است که من امروز با شما کار کنم و شما فردا به من کمک کنید. من هیچ محبتی به شما ندارم که شما نیز همین احساس را نسبت به من دارید. بنابراین من زحمتی به سود شما نمی کشم و اگر به انتظار رفتار متقابل شما باشم و با شما همکاری کنم در واقع به نفع خودم کار می کنم اما من می دانم که ناامید خواهم شد و نباید بیهوده به حق شناسی در رفتار مقابل شما تکیه کنم. پس در اینجا من شما را به حال خود رها می کنم تا تنها کار کنید و شما نیز همین رفتار را با من می کنید. فصل تغییر می کند و هر دوی ما محصول مان را بخاطر فقدان اعتماد و امنیت متقابل از دست داده ایم.

از دیوید هیوم به نقل از پاتنام: ۱۳۸۰: ۲۷۸

○ طرح مسئله

مشکل کشاورزان داستان هیوم در جوامع و کشورهای سرتاسر جهان پدیده بسیار آشنائی است:

- کشاورزان فقیر کشورهای جهان سوم نیازمند برنامه های آبیاری و بازاریابی کارآمدتر هستند، ولی همکاری برای نیل به این هدف بسیار سست و شکننده است.
 - ساکنان محله های محروم خواهان خیابان های امن تر هستند ولی امکانات جمعی برای کنترل جنایت ناکام مانده است.
 - والدین در جوامع جهان خواستار فرصت های تحصیلی بهتر برای فرزندان خود هستند اما همکاری هائی که برای بهبود شرایط مدارس دولتی انجام گرفته به شکست انجامیده اند.
 - افزایش گرمای کره زمین زندگی مردم جهان را تهدید می کند، ولی اقدام مشترک برای پیشگیری از این خطر مشترک شکست خورده است.
- همانطور که فلاسفه از هابز به بعد تاکید کرده اند، شکست در همکاری برای کسب منافع متقابل الزماً نشانه نادانی یا عدم عقلانیت و بد نهادی نیست. کشاورزان داستان هیوم، ابله، دیوانه و یا شرور نبوده اند، بلکه در تنگنائی گرفتار آمده بودند. دانشمندان علوم اجتماعی اخیراً این معضل بنیادین را که در اشکال مختلف جلوه گر است تحلیل کرده اند؛ همکاری همگانی اگرچه به نفع همه هست اما در غیاب اعتماد، مشارکت اجرائی همیاری و تعهد متقابل همه خود را از همکاری کنار می کشند و با رفتار خود انتظارات بدبنیانه یکدیگر را تحقق می بخشند.
- چگونه می توان بدون خلق هیولائی که هابز در «لواتیان توصیف کرده براین مشکلات اقدام جمعی غلبه کرد؟
- دانشمندان رشته های مختلف علوم انسانی اخیراً تفسیر جدیدی از این مشکل ارائه کرده اند که بر مفهوم سرمایه اجتماعی (Social Capital) متکی است. سرمایه اجتماعی همچون مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی (یعنی ابزار و آموزشهای که بهره وری فردی را افزایش میدهد) به ویژگیهای سازمان اجتماعی از قبیل شبکه ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارند که همکاری و هماهنگی برای کسب سود متقابل را تسهیل می کنند.
- سرمایه اجتماعی، سرمایه گذاری در زمینه سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می دهد و هزینه اجرای کار را کاهش می دهد.

پورتز و سنسبرنر در مقاله خود به بررسی عوامل اجتماعی تعیین کننده، کنش اقتصادی پرداخته و عوامل اجتماعی که نقش مستقیم در شکل گیری برخی از کنش های اقتصادی دارد، بررسی کرده اند و چهار عامل عمده در شکل گیری این کنش های اقتصادی توسط جامعه شناسان مطرح شده است. این عوامل امروزه در مباحث مربوط به «سرمایه اجتماعی» در قالب و شکل جدید این مفهوم مطرح شده و انتظارات جمعی موثر بر رفتار فردی اقتصادی را شامل می گردد (۱۹۹۳: ۵۰-۱۳۲۰)

اولین منبع سرمایه اجتماعی، که در شکل گیری کنش های اقتصادی موثر است: «درونی سازی ارزش ها»^۱ می باشد که توسط امیل دورکیم مطرح شده و ماکس وبر نیز در قالب ویژگی های اخلاقی داد و ستد اقتصادی از طریق جامعه پذیری اصول ارزش آموخته شده، از آن یاد می کند. گونه نمادین این تفکر در ارزشهای پیورتین ها اشاره شده که بر روحیه قناعت صرف نظر از حجم ثروت به هر میزانی تاکید دارد.

امیل دورکیم در جای دیگر به موضوع عناصر غیر قراردادی قرارداد، پرداخته است. از نظر او قرارداد به خودی خود کافی نیست بلکه هنگامی قابل اجرا است که قوانین قرارداد با منشاء اجتماعی موجود باشند. (دورکیم ۱۹۸۴: ۱۶۲).

بنابراین درونی سازی ارزش، باعث می گردد که افراد در شیوه هائی به غیر از روابط سودجویانه محض و عریان عمل کنند، در حالی که اقتصاددانان گرایش مبنی بر نادیده گرفتن رویکرد جامعه شناختی به رفتار اقتصادی داشته و تمایل به نقد «سرمایه اجتماعی» را دارند و جامعه شناسان را به افراط در اجتماعی شدن انسان در کنش های خود متهم می کنند.

دومین منبع سرمایه اجتماعی که در شکل گیری کنش های اقتصادی موثر است و در کارهای جورج زیمل مشاهده می شود «پویائی های رابطه گروهی»^۲ است که در تئوری های مبادله شرح و بسط داده شده است.

^۱ - Value interjection

^۲ - dynamics of group affiliation

زندگی اجتماعی بعنوان یک مجموعه وسیعی از مبادلات اولیه علائق و خواسته ها، اطلاعات، مقبولیت ها و سایر ارزشهایی است که مبادله می شود. سرمایه اجتماعی، از این مبادله بروز می یابد و شامل انباشت رسیدهها بر اساس رفتار و کردارهای خوب با دیگران است که توسط هنجار متقابل باعث برگشت می گردد.

در اینجا افراد صرفاً بر اساس اخلاقیات بالای گروهی با یکدیگر تعامل ندارند بلکه به جهت رسیدن به منافع و اهداف خود با یکدیگر رفتار می کنند. تفاوت رفتار در اینجا بر خلاف رفتار مبتنی بر بازار این است که تشابه سرمایه اجتماعی با سرمایه پولی هیچ جا در تحلیل مبادلات زندگی گروهی به این نزدیکی نشده است (پورتزوسنسنببر ۱۹۹۳: ۱۳۲۴)

سومین منبع سرمایه اجتماعی، «همبستگی منسجم و بسته»^۱ است که به وضعیتی اشاره دارد که در آن بروز رفتار مبتنی بر اصول رویکرد گروهی بوده و نسبت به هرگونه ارزش درونی شده کاملاً متفاوت است. بهترین مثال کلاسیک از این موضوع در کارهای کارل مارکس در ظهور «آگاهی طبقاتی» به چشم می خورد و بصیرت و آگاهی کارگران در شکل یک طبقه برای خود، بنابراین بعنوان یک منبع سرمایه اجتماعی، همبستگی منسجم و بسته طبقه کارگر خارج از درونی سازی ارزش های تثبیت شده (منبع یک) یا مبادلات متقابل فردی (منبع دو) بلکه انعکاس موقعیتی مردمی است که در مشقت و بدبختی مشترک قرار گرفته اند. هنگامی که چنین احساسی به آستانه خود برسد به هنجارهای حمایت متقابل تبدیل خواهد شد که در نهایت بعنوان یک منبع در حفظ افراد قابل استفاده خواهد بود (همانجا: ۱۳۲۵).

در بسیاری از فیلم هائی که همکاری و تعاون در جهت رویارویی با دشمنان تخیلی از کرات دیگر و یا برخورد با فجایع طبیعی مثل: زلزله، سیل و ... صورت می گیرد در اصل شاهد ظهور این نوع سرمایه اجتماعی می باشیم.

¹ - bounded solidarity

چهارمین منبع سرمایه اجتماعی: «اعتماد ناشی از ضمانت اجرا»^۱ است که در اندیشه های ماکس وبر مطرح است آنجا که از عقلانیت صوری^۲ و ذاتی^۳ در معاملات بازار بحث می کند. عقلانیت صوری به معاملات بر اساس هنجارهای جهانی و مبادلات آزاد و باز اشاره دارد در حالی که عقلانیت ذاتی به تعهدات خاص در انحصارات یا شبیه انحصارات گروه خاص، بر می گردد. در عقلانیت ذاتی با یک حوزه داخلی مواجه هستیم چون اهداف گروهی بر رفتار اقتصادی غلبه دارند، اعضاء گروه از خواسته های فردی خود به دلیل انتظارات جمعی چشم پوشی می کنند یعنی مطلوبیت خود را در ازاء برخورداری از عضویت گروهی کنار می گذارند (همانجا: ۱۳۲۵)

سرمایه اجتماعی از طریق اطاعت اعضاء از انتظارات گروهی پدید می آید. همانند مبادلات مبتنی بر معامله متقابل، رویکرد اصلی در اینجا مبتنی بر مطلوبیت است با این تفاوت که رفتار کنشگر در ارتباط با یک مجموعه از شبکه های اجتماعی جامعه کلی شکل می گیرد نه در ارتباط با یک دیگری خاص.

پنجمین منبع سرمایه اجتماعی که در کارهای تونیس در تفکیک دوگانه گمنشافت و گزل شافت، دیده می شود در گمنشافت خونی (طایفه ای - عشیره ای) که دلالت بر وحدت جسمانی و زمین مشترک مطرح است دست همانند گشتافت ذهنی (امور مقدس) که مبین اشتراک ذهنی است. این ۳ نوع در فضا و زمان با یکدیگر از نزدیک روابط متداخل دارند (آبراهام : ۱۹۹۰ : ۳۳۰-۳۲۸)

خمیر مایه گمنشافت، مشارکت تام و تمام و بی چون و چرا با دیگران است و تعلق و اراده ذاتی^۴ مبتنی بر وحدت وسیله و هدف، آنرا به پیش می برد و در برابر گزلفشافت که مبتنی بر

¹ - Enforceable trust

² - formal rationality

³ - substantive rationality

⁴ - wesen wille

مبادله و قراردادهاست و اراده اختیاری^۱ مبنی بر جدائی وسیله و هدف بر آن حاکم است (گافمن و دیگران: ۱۹۹۴، ۳۰-۲۸) گمنشافت بیشتر با دیدگاههای دورکیم و مارکس نزدیک است و گزلفشافت با دیدگاههای زیمل و ماکس وبر.

منابع	اصل راهبر	انگیزه فردی برای اطلاعات	کلاسیک ها
درونی سازی ارزش ها	جامعه پذیری به اجماع باورها	اصل	دورکیم
مبادله متقابل	هنجارهای معامله متقابل در تعاملات چهره به چهره	ابزار	زیمل
همبستگی منسجم و بسته	احساس پاسخ ناشی از موقعیت	اصل	مارکس
اعتماد ناشی از ضمانت اجرا	پاداش ناشی از اتصال گروهی	ابزار	وبر
گمنشافت خونی، محلی، ذهنی	اراده ذاتی	اصل	تونیس

بنابراین در توضیح کنش اجتماعی دو جریان فکری وجود دارد:

۱- جریان فکری که وجه بارز بیشترجامعه شناسان است، کنشگر را کسی تعریف می کنند که جامعه پذیری یافته است و کنش را رفتاری سمت و سو یافته تعریف می کنند که بر اساس حاکمیت هنجارهای اجتماعی، قواعد و مقررات و تکالیف الزام آور و ۴ اصل راهبر که در جدول فوق اشاره شد، شکل می گیرد.

۲- جریان فکری دیگر که وجه بارز اکثر اقتصاددانان است، کنشگر را دارای اهدافی می دانند که به طور فردی به آنها می رسد و یکسره عمل می کند و در پی منافع خویش است. در این جریان اصل بر به حداکثر رساندن سود است.

¹ - kuer wille

به دو رویکرد نقدهای جدی وارد است به گونه ای که در اتهام جریان جامعه شناختی گفته می شود که کنشگر را محیط اطراف آن شکل می دهد. و عوامل درونی برای عمل و یا جیتی که به عمل کننده بدهد وجود ندارد، از دیگر سو جریان اقتصادی، واقعیت تجربی را نادیده می گیرد در حالی که محیط و شرایط اجتماعی به کنش های اشخاص شکل می دهد و سمت و سوی آنها را عوض می کند و آنها را مقید به محدودیت های برخاسته از شرایط اجتماعی می کند. هنجارها، اعتماد بین اشخاص، شبکه های اجتماعی و سازمانهای اجتماعی نه فقط بر کارکرد جامعه بلکه بر کارکرد اقتصاد نیز تأثیر می گذارند.

البته از طرف دیگر دو دسته از نظریه ها در «نظریه انتخاب عقلانی» وجود دارند که بر اساس این نظریه ها افراد بر اساس منافع فردی خود تصمیم می گیرند بنابراین پیش بینی می شود که مشکل بتوان عمل جمعی را سامان داد. این دو دسته نظریه ها در عقلانیت پارامتریک مبتنی بر این امر است که کنشگران عاقل از میان راههای مختلف راهی را انتخاب می کنند که پیامد آن برای آنها بیشترین سود را داشته باشد بنابراین پیامد کنش انتخابی فرد کاملاً طبیعی بوده و ربطی به عملکرد دیگران ندارد اما در عقلانیت استراتژیک پیامد کنش انتخاب فرد بر اساس تصمیم گیرندگان دیگر صورت می گیرد. بنابراین پیامد کنش هرگز احتمالی نبوده است و مبتنی بر محاسبه سود و زیان و تعاملات اجتماعی دیگران است که در برآیند نهایی انتخاب کنشگر، تأثیر دارد.

برای ورود به چگونگی تأثیر سرمایه اجتماعی در تقابل با این دسته از نظریات ابتدا به روشن شدن این استراتژی های مربوط به انتخاب عقلانی خواهیم پرداخت. زیرا موضوع اصلی این پژوهش مربوط به سرمایه اجتماعی است و اینکه چگونه این استراتژی ها و نظریات در طرح مسئله اصلی به منظور آشنائی با بعد تقابلی سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر کاهش هزینه های مدیریت شهری، احساس می شود.

بازی معمای زندانی

		ستون	
		انکار	اقرار
سطر	انکار	(-۱ و -۱)	(۰ و -۱)
	اقرار	(-۱ و ۰)	(۰ و ۰)

	اقرار	(-۱ و ۰)	(-۸ و -۸)
--	-------	----------	-----------

در بازی معمای زندانی، دو زندانی به نام های سطر و ستون به طور جداگانه نگهداری می شوند، اگر هر دو اعتراف به جرم کنند، هر یک به ۸ سال زندان محکوم خواهند شد، اگر هر دو جرم را انکار نمایند هر یک به یکسال زندان محکوم خواهند شد. اگر تنها یک نفر به جرم اعتراف کند، او از زندان آزاد شده و نفر دیگر به ۱۰ سال زندان محکوم می شود که فرم ماتریسی آن در بالا نمایش داده شده است.

بنابراین هر یک از دو نفر یک استراتژی مسلط دارند. بعنوان مثال بازیکن سطر نمی داند که بازیکن ستون کدام استراتژی را انتخاب می کند. اگر ستون انکار را انتخاب کند برای او بهتر است که استراتژی اقرار را انتخاب کند اگر ستون استراتژی «اقرار» را انتخاب کند برای سطر بهتر است که باز هم استراتژی اقرار را انتخاب کند که به جای ۱۰- پیامد اقتصادی ۸- را نصیب او می کند. پس برای بازیکن سطر استراتژی اقرار در هر حال و صرفنظر از انتخاب استراتژیک طرف مقابل، در یک استراتژی برتر و مسلط است چون بازی از طرف هر یک از دو بازیکن متقارن است.

برای بازیکن ستون هم استراتژی اقرار یک استراتژی مسلط است. نتیجه تعامل این دو بازیکن، تعادل (اقرار - اقرار) است که جفت نتیجه (۸- و ۸-) را نصیب آنها می سازد. حال آنکه این نتیجه از حالت استراتژی (انکار، انکار) یعنی پیامد اقتصادی (۱- و ۱-) بدتر است. بنابراین وقتی شهروندان به گونه ای عمل می کنند که همه ضرر ببینند، بازی معمای زندانی به نظر می رسد. این بازی در مناقصه ها، چانه زنی و شرکت در مسابقات تسلیحاتی بکار می رود.

اما در جامعه مدنی، هر شهروندی باید تصمیم بگیرد که شهروند دیگر را با تحمل قدری هزینه شخصی، کمک کند و یا به او صدمه بزند. کمک کردن و صدمه زدن می تواند اشکال مختلفی را مانند: پرداخت عوارض و یا نپرداختن آن، تفکیک زباله در منزل و یا تفکیک نکردن آن - دزدیدن از دیگران و یا ندزدیدن از آنان، انفاق کردن و یا انفاق نکردن، عمل کردن به وظایف شهروندی و یا عمل نکردن آن و ... را داشته باشد.

اگر معمای فوق حل شود ترجیح خواهند داد که به جای اینکه قرار و مدار با یکدیگر گذاشته و همیشه آنرا زیر پا نهند اصلاً از وارد شدن به بازی اجتناب ورزند، مشخص است که چنین نتیجه ای نیز در ساختار نهادی جامعه یک زیان محسوب می شود چون در این صورت جامعه مدنی منقبض شده و مردم بجای همکاری و تعامل دوستانه با یکدیگر، مانند مجموعه هائی از افراد جدا از هم عمل خواهند کرد (بی نیازی: ۲۰۰۲ - ۵۰)

راه حل چیست؟

	کمک کردن	ضرر زدن
کمک کردن	(۴ و ۴)	(۵ و -۵)
ضرر زدن	(۵ و -۵)	(-۲ و -۲)

۱ - راه اول تغییر اعداد ماتریسی فوق و یا تغییر نفع و زیان از طریق نهادهای اجتماعی است. بعنوان مثال: اگر یک تحول اجتماعی مانند انقلاب رخ دهد و مردم در صفوف فشرده و به هم چسبیده در صحنه اجتماع ظاهر شوند، فقط یکی از دو جفت استراتژی (کمک - کمک) و (ضرر - ضرر) مورد انتخاب قرار خواهد گرفت، طبیعتاً چون افراد پیامد اقتصادی انتخاب خود را از قبل می دانند، جفت استراتژی (کمک - کمک) را که پیامد بهتری دارد انتخاب خواهند نمود و معمای زندان از بین رفته و یک عملکرد بهینه حاصل می شود.

۲- راه حل دوم حل معمای زندانی، تکرار بازی است. اگر بازی به صورت نامحدود قابل تکرار باشد. شهروند اول «استراتژی کمک» را در مرحله جاری بازی به آن امید انتخاب خواهد کرد که شهروند دوم را در انتخاب آتی خود برانگیزد که استراتژی «کمک» را انتخاب نماید. در واقع شهروندان ترجیح می دهند و پیامد (۴) را در این مرحله از بازی و در مراحل آینده به دست آورند تا در مرحله جاری بازی پیامد (۵) را بدست آورند اما در آینده محکوم به تلاقی جوئی شهروند دوم و پذیرش پیامد ۲- باشد. اگر شهروند دوم هم از همین استدلال استفاده کند آنها استراتژی «کمک» را انتخاب خواهند نمود و معمای زندانی حل خواهد شد (بی نیازی: ۲۰۰۲: ۶۰-۴۸)

حال اگر شهروند دوم به عمل خیر خواهانه شهروند اول پاسخ مثبت نداد و استراتژی «ضرر» را در مرحله دوم بازی انتخاب کند چه خواهد شد؟ در آن صورت شهروند اول به ۲ گونه واکنش نشان خواهد داد که هر یک معرف یک استراتژیک است.

۱- استراتژی سخت گیرانه:^۱

بازی را با استراتژی «کمک» شروع کن.

تا وقتی که شهروند دوم به استراتژی «ضرر» دست نزد، آنرا همچنان با استراتژی کمک ادامه بده اما چون او به استراتژی «ضرر» روی آورد تو نیز برای همیشه استراتژی ضرر را برگزین، در این استراتژی روح انتقام جوئی ابدی و دوری از عفو و بخشش موج می زند و تنبیه سختی برای متخلف در انتظار اوست و لو اینکه این اعمال تنبیه هر دو بازیکن در بلند مدت در صورت تخلف یکی از آنان، زیان ببیند.

۲- استراتژی این به آن سر^۲

بازی را با استراتژی «کمک» شروع کن

از آن پس، در انتخاب n ام بازی، استراتژی را انتخاب کن که بازیکن دیگر در مرحله $n-1$ ام بازی آنرا برگزیند.

این استراتژی قدری بخشش گرایانه است و ضمن استفاده محدود از انتقام جوئی، این امکان را دارد که اگر بازیکن دیگر سهواً استراتژی «ضرر» را برگزیده بود، آن دو قادر باشند مجدداً به خط همکاری و معاضدت باز گردند.

باید توجه نمود که راه حل تکرار در بازی معمای زندانی تابعی از انتظارات متقابل بازیکنان است. بنابراین در صورتی که شهروند اول انتظار داشته باشد که شهروند دوم استراتژی «این به آن سر» را بازی خواهد کرد او نیز چنان می کند اما اگر او انتظار داشته باشد که شهروند دوم برای همیشه استراتژی «ضرر» را بر خواهد گزید او نیز استراتژی «ضرر» را

¹ - grim strategy

² - the tit – for tat strategy

بر می‌گزیند، پس هر یک از دو استراتژی (کمک - کمک) و (ضرر - ضرر) بسته به انتظار افراد از یکدیگر قابل تحقق است و این مطلوب ما نیست.

۳- راه حل سوم «بازی هماهنگی» است که در این بازی حالت چند تعادلی به حالت مطلوب (کمک - کمک) راهبر می‌شود در بازی هماهنگی فرض می‌شود که ۲ راننده به سوی یکدیگر حرکت می‌کنند، آنها باید تصمیم بگیرند که از سمت راست حرکت کنند و یا از سمت چپ، در این صورت انتخاب بهینه بازی (راست - راست) خواهد بود اما اگر یکی از آنها از سمت راست حرکت کند و دیگری از سمت چپ، آنها با یکدیگر تصادف خواهند کرد و پیامد اقتصادی نامطلوب (۰- و ۰-) را نصیب خود خواهند کرد.

		راننده دوم	
		راست	چپ
راننده اول	راست	(۲ و ۲)	(۰- و ۰-)
	چپ	(۰- و ۰-)	(۱ و ۱)

در بازی هماهنگی بر خلاف معمای زندانی، بین منافع بازیکنان تضاد وجود ندارد و انتخاب (راست - راست) برای هر دوی آنها بهترین پیامد را دارد. اما اینکه چنین نتیجه‌ای در عمل اتفاق می‌افتد بستگی به انتظار قبلی آنان از یکدیگر دارد، اگر راننده اول انتظار داشته باشد که بازیکن دوم (راست) را انتخاب کند او هم (راست) را انتخاب می‌کند و اگر انتظار داشته باشد که «چپ» را انتخاب نماید او هم «چپ» را انتخاب می‌کند و بازیکن دوم هم همین گونه تجزیه و تحلیل می‌نماید و در نتیجه ۲ استراتژی (راست - راست) و (چپ - چپ) هر دو نتیجه‌های تعادلی بازی را تشکیل می‌دهند. بنابراین تنها مشکل بازی هماهنگی این است که باید بازیکنان دارای انتظار مناسب از یکدیگر باشند و این کار از طریق تعامل و ارتباط امکان پذیر است آنها می‌توانند با یکدیگر گفتگو کنند و یا وقتی که امکان گفتگوی رو در روی وجود نداشته باشد آنان می‌توانند از یک قرارداد، قانون و یا اعلامیه‌ای که توسط دولت تدوین شده استفاده نمایند (بی‌نیاز: ۲۰۰۲: ۵۹).

حال اگر به بازی جامعه مدنی برگردیم، می‌بینیم که موضوع بازی هماهنگی است که از طریق ارتباط و با قراردادهای اجتماعی بازیکنان قابل حل است. بعلاوه باید توجه داشت که

اولاً اهتمام نسبت به ارزش گذاری مثبت آینده به اندازه کافی وجود داشته باشد ثانیاً ویژگی تکرار باید از اول وجود داشته باشد تا بتوان از طریق ارتباط و یا قرارداد اجتماعی معما حل گردد در غیر این صورت نتیجه تعادلی بازی همان (ضرر- ضرر) خواهد بود که مطلوب نیست.

در بازی جامعه مدنی فیلسوفان قدیم بدنبال راه حلی بودند که از طریق آموزش های اخلاقی و مذهبی و یا وضع قوانین بتوانند پیامدهای اقتصادی بازی را تغییر دهند اما ادبیات دهه ۹۰ در خصوص سرمایه اجتماعی راه حل های مبتنی بر تکرار بازی و ارتباطات را مطرح می کند.

اگر مردم در انجمن های مدنی و محلی (اگر چه از راه دور و از طریق اینترنت) به دور هم جمع شوند، انگیزه بیشتری برای کمک به یکدیگر و اجتناب از زیان رساندن به یکدیگر و سایر شهروندان را پیدا خواهند کرد.

در گردهمائی واقعی و مجازی، اطلاعات مربوط به کمک رسانی و زیان رساندن به یکدیگر به راحتی منتشر می شود و چون هیچکس مایل نیست از شبکه اجتماعی حذف شود، رفتار خود را اصلاح نموده و به خیر رسانی به دیگران رو خواهد آورد، از سوی دیگر مبادله اطلاعات به بهره وری آنان افزوده و به تدریج آنان را آگاه خواهد نمود که پیامدهای اقتصادی ناشی از تمرین همکاری نسبت به یکدیگر برتر از پیامدهای اقتصادی ناشی از انفرادی عمل نمودن و پشت نمودن به یکدیگر است. روشن است که قوانین قادرند این مشکل را حل کنند اما گاهی اوقات بدلیل پیچیدگی های مربوط به تشخیص خوب از بد، به هزینه های هنگفت نیاز است حال آنکه راه حل جامعه مدنی چنین هزینه ای را ببار نمی آورد و هر چه یک جامعه بیشتر بتواند معمای زندانی را در سازمان خود حل کند خوشبخت تر و ثروتمندتر است. در اینجا بحث «معمای زندانی» و بازی تکرار و «بازی هماهنگی» به منظور انعکاس دیدگاههای اجتماعی در علم اقتصاد و در حوزه و شکل گیری سرمایه اجتماعی مطرح شد اما بهر حال رویکرد اقتصاددانان برای درک اینکه «سرمایه اجتماعی» چگونه ایجاد می شود، بسیار محدود است.

از ترکیب دو جریان فکری جامعه شناسان و اقتصاددانان ارزش اکتشافی مفهوم سرمایه اجتماعی بیشتر روشن می شود به گونه ای که توجه ما را به آن جوانب مهم روابط اجتماعی پنهان جلب می کند که فراتر از حیات اقتصادی و سیاسی اند و نه به شکل قانع کننده ای می توان آنان را در قالب الگوی پیگیری عقلانی نفع شخصی قرار داد.

بنابراین مفهوم سرمایه اجتماعی می تواند ناتوانی الگوی متداول اقتصادی در ادغام و جای دادن عوامل غیر بازاری در توجیه رفتار سیاسی و اقتصادی کنشگران را بر طرف نماید.

ایده اصلی «سرمایه اجتماعی» این است که: اعتماد - هنجارهای معامله متقابل - شبکه های رسمی و غیر رسمی ارتباطی (مثل خانواده - دوستان - شرکا، همکاران شخصی) سرمایه مهمی را تشکیل می دهند، سرمایه ای که فی نفسه به هنگام مواجهه با بحران مفیدند. بعلاوه آنچه در مورد افراد صدق می کند، در مورد گروهها هم صادق است.

منشاء «سرمایه اجتماعی» می تواند ناشی از عوامل گوناگون باشد: اقتدار سلسله مراتب - هنجارهای ناشی از دین و سنت - تجارب مشترک تاریخی و فرهنگی جهانی، از طرفی دولت هم می تواند از طریق آموزش و پرورش علاوه بر سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی را به شکل قواعد و هنجارهای اجتماعی منتقل کند و عوامل محیطی موثر بر شکل گیری سرمایه اجتماعی مانند (تثبیت حقوق مالکیت و امنیت عمومی) را فراهم نماید.

در گذشته لوآتیان هابز، طبقه حاکم مارکس، اخلاق پروتستان وبر، اجتماع هنجاری پارسونز و فراخود فروید به تبیین چگونگی کسب منافع و سواری مجانی افراد می پرداختند ولی اکنون «سرمایه اجتماعی» این وظیفه را بر عهده دارد.

بر اساس مطالعات انجام شده، می توان گفت که «سرمایه اجتماعی با کاهش هزینه های مبادلاتی^۱ و کمک به حقوق مالکیت^۲ و جنبه های مختلف دیگر، می تواند بر کارایی بخشها و نهادهای مختلف تأثیر بسزائی داشته باشد، سرمایه اجتماعی می تواند باعث افزایش انباشت سرمایه انسانی و توسعه مالی و سرمایه گذاری، افزایش نوآوری و خلاقیت، افزایش کارایی

¹ - Transaction costs

² - Property Rights

عملکرد دولت و سیاستهای اعمال شده از طرف دولت و کاهش هزینه ها و بسیار نتایج دیگر گردد.

یکی از سوالات مهم و جدی مورد توجه اقتصاددانان تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی است و یکی از سوالات مهم دلائل رشد و توسعه اقتصادی این مسئله است که «چرا بعضی از کشورها بسیار ثروتمند و بعضی دیگر بسیار فقیرند؟»

این مسئله قدیمی، مدتهاست که فکر اقتصاددانان را به خود مشغول کرده است و تلاشهای گسترده ای برای بیان عوامل موثر بر رشد اقتصادی صورت گرفته است (هی یرپ ۲۰۰۳) مطالعات متنوع در جوامع بین المللی بر تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی صورت گرفته است. بعوان مثال ناک و کیفر ۱۹۹۷^۱ در مطالعه خود دنبال بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی بوده اند، آنها با مطالعه بر روی ۲۹ کشور پی بردند که افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد می تواند باعث افزایش رشد اقتصادی گردد. همچنین مطالعه ای که بیوگلس دیک و ون چیک ۲۰۰۴^۲ انجام داده اند به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی در ۵۴ منطقه اروپا پرداخته اند، آنها با استفاده از مدل تعمیم یافته به این نتیجه رسیده اند که سرمایه اجتماعی دارای اثر مثبت بر روی رشد اقتصادی می باشد.

در این پژوهش، ما به دنبال بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر کاهش هزینه های مدیریت شهری شهر تهران هستیم و به دنبال این پرسش هستیم که آیا تغییرات در سرمایه اجتماعی می تواند در کنار عوامل متعارف دیگر باعث تغییر در توسعه شهری و کاهش هزینه اداره شهر گردد.

در این تحقیق عوامل اجتماعی - فرهنگی که نقش موثری بر پیدایش خصیصه زندگی مدنی دارند و به زعم پا تنام به عنوان «جامعه مدنی» مطرح می باشد بر اساس مفهوم «سرمایه اجتماعی» تعریف می گردند و سرمایه اجتماعی بر اساس این دیدگاه در مقایسه با سایرین

¹ - knack and keefer

² - Beugelsdijk and van schaik

تعریف و عملیاتی می شود و عوامل تأثیر گذار بر آن براساس دیدگاههای سایر محققین در این حوزه به بحث کشیده خواهد شد. در اینجا مسئله اصلی نگاه به «مفهوم سرمایه اجتماعی در شهر تهران و عوامل اجتماعی و زمینه ای موثر بر شکل گیری سرمایه اجتماعی، و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی شهر تهران می باشد. در قسمت ضرورت و مروری بر پیشینه تحقیق نیز به طور مفصل اشاره خواهد شد. شناخت و تعریف مفهومی سرمایه اجتماعی در شهر تهران و نقش عوامل تعیین کننده موثر و کارآمد در شکل گیری آن باعث خواهد شد که در انجام فعالیتهای توسعه ای از طریق بررسی و عوامل اجتماعی-زمینه ای تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی شناخته شود و نیز وضعیت سرمایه اجتماعی و مولفه های آن با توسعه یافتگی و نیافتگی مناطق شهر تهران بررسی می شود. و در نهایت تأثیر سرمایه اجتماعی بر کاهش هزینه های اداری شهر تهران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

○ اهمیت و ضرورت تحقیق

توجه به نقش روابط اجتماعی در توسعه، نقطه عطفی در رویکرد نظری نسبت به توسعه می باشد. تا دهه نود اکثر نظریه های اقتصادی و توسعه، دیدگاههایی کوتاه بینانه و حتی متناقض درباره نقش روابط اجتماعی در توسعه اقتصادی داشتند لرنر در چارچوب نظریه نوسازی روانی معتقد بود که به واسطه بسط و نشر عناصر فرهنگی کشورهای توسعه یافته در کشورهای جهان سوم جریان نوسازی و تجدید به وقوع می پیوندد (ازکیا: ۱۹۹۸، ۱۰۸) اینکس و اسمیت در کتاب خود «در حال نو شدن» در توصیف «فرد سنتی» فهرستی از ویژگیهایی در جهت مخالف با خصوصیات مدرن، که بیشتر منعکس کننده ملزومات روانی نهادهای اجتماعی مدرن است ارائه می دهد، نه اثری که بر اساس پژوهش در پویای های درونی فکر و عمل سنتی، پایه و اساس تجربی داشته باشد (ازکیا: ۱۹۹۸: ۱۱۳)

در دهه های ۵۰ و ۶۰ روابط اجتماعی و روشهای سنتی زندگی همچون مانعی بر سر راه توسعه تلقی می شد (مور ۱۹۹۷: ۲۸۹ به نقل از تاجبخش، ۲۰۰۳: ۵۳۱) به درستی تذکر می

¹ - civil society

دهد که وقتی نظریه پردازان نوسازی «فقدان یا شکست سرمایه داری» را توضیح می دادند، نقش روابط اجتماعی را بعنوان یک مانع قلمداد می کردند.

چنانکه در اسناد سازمان ملل در ۱۹۵۱ گفته شده برای آنکه کار توسعه پیش برود، «فلسفه های قدیمی باید ابطال شوند، نهادهای کهنه اجتماعی از هم بپاشند، زنجیرهای کاست و عقیده و نژاد باید از هم گسسته شوند و بی شمار افرادی که قادر نیستند قدم به قدم با ترقی حرکت کنند محکوم اند که از برخورداری از یک زندگی آسوده چشم پوشند و تن به قبول نومیدی بدهند» (سکوبار^۱: ۱۹۹۵: ۳ به نقل از تاجبخش ۲۰۰۳، ۵۳۲)

این دیدگاه در دهه ۷۰ جای خود را به نظریه پردازان تئوری وابستگی و نظام جهانی داد. اینان معتقد بودند که روابط اجتماعی در بین نخبگان سیاسی و حقوقی، ساز و کار اصلی استثمار^۲ و نظام سرمایه دارانه^۳ است، در این دیدگاه ویژگیهای اجتماعی کشورها و جوامع فقیر تقریباً یکسره از نقطه نظر رابطه آنان با ابزار تولید و ناسازگاری ذاتی بین منافع طبقه سرمایه دار و کارگر تفسیر می شد. در عین حال دیدگاه های اجتماع گرایانه^۴ بر سودمندی و خودکفایی اجتماعی تاکید می کردند، جنبه های منفی تعهدات گروهی را دست کم می گرفتند و اهمیت روابط اجتماعی در ساختن نهادهای رسمی موثر را نادیده می انگاشتند.

در دهه های ۸۰ و ۹۰ نظریه پردازان نئوکلاسیک و متخصصان «انتخاب عمومی» بیشترین تأثیر را داشتند و آنها نیز روابط اجتماعی را غیر موثر می دیدند. کانون توجه آنها برگزینه های راهبردی افرادی عقلانی^۵ بود که در زمانهای مختلف و تحت الزامات بودجه، زمان و قید و بندهای قانونی گوناگون، با یکدیگر تعامل دارند و معتقد بودند گروهها در درجه نخست به آن دلیل موجودیت دارند که «هزینه های معاملاتی»^۶ را پائین بیاورند. بنابراین

¹ - es cobar

² - De pendency theory

³ - world sysem they

⁴ - communtarian

⁵ - public choice theory

⁶ - transaction costs

عمده نظریات توسعه، روابط اجتماعی را فوق العاده استعمار گرایانه، آزادی بخش یا از طرف دیگر نامربوط و بی فایده تفسیر می کردند.

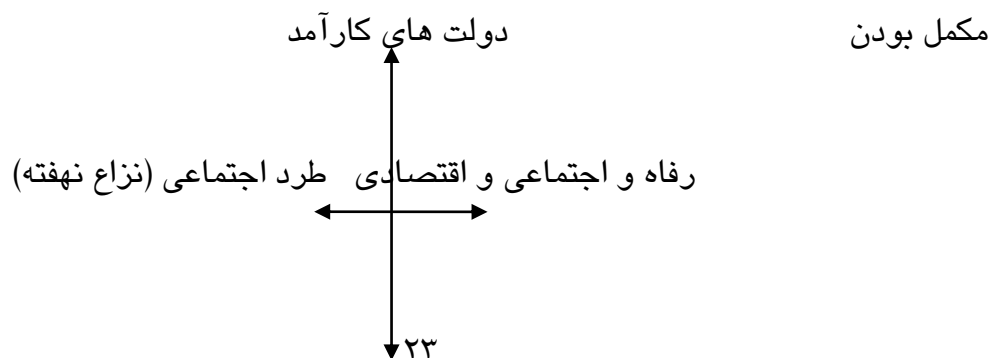
مفهوم «سرمایه اجتماعی» در دهه اخیر نخستین تلاشی است برای پاسخگویی به این چالش بزرگ اقتصاد، که همه رشته های انسانی در پدید آوردن این ادبیات سهیم بوده اند. به طور کلی به زعم ولکاک و نارایان (۲۰۰۳: ۵۵۶-۵۳۷) در ارتباط با سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی ۴ دیدگاه وجود دارد:

۱- دیدگاه اجتماع گرائی، در این دیدگاه سرمایه اجتماعی با سازمان های محلی چون باشگاه ها، انجمن ها و گروه های مدنی یکسان انگاشته می شود، در این دیدگاه سرمایه اجتماعی ذاتاً خیر است، هر چه بیشتر باشد، بهتر است و وجود آن اثری مثبت بر توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی دارد. اما انتقاداتی نیز توسط دیگران مطرح است که حرف سطوح بالای همبستگی اجتماعی و سرمایه اجتماعی لزوماً به رفاه اقتصادی نمی انجامد.

۲- دیدگاه شبکه ای، که هر دو جنبه مثبت و منفی سرمایه اجتماعی را مد نظر قرار می دهد و بر اهمیت پیوندهای عمودی و افقی در بین مردم و روابط درونی و فیما بین گروهها تاکید می کند.

۳- دیدگاه، نهادی، در این دیدگاه، سرزندگی شبکه های اجتماعی محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی و عملکرد دولت ها و پاسخگوئی آنها در برابر جامعه مدنی است و بر عکس دیدگاه شبکه ای که سرمایه اجتماعی را بعنوان متغیر مستقل (عامل) در ظهور پیامدهای خوب و بد می داند، سرمایه اجتماعی را بعنوان متغیر وابسته تلقی می کند. در این دیدگاه ظرفیت گروهها برای عمل کردن بخاطر نفع جمعی، وابسته به کیفیت نهادهای رسمی است که تحت آنها قرار دارند.

۴- دیدگاه همیاری، که دو دیدگاه شبکه ای و نهادی را ادغام می نماید.



درجات بالای سرمایه اجتماعی بین گروهی
درجات پائین سرمایه اجتماعی بین گروهی

مدارا کردن اغتشاش

جایگزین بودن دولت های ناکارآمد

مکمل بودن : به تعامل بهینه دولت و بازارها در جامعه مدنی اشاره دارد.

جایگزین بودن: سازمان های غیر رسمی ،خاندان ها، شبکه ها و غیره) جای دولت را می گیرند.

منبع: اقتباس از نارایان ، ۱۹۹۹)

○ اهمیت توسعه سرمایه اجتماعی در مدیریت شهری

سرمایه اجتماعی "Social capital" مفهوم جدیدی است که امروزه در بررسی های اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مطرح گردیده است. طرح این رویکرد در بسیاری از مباحث اقتصادی علاوه بر حوزه های اجتماعی و فرهنگی نشان گر میزان اهمیت و نقش ساختارها در روابط اجتماعی بر متغیرهای اقتصادی و توسعه جامعه است. سرمایه اجتماعی عمده‌تأ مبتنی بر عوامل اجتماعی و فرهنگی بوده و شناسائی آن بعنوان یک نوع سرمایه، چه در سطح مدیریت کلان توسعه کشورها و چه در سطح مدیریت شهرها و سازمانها می تواند شناخت جدیدی را از نظام های اقتصادی - اجتماعی ایجاد کرده و مدیریت شهری را در هدایت بهتر کلان شهرها یاری نماید.

از سرمایه اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه شده است یکی از تعاریف مطرح این است که «سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در نظامهای اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری و مشارکت اعضای آن جامعه گردیده و موجب پائین آمدن سطح هزینه های تبادلات و ارتباطات می گردد (برگرفته از فوکویاما ۱۹۹۹).

بر اساس این تعاریف، مفاهیمی نظیر نهادهای اجتماعی و مدنی نیز دارای ارتباط مفهومی نزدیکی با سرمایه اجتماعی است، بانک جهانی، سرمایه اجتماعی را پدیده ای می داند که

حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است و تأثیر قابل توجهی نیز بر اقتصاد و توسعه کشورها خواهد گذاشت.

سرمایه اجتماعی بر خلاف سایر سرمایه ها به صورت فیزیکی وجود ندارد بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای اجتماعی بوده و افزایش آن موجب پائین آمدن سطح قابل توجهی از هزینه های اداره جوامع و هزینه های عملیاتی سازمانها می گردد. سرمایه اجتماعی را می توان حاصل پدیده های ذیل در یک نظام اجتماعی دانست (فلورا ۱۹۹۹) اعتماد متقابل - تعامل اجتماعی متقابل - احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده، همکاری گروهی.

امروزه سرمایه اجتماعی نقش بسیار مهمتری از سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی در مدیریت شهری ایفا می کند و ارزش ها، هنجارها، روابط اجتماعی و شبکه های روابط جمعی، انسجام بخش میان شهروندان و مدیریت شهری است.

این هنجارها و تعاملات اجتماعی و اعتماد نهادهای، از آن جهت به عنوان عناصر سرمایه و در قالب سرمایه اجتماعی تعریف می گردند که دارای کارکردهای اقتصادی مهمی در نظامهای شهری هستند. سرمایه اجتماعی قادر است به جلب مشارکت مردمی، هزینه های ارائه خدمات و تبادلات و تعاملات مرتبط با مناطق شهری و سازمانهای شهری مختلف نظیر: بازسازی بافت های فرسوده شهری، حفظ و نگهداری از امکانات و تجهیزات شهری، پاکیزگی و زیباسازی محلات، مدیریت پسماند و تفکیک زباله شهری از مبدأ، توسعه فضای سبز و به طور کلی کنترل و نظارت از طریق سلسله مراتب مقررات بوروکراتیک را در حد قابل توجهی کاهش دهد. هزینه های اقتصادی در جوامع و سازمانهای که دارای سرمایه اجتماعی بهینه ای نیستند بالاست و این امر به دلیل بالا رفتن هزینه های نظارت و کنترل، دوباره کاری و اعمال دستور العمل های رسمی است.

هر چه سرمایه اجتماعی در نظام مدیریت شهری بالا باشد. موجب کاهش هزینه های مربوط به تعاملات رسمی می گردد. سوال محوری در بررسی سرمایه اجتماعی این است که: شهروندان تا چه میزان به دیگران اعتماد دارند؟ آیا این اعتماد که نتیجه تعاملات اجتماعی موجود در گروهها، انجمن ها و فعالیتهای اجتماعی است بر کاهش هزینه های

مدیریت شهری موثر است؟ عوامل تأثیر گذار بر سرمایه اجتماعی چیست و چگونه بر کاهش هزینه ها اثر خواهد گذاشت؟

عضویت در نهادهای مدنی را می توان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی دانست، نهادهای مدنی نظیر انجمن های صنفی، حرفه ای، شوارهای شهر و محله، کتابخانه ها، کا نونها، انجمن های علمی، ورزشی، هنری، اجتماعی، گروههای حامی محیط زیست، انجمن های تجاری، کشاورزی، انجمن های مذهبی و ... موارد مشابه از این دسته هستند، سازماندهی افراد در نهادهای اجتماعی موجب پرورش و توسعه فرهنگ های صنفی و حرفه ای خاص در این نهادها شده و ضمن ایجاد سطح بالاتر از مشارکت و تعلق اجتماعی موجب تسریع و کاهش بسیاری از هزینه های مدیریت شهری و توسعه شهری می گردید.

○ سرمایه اجتماعی در جامعه در حال گذار ایران

از آنجا که جامعه ایران به شدت در حال تغییر است و بسیاری از مقولات در حال تغییر در حوزه شاخص های اجتماعی و اقتصادی نیز بر اساس مباحث نظری سرمایه اجتماعی در این پژوهش (قسمت دیدگاههای نظری عوامل موثر بر شکل گیری سرمایه اجتماعی) از عوامل تأثیر گذار بر سرمایه اجتماعی می باشد، بنابراین ضرورت شناخت مفهوم سرمایه اجتماعی و سنجش آن بر اساس بستر اجتماعی و فرهنگی ایران از یکطرف و بررسی نوع و شدت تأثیر عوامل مذکور بر سرمایه اجتماعی می تواند در فراهم نمودن بستر مطالعات وضعیت موجود و روند سرمایه اجتماعی در ایران راهگشا باشد، برخی از تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی در جامعه ایران، به شرح ذیل می باشد:

جامعه ایران در دو دهه اخیر، از تحولات وسیعی در بعد اقتصادی و اجتماعی برخوردار بوده است. تنوع طبقات و قشربندی در جامعه ایران (لهسایی زاده، ۲۳)، شکاف طبقاتی و افزایش نابرابری در جامعه به گونه ای که خم منحنی لورنس در مناطق شهری و روستایی هر چه بیشتر شکاف درآمد خانوارها را نشان می دهد و ۴۳/۵ درصد از خانوارهای شهری در آمدی کمتر از ۱/۵ درصد از مجموع خانوارهای شهری با ۴/۲۰ درصد از کل درآمد خانواده های شهری) را به خود اختصاص می دهند. (طالع: ۵۹-۵۷) افزایش مهاجرت از روستاها به شهرها و تحرک مکانی درون شهری به گونه ای که از سال ۶۵-۱۳۵۵ رشدی

معادل ۵/۱ درصد در سال داشته است و درصد شهرنشینی از ۶۰ درصد تجاوز کرده و در سال ۱۳۹۰ جمعیت شهرنشینی ۷۲/۵ درصد پیش بینی می شود (زنجان: ۱۳۷۰) کمی مشارکت اجتماعی افراد به گونه ای که ۷۰/۵ درصد از افراد بالای ۱۵ سال در هیچ یک از فعالیت های اجتماعی^۱ شرکت نمی کنند و ۲۹/۵ درصد در این فعالیت ها شرکت دارند و اگر مشارکت هر عضو خانواده را در فعالیت های اجتماعی به مثابه فعالیت اجتماعی به حساب آوریم، می توان گفت که حداقل یک نفر از ۵۵/۵ درصد خانواده های نمونه، در فعالیت اجتماعی مشارکت دارند و هیچ عضوی از ۴۴/۵ درصد خانواده ها در مناسبت های اجتماعی شرکت نمی کنند (رجب زاده، ۱۳۸۰) در بحث افزایش طلاق نیز آمار آن به صورت روز افزونی رو به گسترش رفته است به گونه ای که اگر سال ۱۳۷۱ را به عنوان شاخص ۱۰۰ در میزان طلاق در تهران در نظر بگیریم این شاخص در سالهای ۷۳ تا ۷۸ به ترتیب ۱۰۳، ۱۱۲، ۱۲۳، ۱۲۴ و ۱۵۲ در سال ۱۳۷۸ بوده است (رحم دل: ۵) میزان اشتغال به تحصیل نیز در بین زنان از سال ۱۳۵۵ که ۱۷ درصد جمعیت غیر فعال را تشکیل می داد به ۳۰ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده که افزایش ۱۳ درصدی اشتغال به تحصیل زنان باعث افزایش سواد عمومی و میزان فعالیت آنان در آینده می گردد (آل یاسین: ۱۸) ضمن اینکه حدود ۳۰ درصد از نیروی کار شاغل زن را متخصصان و ۳۱/۶ درصد را صنعتگران ماهر تشکیل می دهند (افشاری، ۱۳۸۰) از طرف دیگر تحولاتی در زمینه افزایش سطح عمومی تحصیلات، تغییر در بالانس قبولی زنان نسبت به مردان در دانشگاه ها، تغییر رشد جمعیت و بعد خانوار در نقاط شهری، جابجایی و مهاجرت به شهرها و در شهرها، غیبت پدر از خانه و محیط همسایگی در طول روز و ... به عنوان عواملی است که در کنار متغیرهای زمینه ای از اهمیت فراوانی در مطالعات سرمایه اجتماعی در جامعه متحول ایران برخوردار

۱ - انجمن های علمی و فرهنگی، انجمن خانه و مدرسه، اتحادیه صنفی، انجمن اسلامی، بسیج، شورای

محل، هیأت امنای مسجد، تشکل های سیاسی، کانون های فرهنگی، انجمن های خیریه، صندوق قرض

است. ضمن اینکه تأثیر و تأثر تغییرات در شرایط اجتماعی و خانوادگی بر سرمایه اجتماعی در جوامع گوناگون متفاوت است. برای نمونه پاتنام (۱۹۹۶: ۴) و اگر تون (۲۰۰۳: ۶۰۳) به بررسی و شناخت تأثیر مثبت آموزش بر سرمایه اجتماعی (اعتماد) و مشارکت مدنی پرداخته اند در حالی که در جامعه ایران تحقیقات (محسنی: ۱۳۷۵: کمالی: ۱۳۸۲) نشان داده است که اگر اعتماد در میان مردم ۳۲ درصد است، این رقم در میان تحصیلکردگان ۱۰ درصد است. این وضعیت در سال ۱۳۵۳ (اسدی: ۱۳۵۳) نیز دیده می شود در آن زمان نیز افراد تحصیلکرده نسبت به عامه مردم قضاوت منفی تری نسبت به هموطنان خویش داشته اند و افراد تحصیلکرده به نسبت ۲/۷ برابر کمتر از عامه مردم هموطنان خود را قابل اعتماد می دانسته اند ولی در سال ۱۳۷۴ این نسبت (ضریب شکاف) به ۶/۳ رسید (شارع پور: ۱۱۰).

در این تحقیق تعریف مفهومی و عوامل موثر بر شکل گیری سرمایه اجتماعی با توجه به بستر اجتماعی فرهنگی جامعه ایران (شهر تهران) مورد بررسی و مطالعه قرار خواهد گرفت و مسئله اساسی طرح همانگونه که در اهداف مطرح شده است:

۱ - شناخت مفهوم سرمایه اجتماعی در شهر تهران با توجه به بستر اجتماعی - فرهنگی ایران

۲ - شناخت مدل سرمایه اجتماعی و بررسی انواع رابطه، شدت و نوع رابطه هر یک از عوامل تأثیر گذار بر عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی و خود مفهوم سرمایه اجتماعی با توجه به بستر اجتماعی - فرهنگی شهر تهران

۳- نقش و تأثیر سرمایه اجتماعی بر کاهش هزینه های خدمات شهری شهر تهران

۴- نقش و تأثیر سرمایه اجتماعی بر کاهش هزینه های خدمات شهری شهر تهران

پاراگراف دوم

- مقدمه
- نظریه اندیشمندان در گذشته و حال
- رابرت پوتنام
- جیمز کلن
- پیر بوردیو
- فرانسیس فوکویاما
- گلن لوری
- مایکل ولکاک و دیبانا رایان
- سایر تعاریف و نظریات
- انواع سرمایه
- ویژگی های سرمایه اجتماعی
- آیا سرمایه اجتماعی یک کالای عمومی است؟
- تأثیرات منفی و هزینه های سرمایه اجتماعی
- تشکیل سرمایه اجتماعی و عوامل موثر آن
- سنجش سرمایه اجتماعی
- تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد عملکرد اقتصادی

سوال های محوری تحقیق:

- ۱- تعریف نظری مفهوم سرمایه اجتماعی از نگاه اندیشمندان در این حوزه چیست؟
 - ۲- تعریف نظری نهایی از مجموع تعاریف سرمایه اجتماعی چیست؟
 - ۳- تعریف نظری سرمایه اجتماعی در شهر تهران چیست و چه تفاوتی با سایر تعاریف نظری دارد؟
 - ۴- عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی در شهر تهران از چه عواملی تشکیل شده است؟
 - ۵- عوامل موثر بر شکل گیری سرمایه اجتماعی در شهر تهران چیست؟
 - ۶- رابطه سرمایه اجتماعی و عناصر مفهومی آن در مناطق مختلف شهر تهران با نمره توسعه بافتگی مناطق تهران چگونه است؟
 - ۷- رابطه سرمایه اجتماعی و عناصر مفهومی آن در مناطق شهر تهران با اقتصاد شهر تهران (بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر میزان هزینه اداره شهر تهران)
- اهداف تحقیق:

- ۱- بررسی مفهوم نظری سرمایه اجتماعی در شهر تهران
- ۲- بررسی عوامل موثر بر شکل گیری سرمایه اجتماعی در شهر تهران
- ۳- بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی و ارتباط با آن با توسعه بافتگی مناطق مختلف شهر تهران
- ۴- بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر اقتصاد شهر تهران (کاهش هزینه اداره شهر)

مقدمه:

دیوید لندز^۱، اقتصاد دان مشهور در اجلاس سالانه انجمن اقتصادی آمریکا^۲ عنوان سخنرانی خود را یکی از سوالات مهم توسعه اقتصادی تحت عنوان «چرا ما بسیار ثروتمند و آنها بسیار فقیرند؟» انتخاب نمود. این مسئله اقتصاددانان کلاسیک را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود، به طوری که نام کتاب مشهور آدام اسمیت، بررسی در زمینه ماهیت و علل ثروت ملل گذاشته شده است. بررسی جدید این مسئله توسط اقتصاددانان کلان نگر به دهه ۱۹۵۰ و انتشار دو گزارش مشهور توسط رابرت سولو^۳ از موسسه تکنولوژی ماساچوست باز می گردد. تئوری سولو به روشن شدن نقش انباشت سرمایه فیزیکی^۴ کمک نمود و بر اهمیت رشد فن آوری بعنوان عامل نهائی در رشد اقتصادی پایدار تاکید گذارد. در طی دهه ۱۹۵۰ و تا حد کمتری در دهه ۱۹۷۰ کار در مورد رشد اقتصادی از شکوفائی بسیاری برخوردار بود، با این همه، به دلایل روش شناختی، جنبه های مهمی از اکتشافات نظری تغییر فن آوری به تعویق افتاد.

در اواخر دهه ۱۹۸۰ در دانشگاه شیکاگو، کاریل رومر^۵ و رابرت لوکاس، علاقه اقتصاددانان کلان نگر را به رشد اقتصادی باتاکید بر اقتصاد «اندیشه ها»^۶ و سرمایه انسانی دوباره شعله ور کرد و با استفاده از پیشرفت های جدیدی که در نظریه رقابت ناقص^۷ بوجود آمده بود، رومر اقتصاد فن آوری را به اقتصاددانان کلان نگر معرفی نمود.

¹ - David S. Landes

² - American Economic Association

³ - Robert Solow

⁴ - Accumulation of physical capital

⁵ - Romer & Lucas

⁶ - Economics of Ideas

⁷ - Imperfect competition

پس از این پیشرفت های نظری، کارهای تجربی توسط تعدادی از اقتصاددانان نظیر رابرت بارو^۱ از دانشگاه هاروارد، برای کمی کردن و آزمایش نظریه های رشد شروع شد، به طوری که در دهه ۱۹۹۰ هم کارهای نظری و هم کارهای تجربی با علاقه فراوان ادامه یافت اما باز هم مدلهای بیان شده تنها ۴۰ تا ۶۰ درصد از رشد را تبیین می کنند و این رشد توضیح داده شده را به بهره وری عوامل تولید نسبت می دهند (هی - یرپ، ۲۰۰۳).

○ نظریه اندیشمندان در گذشته و حال

همانند بسیاری از مفاهیم علوم انسانی، با مرور بر ادبیات سرمایه اجتماعی^۲، ملاحظه می شود که پژوهشگران بسیاری هر کدام برای شناخت حقیقت، واقعیاتی از پدیده سرمایه اجتماعی را در تعریف خود در نظر گرفته اند، در حالی که عده ای از محققین سرمایه اجتماعی را معادل اعتماد^۳ و هنجارهای مشترک اجتماعی تعریف کرده اند، عده ای دیگر آن را بخشی از نگرشهای اخلاقی و فرهنگی توصیف کرده اند. و برخی دیگر تاکید بر نهادها و کیفیت و کمیت زندگی مشارکتی دارند. در ذیل به مهمترین تعاریف ارائه شده از صاحب نظران این حوزه اشاره خواهد شد تا در درک و فهم این موضوع کمک شود.

○ رابرت بوتنام^۴

پژوهشهایی که پوتنام در مورد سرمایه اجتماعی انجام داده است نام او را بعنوان یکی از صاحب نظران سرمایه اجتماعی مطرح کرده است پوتنام (۱۹۹۵، ۶۷) می گوید، سرمایه اجتماعی همچون مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی، ابزار و آموزش هایی که بهره وری فردی را افزایش می دهند، به ویژگی های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه ها^۵، هنجارها^۶ و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری را برای کسب منافع متقابل تسهیل

¹ - Robert Barro

² - social capital

³ - trust

⁴ - Robert putnam

⁵ - Net works

⁶ - Norms

می کنند. سرمایه اجتماعی منافع سرمایه گذاری در زمینه سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می دهد (پوتنام ۲۰۰۳)

پوتنام سرمایه اجتماعی را بر اساس منابع آن تعریف می کند. او به سرمایه اجتماعی به صورت کلان می نگرد و آن را در رشد و توسعه اقتصادی کشور موثر می داند، به این لحاظ تعریف او جمعی بوده و سرمایه اجتماعی را به منزله دارائی گروهها و جوامع تلقی می کند. به زعم پوتنام، سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه ها معمولاً خود تقویت کننده و خود افزایش دهنده هستند که دور باز تولید کننده فضایل، به تعادل اجتماعی همراه با سطح بالائی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل و مشارکت مدنی می انجامد. بر عکس فقدان این ویژگیها در جوامع غیر مدنی نیز خصلتی خود تقویت کننده دارند. عهد شکنی، بی اعتمادی فریب و حيله، بهره کشی، انزوا، بی نظمی و رکود، یکدیگر را در یک جو خفقان آور دور های باطل تشدید می کنند.

با این وجود، هنوز عامل بهره وری تولید برای بیان تفاوت رشد، قانع کننده و پایان کار نبود. افرادی مثل نورشا بیان می کنند که با توجه به قابلیت دسترسی به فن آوری، چرا همه کشورهای توان دسترسی به آن را ندارند؟ او نقش نهادهای رسمی و غیر رسمی را در تبیین عملکرد اقتصادی بسیار مهم می داند، در حالی که مدل رشد نئوکلاسیکی سولو تغییر فناوری را به صورت پسماند یا توضیح داده نشده در نظر می گیرد. اخیراً برخی مباحث متوجه سرمایه اجتماعی و قابلیت اجتماعی شده است، که می تواند تبیین بهتری برای رشد اقتصادی باشد (تمپل، ۱۹۹۹، به نقل از هی یرپ، ۲۰۰۳).

مفهوم سرمایه اجتماعی^۱ که به خصوصیات و تعاملات گروهها و سازمان های اجتماعی نظیر: شبکه ها^۲، هنجارها^۳ و اعتماد^۴ باز می گردد، در سالهای اخیر مقبولیتی چشمگیر در بین اقتصاددانان پیدا کرده است.

شمار زیادی از اقتصاددانان تاکید دارند که سرمایه اجتماعی حداقل دارای بعضی شباهتها در بعد زمانی و نیز دارای توانائی تولید یک جریان از منافع میباشد. به طور اساسی ثابت شده است که اشکال متمایز سرمایه اجتماعی یک اثر عمیق بر روی عملکرد اقتصادی و توسعه اقتصادی دارد.

در پاراگراف حاضر برای تسهیل کار و درک بهتر از کارهای انجام شده و مفاهیم مربوط به این موضوع آنرا به چند بخش موضوع تقسیم نموده ایم تا ضمن بیان تعاریف سرمایه اجتماعی از دیدگاههای مختلف، مهمترین ویژگیهای و عوامل تأثیر گذار بر سرمایه اجتماعی روشن شود.

جمیز کلمن^۵

از دیدگاه کلمن، سرمایه اجتماعی بر مبنای کارکرد آن تعریف می شود. شرایط اجتماعی نهاد^۶ واحدی نیست بلکه مجموعه ای از نهادهای گوناگون است که ۲ عنصر مشترک دارند: اولاً همه آنها مشتمل بر جنبه ای از ساختارهای اجتماعی هستند ثانیاً کنشهای معین افراد را که در درون ساختار هستند، تسهیل می کنند. سرمایه اجتماعی همانند سایر اشکال سرمایه، مولد است، سرمایه اجتماعی مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی کاملاً قابل جابجایی نیست یعنی نوع خاصی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل کنش های معینی سودمند است، شاید برای کنش های دیگر بی فایده یا حتی زیان بخش باشد (کلمن Colman، ۲۰۰۳).

¹ - Social capital

² - Networks

³ - norms

⁴ - trust

⁵ - James coleman

⁶ - Entity

از آنجا که سازمانهایی با اهداف مشخص می توانند درست مثل اشخاص حقیقی، کنشگر^۱ بحساب آیند (مثل شرکت ها)، روابط اشخاص حقوقی هم می تواند معادل سرمایه اجتماعی برای ایشان باشد (شاید معروفترین نمونه اش سهام بودن در اطلاعاتی است که اجازه قیمت گذاری برای محصولات یک صنعت را می دهد) کلمن در تعریف خود برخی از سازو کارهایی را تحت عنوان سرمایه اجتماعی معرفی کرد که مولد سرمایه اجتماعی بودند (از قبیل توقع مقابله به مثل و اجرای گروهی هنجارها) (پورتس، ۲۰۰۳).

کلمن سرمایه اجتماعی را بعنوان منبعی برای اشخاص در نظر می گیرد، در زیر چند مثال از سرمایه اجتماعی، که او در نوشته هایش به آنها اشاره کرده است را بیان می کنیم.

۱ - بازارهای عمده فروشی الماس خاصیتی را از خود بروز می دهند که برای ناظر خارجی به طور حیرت آوری شایان توجه است. در جریان مذاکره برای یک معامله، یک تاجر، کیسه ای حاوی سنگ های الماس را بدست تاجر دیگری می دهد تا آن را در خلوت و از سر فرصت واریسی کند، بدون هیچ ضمانت یا اطمینان رسمی ای که تاجر دومی یک یا چند تکه از الماس های قیمتی را با تکه های نامرغوب تر یا الماس بدلی عوض نکند. شاید در چنین حالتی، کالا هزاران یا صدها هزار دلار قیمت داشته باشد.

یک چنین مبادله ای بدون قید و بند رسمی، بر کارکرد این بازار بسیار تأثیرگذار است. اگر این ترتیب وجود نداشته باشد عملکرد، بازار الماس بسیار کند و به مراتب ناکارآمد خواهد شد.

در نبود پیوندهای اجتماعی و رشته علائق مشترک دینی، اسباب پر هزینه ای مثل وثیقه و بیمه، مورد نیاز خواهد بود که در غیر این صورت اصلاً امکان سرگرفتن معاملات وجود نخواهد داشت.

۲- در بازار خان الخلیلی قاهره مصر، مرزهای میان کسبه و تجار به گونه ای است که کشف آن برای یک خارجی دشوار است. صاحب یک دکان چرم فروشی هرگاه در معرض این پرسش قرار گیرد که در کجا می تواند مثلاً یک نوع جواهر خاص را برای خریدن بیابد.

¹ - Actor

خودش جواهر فروش از کار در می آید یا کاری می کند که تقریباً فرقی با جواهر فروش بودنش ندارد، بدین معنی که دارای شریک یا همکار نزدیکی است که فروشنده آن نوع جواهر است و بی درنگ مشتری را به نزد او می برد، یا اتفاق می افتد که باز همان چرم فروش در همان لحظه تبدیل به صراف می شود. به ازای بعضی کارها از قبیل مشتری جور کردن برای یک دوست «حق العمل هایی» وجود دارند و در برخی کارهای دیگر مانند تبدیل پول و ارز تنها دین بوجود می آید. بنابراین بازار در کلیت خود از روابطی تشکیل شده که می توان این بازار را همچون یک سازمان، که دست کمی از یک فروشگاه بزرگ ندارد در نظر گرفت و یا اینکه می توان بازار خان الخلیلی را بازاری دانست مشتمل بر دسته ای از کسبه و تجار منفرد که هر یک دارای مقدار وسیعی سرمایه اجتماعی است و از طریق مناسبات موجود در بازار از مزایای چنین سرمایه ای برخوردار می شوند (کلمن Coleman، ۲۰۰۳).

پیربورديو^۱

به نظر بورديو ، سرمایه اجتماعی ۳ شکل بنیادی دارد: ۱ - سرمایه اقتصادی ۲ - سرمایه فرهنگی، ۳ - سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی که از تعهدات اجتماعی ساخته شده است و تحت برخی شرایط قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی می باشد بورديو در مورد سرمایه اجتماعی می گوید:

سرمایه اجتماعی، جمع منابع واقعی یا بالقوه ای است که از شبکه ای با دوام از روابط کمابیش نهادینه شده ارتباط و شناخت متقابل (یا همان عضویت در یک گروه) حاصل می گردد. شبکه ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می کند و به آنان اعتبار می بخشد.

بنابراین حجم سرمایه اجتماعی مورد تملک یک فرد به اندازه شبکه و پیوندهائی که او می تواند به طرز موثری بسیج کند، بستگی دارد و همچنین حجم سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، نمادین) در تصرف کسانی که وی با آنها مرتبط است، می باشد.

¹ - Bourdieu, pierre

تعریف بورديو نشان می دهد که ترکیب سرمایه اجتماعی، قابل تفکیک به ۲ عنصر است:
۱ - خود روابط اجتماعی که به افراد اجازه می دهد تا مدعی دستیابی به منابع متعلق به معاشران خویش شوند.

۲- کیفیت و کمیت آن منابع.

بنابراین می توان گفت که نگرش بورديو به مفهوم سرمایه اجتماعی یک نگاه ابزاری است چون او متوجه منافع اجتماعی است که فرد به سبب شرکت در تعاملات اجتماعی بدست می آورد و افراد به منظور حداکثر کردن منافع و سود خود به صورت تعهدی به ارتباطات اجتماعی می پردازند.

فرانسیس فوکویاما^۱

فوکویاما می گوید: سرمایه اجتماعی را به سادگی می توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش های غیر رسمی^۲ تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان برقرار است، در آن سهیم هستند. مشارکت در ارزش ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی گردد، چرا که این ارزش ها ممکن است ارزش های منفی باشد، چنین هنجارهایی به ارتقاء همکاری اجتماعی کمکی نخواهد کرد. شواهد و دلایل فراوانی ثابت کرده است که این امر هم برای دولت و هم برای توسعه اقتصادی نتایج منفی به بار آورده است. بر عکس، هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می کنند اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشد (فوکویاما، ۲۰۰۰، fukuyama)

هنجارهای تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی می توانند از هنجار روابط متقابل دو دوست گرفته تا آموزه های پیچیده ای، همچون دین اسلام، مسیحیت یا آئین کنفوسیوس را دربر گیرند.

¹ - Fukuyama Francis

² - Informal Values Norms

با این تعریف، اعتماد، شبکه‌ها، جامعه مدنی و امثالهم که با سرمایه اجتماعی مربوط اند، تماماً محصول جانبی این پدیده اند که در نتیجه سرمایه اجتماعی بوجود می‌آیند ولی خود سرمایه اجتماعی را تشکیل نمی‌دهند. این هنجارها باید به ایجاد و افزایش همکاری در گروه بینجامد و لذا با فضایل سنتی چون درستکاری، وفای به عهد، قابل اعتماد بودن در انجام وظیفه، روابط متقابل و نظایر اینها مرتبط اند: (فوکویاما fukuyama، ۲۰۰۵).

گلن لوری، Loury, Glenn¹

گلن لوری، اقتصاد دان در دهه ۱۹۷۰، اصطلاح «سرمایه اجتماعی» را برای توصیف مشکل توسعه اقتصادی درون شهری به کار برد، آمریکائی‌های آفریقائی تبار در محدوده اجتماعات خود فاقد اعتماد و همبستگی بودند، در حالی که برای آمریکائی‌های آسیایی تبار و دیگر گروه‌های قومی این اعتماد و همبستگی وجود داشت، همین فقدان اعتماد همبستگی در میان سیاهان مبین نبود داد و ستد جزئی در میان سیاهان بود (فوکویاما fukuyama، ۲۰۰۰).

لوری معتقد است که نظریه‌های اقتصادی ارتدوکس، بیش از حد فردگرایانه اند و منحصرأ به سرمایه انسانی انفرادی و بر ایجاد میدانی هموار برای رقابت مبتنی بر چنین مهارت‌هایی (مهارت‌های فردی) توجه کرده اند.

لوری با نظر تأیید آمیز بر آثار جامعه‌شناسی درباره‌ی تحرک بین نسلی و میراث نژادی، آنرا بعنوان تأییدی بر استدلال ضد فردیت گرایانه اش مورد استناد قرار می‌دهد (به نقل از بورتس، ۲۰۰۵). از نظر لوری، سرمایه اجتماعی مجموع منابعی است که در ذات روابط اجتماعی و در سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد و برای رشد شناختی یا اجتماعی کودک یا جوان سودمند است. این منابع برای افراد مختلف، متفاوت است و می‌تواند مزیت مهمی برای کودکان و نوجوانان در رشد سرمایه انسانی شان باشد. لوری مفهوم سرمایه اجتماعی را برای تشخیص منابع اجتماعی سودمند برای توسعه سرمایه انسانی، وارد اقتصاد کرد. با این حال گامی فراتر نمی‌گذارد تا مفهوم سرمایه اجتماعی را با دقت ساخته و پرداخته کند.

¹ - Loury, Glenn

مایکل ولکاک^۱ و دیپانارایان^۲

ولکاک و نارایان در مورد سرمایه اجتماعی بیان می کنند که سرمایه اجتماعی این است که خانواده، دوستان و شرکا و همکاران شخص سرمایه مهمی^۳ را تشکیل می دهند، که به هنگام مواجهه با یک بحران، می توانند مفید واقع شوند. بعلاوه آنچه که در مورد افراد صدق می کند، در مورد گروه ها هم صادق است. اجتماعاتی که متشکل از انواع شبکه های اجتماعی و انجمن های مدنی هستند در رویارویی با فقر و ضعف اجتماعی در موقعیت بهتری قرار دارند. آنها دعوای حل می کنند و از فرصت های تازه بهره بیشتری می گیرند (مایکل ولکاک و دیپانارایان، ۲۰۰۵).

سایر تعاریف:

بانک جهانی نیز سرمایه اجتماعی را پدیده ای می داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است. سرمایه اجتماعی برخلاف سایر سرمایه ها به صورت فیزیکی وجود ندارد و بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی بوده و افزایش آن می تواند موجب پائین آمدن جدی سطح هزینه های اداره جامعه و نیز هزینه های عملیاتی سازمانها گردد (بانک جهانی، ۱۹۹۹، نقل از مجله تدبیر، شماره ۱۴۷).

پورتنس^۴ (۱۹۹۸) می گوید منظور از سرمایه اجتماعی، هنجارهای شبکه هائی است که مردم را قادر می سازند تا دست به کنش جمعی بزنند این تعریف ساده نه بر پیامدها بلکه بر منابع سرمایه اجتماعی متمرکز است.

^۱ - wool coch, michael

^۲ - Narayan, Deepa

^۳ - ولکاک و نارایان از جمله دانشمندان برجسته ای هستند که با گروه تحقیقات توسعه بانک جهانی همکاری دارند.

^۴ - Portes

اینگهارت^۱ (۱۹۹۷، ۱۸۸) می گوید: سرمایه اجتماعی، فرهنگ اعتماد و مداراست که در آن شبکه های گسترده سازمانهای داوطلبانه بوجود می آید. شبکه ها نتیجه اعتماد مردم به یکدیگرند و نه این که اعتماد، محصول جانبی انجمنی شدن مردم با یکدیگر باشد. لینچ و کاپلان^۲ (۱۹۹۷) سرمایه اجتماعی را مجموعه سرمایه گذاری های منابع و شبکه هائی می دانند که به انسجام اجتماعی، اعتماد و میل به شرکت در فعالیتهای جامعه منجر می شود (به نقل از گری وینسترا ۲۰۰۵).

بیکر^۳ (۱۹۹۰: ۶۱۹) مفهوم سرمایه اجتماعی را منبعی تعریف کرده است که کنشگران آن را از ساختارهای خاص اجتماعی بر می گیرند و سپس در پیگیری منافع خود به کارش می برند؛ سرمایه اجتماعی به واسطه تغییر در روابط کنشگران بوجود می آید. اُفه و فوش^۴ (۲۰۰۲) در مقاله خود سرمایه اجتماعی را بعنوان یک منبع با مالکیت جمعی متعلق به محله، جوامع، مناطق و بخش ها معرفی نموده اند و میزان آن را متغیر می دانند. آنان مفهوم سرمایه اجتماعی را با سه عنصر اصلی و شاخص معرفی می کنند. در قالب گرایش ها^۵ به آگاهی و توجه^۶، در بعد تمایلات رفتاری به اعتماد و در بعد الگوهای ساختاری به انجمن پذیری.

در آخر باید گفت، هر یک از تعاریف ارائه شده به جنبه ای از سرمایه اجتماعی نگاه می کنند و در گسترش و توضیح آن جنبه از سرمایه اجتماعی بر می آیند. می توان گفت، سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی برای تسهیل روابط میان افراد تلقی می شود این منبع شامل نهادها، هنجارها، اعتماد، آگاهی و بسیاری موارد دیگر می باشد که بر روابط و تعاملات

¹ - Ingelhart

² - Linch and Kaplan

³ - Becker

⁴ - offe, fuchs

⁵ - attitudes

⁶ - Attention

میان افراد حاکم است و می تواند پیامدها و نتایج مختلفی بر عملکرد افراد و جوامع داشته باشد.

انواع سرمایه

در ادبیات مرسوم اقتصادی، سرمایه به ۳ نوع: ۱- سرمایه طبیعی ۲- سرمایه فیزیکی ۳- سرمایه انسانی تفکیک می شود و در سالهای اخیر در ادبیات رشد و توسعه انواع دیگر از سرمایه نیز معرفی شده اند.

نشریه اجلاس سازمان همکای اقتصادی و توسعه^۱، سرمایه های کشورها را به ۵ نوع تقسیم می کنند.

۱- سرمایه تولیدی یا فیزیکی، مانند ساختمانها، تجهیزات و دیگر سخت افزارها، نرم افزارها و همچنین دانش انباشته شده

۲- سرمایه طبیعی: مانند آب، معدن، نفت، گاز، جنگل و غیره

۳- سرمایه انسانی: که به صورت دانش، مهارت و سلامتی در افراد متبلور می شود.

۴- سرمایه اجتماعی، مانند هنجارها و شبکه هائی که فعالیت های دو طرفه و جمعی را آسان می کند.

۵- نهادهای عمومی و خصوصی و مناسبات اجتماعی مانند نظام سیاسی و اجزای آنها، (به نقل از علمی و دیگران، ۲۰۰۵)

بورديو معتقد است، سرمایه بسته به عرصه ای که در آن عمل می کند به بهای تغییر شکل های گران تری که در پیش شرط کارائی آن در عرصه مورد بحث هستند به ۳ شکل اساسی ظاهر می شود:

۱- سرمایه اقتصادی؛ که بی درنگ و مستقیماً قابل تبدیل به پول است و ممکن است به شکل حقوق مالکیت در آید.

¹ - Organization for Economic cooperation and development (OECD), 2001

۲- سرمایه فرهنگی: که با بعضی شروط قابلیت تبدیل به سرمایه اقتصادی را دارد و ممکن است به شکل مدارک تحصیلی در آیند (به نظر می رسد ویژگیهای که بورديو از سرمایه فرهنگی نام می برد نزدیک به مفهوم سرمایه انسانی است).

۳- سرمایه اجتماعی که ساخته شده از تکالیف و تعهدات اجتماعی «پیوندها و ارتباطات» است و در برخی شرایط به سرمایه اقتصادی قابل تبدیل است و چه بسا به شکل اصالت و اشرافیت درآید.

به نظر بورديو انواع متفاوت سرمایه را می توان از سرمایه اقتصادی استخراج کرد ولی برای این منظور نیازمند تغییراتی می باشند. برای مثال برخی کالاها و خدمات وجود دارند که سرمایه اقتصادی موجب دستیابی بلافاصله به آنها می شود، آن هم بدون هزینه های ثانوی، بعضی کالاها و خدمات دیگر فقط از برکت سرمایه اجتماعی نهفته در روابط (تعهدات و یا تکالیف اجتماعی) بدست می آیند، این روابط و تعهدات نمی توانند به طور آنی در همان لحظه عمل کنند مگر آنکه از مدتها پیش تاسیس و نگهداری شده باشند. برای مثال، دیده شده که تبدیل سرمایه اقتصادی به سرمایه اجتماعی، پیشاپیش با انجام کار مشخص ملازمه دارد، یعنی با صرف کردن ظاهراً رایگان زمان، توجه، دقت و مواظبت. از دیدگاه تنگ نظرانه اقتصادی، این تلاش قطعاً اتلاف وقت تلقی خواهد شد، اما از نقطه نظر منطق مبادلات اجتماعی، سرمایه گذاری محکمی است که منافعتش در دراز مدت به شکل پولی یا اشکال دیگر خودنمائی می کند.

کلمن نیز در ارتباط با سرمایه اجتماعی و تفاوت های آن با انواع سرمایه می گوید: سرمایه فیزیکی کاملاً ملموس است و به صورت مادی و قابل مشاهده تجسم یافته است. سرمایه انسانی کمتر ملموس است و در مهارتها و دانشی که فرد کسب کرده است تجسم می یابد، سرمایه اجتماعی حتی کمتر ملموس است زیرا در روابط میان افراد تجسم می یابد. سرمایه فیزیکی و انسانی فعالیت تولیدی را تسهیل می کنند و سرمایه اجتماعی هم همانند آنها عمل می کند، مثلاً گروهی که اعضایش قابلیت اعتماد را نشان می دهند و به یکدیگر اعتماد زیاد دارند خواهند توانست کارهایی بسیار بیشتری از گروهی که فاقد اعتماد می باشند انجام دهند (کلمن، ۱۹۹۸).

در جمع بندی به نظر می رسد سرمایه اجتماعی از جنبه هائی با انواع سرمایه شباهت دارد و از جنبه هائی تفاوت دارد که ذیلاً به آن اشاره می شود:

۱ - ایجاد و به کارگیری سرمایه اجتماعی حداقل نیازمند ۲ نفر می باشد، در حالی که سرمایه انسانی و فیزیکی دارای مالک و صاحب مشخصی می باشد. به همین لحاظ سرمایه اجتماعی دارائی شخصی نیست بلکه سرمایه اجتماعی میان ۲ نفر و یا بیشتر قرار دارد که به هر دوی آنها تعلق دارد و مختص یک نفر نیست.

۲ - عدم استفاده از سرمایه اجتماعی باعث کاهش سرمایه اجتماعی می گردد. در حالیکه استفاده از سرمایه فیزیکی منجر به تقلیل آن می شود. سرمایه اجتماعی بر عکس سرمایه فیزیکی به موجب استفاده از آن مستهلک نمی شود بلکه استفاده از آن باعث تقویت و افزایش آن می شود.

۳ - سرمایه اجتماعی همانند یگر سرمایه ها نیاز به سرمایه گذاری دارد و در صورت عدم سرمایه گذاری ، از بین می رود چون سرمایه اجتماعی همانند دیگر سرمایه ها مستهلک می شود، اگر سرمایه اجتماعی به درستی مورد استفاده قرار نگیرد. تخریب می شود. همانطور که پونتام در پژوهش خود از تشکلهای مدنی در ایتالیا نشان داد، چندین نسل طول می کشد تا سرمایه اجتماعی به طور کامل ساخته شود اما تخریب سرمایه اجتماعی بسیار آسان تر از تجدید بنای آن است. بنابراین زمان، هزینه اصلی تشکیل و تقویت سرمایه اجتماعی است.

۴- سرمایه اجتماعی، شمشیری دولبه است. گاهی استدلال می شود که سرمایه اجتماعی با سایر اشکال سرمایه فرق دارد، زیرا نتایج ناخوشایندی نظیر: ایجاد گروه نفرت یا دیوان سالاری های تو در تو پدید می آورد. این خصوصیت اما از سرمایه اجتماعی سلب مسئولیت نمی کند، چون بعنوان مثال سرمایه فیزیکی هم می تواند به شکل توپ و تفنگ مخصوص آدم کشی ظاهر شود و یا سرمایه انسانی را می توان برای ابداع روشهای مدرن شکنجه کردن مردم مورد استفاده قرار داد. لذا اکثر اشکال قانونی سرمایه اجتماعی تا آن جا که مردم را در تحقق اهداف شان یاری می رساند بعنوان «نیکی ها» دست کمی از سایر اشکال سرمایه ندارند.

در آخر باید گفت، که سرمایه اجتماعی، معدنی است که از آن زنجیره ای از منافع استخراج می گردد، نگاهی که سرمایه اجتماعی را نوعی سرمایه یا دارائی می پندارد، در حقیقت این مفهوم را چیزی فراتر از سازمانهای اجتماعی، یا ارزش ها و هنجارهای اجتماعی، در نظر می گیرد.

• ویژگیهای سرمایه اجتماعی

۱- آیا سرمایه اجتماعی یک کالای عمومی است.

کلمن و بسیاری از دانشمندان اعتقاد دارند که سرمایه اجتماعی یک کالای عمومی است. کلمن در کتاب بنیادهای نظریه اجتماعی می گوید: سرمایه اجتماعی ویژگیهای معینی دارد که آنرا از کالاهای خصوصی تقسیم پذیر و انتقال پذیر، که در نظریه اقتصادی نئوکلاسیک بحث شده است، متمایز می سازد. یکی از این ویژگیهای که لوری (۱۹۸۷) درباره آن بحث کرده است، انتقال پذیری عملی آن است. اگرچه این سرمایه، منبعی است که ارزش استفاده دارد ولی به آسانی مبادله نمی شود.

تفاوت دیگر از جنبه منفعت عمومی سرمایه اجتماعی ناشی می شود که می توان با مقایسه آن با سرمایه فیزیکی مشاهده کرد. سرمایه فیزیکی معمولاً کالای خصوصی است و حقوق مالکیت به شخصی که در سرمایه فیزیکی سرمایه گذاری می کند امکان می دهد که منافع را که این سرمایه تولید می کند، تصاحب کند. بنابراین انگیزه سرمایه گذاری در سرمایه فیزیکی کاهش نمی یابد، آنگونه که اقتصاددانان می گویند: یک سرمایه گذاری نیمه بهینه در سرمایه فیزیکی در صورت عدم اثرات خارجی وجود ندارد، چون کسانی که در آن سرمایه گذاری می کنند می توانند منافع سرمایه گذاری شان را تصاحب کنند. در مورد سرمایه انسانی نیز دست کم سرمایه انسانی از نوعی که در مدارس تولید می شود فردی که وقت و منابع خود را سرمایه گذاری می کند منفعی را که افراد پیش بینی می کنند از آموزش دریافت نمایند، بدست می آورد. یعنی شغلی با دستمزد بیشتر، کار رضایت بخش تر یا دارای پایگاه بالاتر، یا حتی لذت درک بهتری از دنیای پیرامون. اما سرمایه اجتماعی در بیشتر شکل هایش این گونه نیست. ساختارهای اجتماعی در درجه اول به افرادی که

تلاشهای آنها برای بوجود آوردن هنجارها و ضمانت های اجرائی لازم است، سود نمی رسانند، بلکه به همه افرادی که جزء آن ساختار معین هستند سود می رسانند. برخی از شکل های سرمایه اجتماعی این ویژگی را دارند که کسانی که در آنها سرمایه گذاری می کنند، می توانند منافع آن را تصاحب کنند، در نتیجه کنشگران عقلانی در این شکل های سرمایه اجتماعی بیشتر سرمایه گذاری خواهند کرد. نتیجه این است که در جامعه، ناهمترازی بین سرمایه گذاری نسبی در سازمانهایی که کالاهای خصوصی برای بازار تولید می کنند و سازمان هایی که منافع آنها تصاحب نمی شود (اغلب انجمن های داوطلبانه) وجود خواهد داشت. ناهمترازی به این معناست که اگر آثار جانبی مثبت که این نوع سرمایه اجتماعی را ایجاد می کند، می توانست درونی شود، این سرمایه به مقدار زیادتر بوجود می آمد.

جنبه منفعت عمومی بیشتر سرمایه اجتماعی به این معناست که سرمایه اجتماعی از جهت کنش هدفمند، در موقعیتی اساساً متفاوت با بیشتر شکل های دیگر سرمایه است. سرمایه اجتماعی، منبع مهمی برای افراد است و می تواند بر توانائی کنش آنها و کیفیت مشهود زندگی شان بسیار تأثیر گذارد. از آنجا که بسیاری از منابع کنش هایی که سرمایه اجتماعی را پدید می آوردند توسط افرادی غیر از فردی که آنها را ایجاد می کند، کسب می شود، به سود آن فرد نیست که آنها را بوجود آورد، نتیجه این است که بیشتر شکل های سرمایه اجتماعی به شکل نتیجه فرعی فعالیت های دیگر ایجاد یا نابود می شود. بیشتر سرمایه اجتماعی بوجود می آید یا از بین می رود بدون اینکه کسی بخواهد که بوجود آید یا از بین برود، بنابراین چنین سرمایه ای حتی کمتر از آنچه خصلت نامحسوس آن ممکن است ایجاد کند در تحقیقات اجتماعی شناخته شده و در نظر گرفته می شود (کلمن، ۱۹۹۸).

در مقابل برخی از پژوهشگران نظیر فوکویاما معتقد است: از آنجا که همه افراد به همکاری نیاز دارند تا اهداف شخصی خود را عملاً محقق سازند، عقل حکم می کند که سرمایه اجتماعی را همچون کالای خصوصی تولید کنند. به بیان پارتا داسگوپتا^۱ سرمایه اجتماعی

^۱ -Parta Dasgupta

کالای خصوصی است که شماری از آثار خارجی مثبت و منفی بر آن حاکم است. نمونه ای از این آثار خارجی مثبت، این دستور پیوریتانیسم^۱ است که ماکس وبر^۲ آنرا شرح داده است: با همه مردم به طور اخلاقی رفتار کنید نه فقط با بستگان. آثار خارجی منفی هم فراوانند. مافیا که بر اساس هنجارهای مشترک به اهداف مشترک خود دست می یابد و بنابراین دارای سرمایه اجتماعی هستند اما ضمناً آثار خارجی منفی فراوانی را بر جامعه بزرگتری که در آن بسر می برند، تحمیل می کنند. (فوکویاما ۲۰۰۵).

تأثیرات منفی و هزینه های سرمایه اجتماعی

در اغلب مطالعات انجام شده بر ۳ پیامد منفی سرمایه اجتماعی تأکید شده است:

۱- به حاشیه راندن غیر خودی، پیوندهای قومی که برای اعضاء یک گروه نفعی به ارمغان می آورد، عمدتاً آن گروه را قادر می سازد تا راه دیگران را برای برخورداری شدن از منافع سد کند چنانکه والد ینگر^۳ (۱۹۹۵: ۵۵۷ به نقل از پورتس، ۲۰۰۵) گوشزد می کند «همان روابط اجتماعی که سهولت و کارائی مبادلات اقتصادی در بین اعضای جامعه را تشویق و تقویت می کند، به طور ضمنی افراد یا گروه های غیر خودی را با محدودیت روبرو می سازد.»

۲- عنوان کردن دعاوی از اعضاء گروه خودی: حد و مرزهای گروه یا جامعه ممکن است تحت شرائطی مانع کامیابی ابتکار عمل های اقتصادی اعضای آن شود. گیرتز^۴ (۱۹۶۳، به نقل از پورتس ۲۰۰۵).

روابط صمیمی در بین گروهی از نوعی که در جوامع به شدت همبسته یافت می شود می تواند باعث مشکل سواری مجانی شود. زیرا آن عده از اعضا که پشتکار کمتری دارند انواع درخواستها را به پشتگرمی ساختار هنجارهای مشترک بر آنهایی که موفق تر هستند تحمیل

1 - Puritanism

2 - weber, max

3 - waldinger

4 - Geertz

می کنند. در این میانه فرصت انباشت دستاوردهای ناشی از زندگی و ابتکار در فعالیت اقتصادی از دست می رود.

۳- تحمیل محدودیت بر آزادی های فردی: اگر چه همبستگی و اعتماد محدود، منشاء اعتلای اجتماعی - اقتصادی است و قدرت کسب و کار بعضی از گروه های را تقویت می کند ولی در بین گروههایی دیگر دقیقاً اثر معکوس دارد. جامعه پذیری کار تیغ دو لبه را انجام می دهد، هم می تواند منشاء خیرهای عمومی باشد و هم می تواند به شرهای عمومی بینجامد. خانواده های مافیا، فحشا، محافل قمار بازی و دارو دسته های جوانان خلافکار، امثال بی شماری هستند که نشان می دهند، قرار گرفتن در ساختارهای اجتماعی می تواند مطلوب نباشد.

محافظه کاران سرمایه اجتماعی را دوست دارند زیرا معتقدند که در مواردی که بازار شکست می خورد (مثلاً در تأمین انواع کالاهای عمومی محلی یا بسیاری از انواع بیمه ها) عواملی چون مردم یک محل (انجمن ها - لیگ های بلینگ، خلاصه هر عاملی غیر از دولت) می تواند وارد میدان شود و کار را انجام دهد.

آنهايي که در موضع چپ قرار دارند نیز تقریباً به همین اندازه به سرمایه اجتماعی علاقه مندند، چرا که شکست بازار از نظر ایشان تأثیری است بر اهمیت اعتماد. سخاوت و کنش جمعی در حل مشکلات اجتماعی و بدین ترتیب رد این ایده که آزمندی و دیگر انگیزه های صرفاً فردی را می توان به خاطر اهداف عمومی با موفقیت مهار کرد به طوری که فضیلت مدنی دیگر لازم نیاید. اما اگر نهادهای مرجع محافظه کاران یعنی بازارهای تنظیم نشده و حقوق مالکیت تصریح شده عملکرد بهتری از خود نشان می داد، محافظه کاران چندان بر سرمایه های اجتماعی روی نمی آوردند.

اقتصاددانان، اصطلاحات «شکست های بازار» و «شکست های دولت» را در اشاره به عدم تخصیص بهینه منابع بکار می برند و در این زمان رو به ساختارها و هنجارهای اجتماعی می آورند. اما به هر حال اجتماعات نیز همانند بازارها و دولت ها غالباً به شیوه های دیگر و گاه فاحش تری دچار شکست می شوند. بیشتر مردم خواهان عضویت در گروهی از مجامع آشنا هستند و بدون آن احساس انزوا می کنند ولی این بار تعلق، اغلب بر کسانی که

داخل گروه هستند فشار می آورد که رفتار ناخوشایندی با افرادی که خارج از گروه هستند، داشته باشند (پورتس، ۲۰۰۵).

تشکیل سرمایه اجتماعی و عوامل موثر آن

در این بخش به این موضوع پرداخته می شود که دقیقاً چه ویژگیهایی از روابط اجتماعی است که می تواند منابع سرمایه ای سودمندی را برای افراد تشکیل دهد.

۱- تعهدات و انتظارات، ایجاد کننده اعتماد:

اگر A کاری برای B انجام دهد با اعتماد به اینکه B در آینده آن را جبران می کند، این امر انتظاری را در A و تعهدی را از جانب B برای حفظ اعتماد ایجاد می کند. این تعهدات را می توان مانند «برگه اعتباری» تصور کرد که در دست A است و باید با عملکردی از طرف B باز خرید شود.

اگر A تعداد زیادی از این برگه های اعتباری از تعدادی افراد که با آنها رابطه دارد در دست داشته باشد، در آن صورت همانند سرمایه های مالی مستقیم است. این برگه های اعتباری، مجموعه اعتباری بزرگی را تشکیل می دهند که می تواند در صورت لزوم از آن استفاده کند.

در برخی از ساختارهای اجتماعی گفته می شود که «مردم همیشه برای یکدیگر کارهایی انجام می دهند، اغلب در دو طرف رابطه، تعداد زیادی از این برگه های اعتباری پرداخت نشده اند و در ساختارهای اجتماعی دیگر که افراد خود بسنده تر هستند کمتر با یکدیگر وابسته اند، تعداد این برگه های اعتباری که پرداخت شده در هر زمان کم می باشد.

دو بعد برای این شکل از سرمایه اجتماعی ضروری است:

۱- میزان درخور اعتماد بودن محیط اجتماعی (به این معنی که این تعهدات باز پرداخت خواهد شد).

۲- میزان واقعی تعهداتی که بر عهده گرفته شده است.

ساختارهای اجتماعی از لحاظ هر دو بعد متفاوت هستند و کنشگرانی که درون ساختار اجتماعی معینی قرار دارند فقط از لحاظ بعد دوم با هم فرق دارند.

۲- ظرفیت بالقوه اطلاعات نهفته در روابط اجتماعی

یک شکل مهم سرمایه اجتماعی، ظرفیت بالقوه اطلاعات است که جزء ذاتی و جدائی ناپذیری از روابط اجتماعی است اطلاعات در فراهم ساختن شالوده ای برای کنش مهم است. اما بدست آوردن اطلاعات پر هزینه است.

یکی از راههایی که از طریق آن اطلاعات ممکن است کسب شود، استفاده از روابط اجتماعی است که برای مقاصد دیگر حفظ می شود. مثلاً فردی که عموماً به رویدادهای جاری علاقمند نیست اما مایل است درباره تحولات خیلی مهم، اطلاع داشته باشد چنانچه بتواند اطلاعاتی را که نیاز دارد از دوستی که به اینگونه مسائل توجه نشان می دهد دریافت کند می تواند در وقت برای خواندن روزنامه صرفه جوئی کند.

۳- هنجارها و ضمانت های اجرائی موثر

هنجاری که، شکل به ویژه مهم سرمایه اجتماعی را در درون جمع تشکیل می دهد این است که فرد باید منافع شخصی را رها کند و بسود جمع عمل کند. هنجارهای موثر می تواند شکل قدتمندی از سرمایه اجتماعی را تشکیل دهند، اما این سرمایه اجتماعی مانند شکل هایی که پیشتر توصیف شد، نه تنها کنش های معینی را تسهیل می کند، بلکه کنش های دیگران را محدود می کند. هنجارهایی که به زنان امکان می دهد در شب تنها قدم بزنند. فعالیت های تبهکاران را نیز (و شاید بعضی غیر تبهکاران را هم) محدود می کند. هنجارهای موثر که مانع جرم و جنایت در شهرها می شوند این امکان را برای زنان فراهم می کنند که در شب آزادانه در خیابانها قدم بزنند و به سالخوردگان امکان می دهد که خانه هایشان را بدون ترس ترک کنند.

۴- روابط اقتدار موجود در روابط اجتماعی

اگر کنشگر A، حقوق کنترل کنش های معینی را به کنشگر دیگری مانند B انتقال داده باشد، در آن صورت B سرمایه ای اجتماعی به صورت آن حقوق کنترل در اختیار دارد. اگر عده ای کنشگر حقوق کنترل مشابهی را به B انتقال داده باشند، آنگاه B مقدار زیادی سرمایه اجتماعی در اختیار دارد که می تواند بر فعالیت های معینی متمرکز کند.

در واقع به نظر می‌رسد این دقیقاً تمایل به ایجاد سرمایه اجتماعی لازم برای حل مسائل مشترک است که افراد را در شرایط معینی وادار می‌کند که حقوق خود را به رهبری مقتدر واگذار کنند.

۵- سازمان اجتماعی انطباق پذیر:

سازمانهای داوطلب برای پیشبرد مقاصد کسانی که آنها را بنیاد می‌نهند، بوجود می‌آیند. سازمانی که برای هدفی بنا نهاده شده است، قابل انطباق برای مقاصد دیگر است و سرمایه اجتماعی مهمی را برای افرادی که منابع سازمانی را در دسترس دارند تشکیل می‌دهد. سازمانی که برای مجموعه‌ای از هدف‌ها بوجود آمده است به هدفهای دیگر نیز می‌تواند کمک کند و بنابراین سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد که برای استفاده در دسترس است این بدان معناست که سرمایه اجتماعی اغلب محصول جانبی دیگر فعالیت‌های اجتماعی می‌باشد. این سرمایه معمولاً در پیوندها، هنجارها و اعتمادی تشکیل می‌شود که از یک شرایط اجتماعی به شرایط دیگر انتقال پذیر است. (پوتنام، ۲۰۰۵)

۶- سازمان تعمدی:

کاربرد عمده مفهوم سرمایه اجتماعی به این واقعیت بستگی دارد که سرمایه اجتماعی محصول فرعی فعالیت‌هایی است که برای مقاصد دیگر صورت می‌گیرد. انجمن داوطلبانه که منفعتی عمومی تولید می‌کند از این نوع است. قبلاً گروهی از پدران و مادرانی که فرزندانشان به مدرسه می‌روند جلسه انجمن اولیاء و مربیان را که قبلاً وجود نداشت تشکیل می‌دهند. این سازمان نه تنها برای سازمان دهندگان بلکه برای مدرسه، دانش آموزان و والدین دیگر سرمایه‌ای اجتماعی را تشکیل می‌دهد. سرمایه اجتماعی بنا به طبیعت خود، برای تعداد بسیار زیادتری از کنشگران این هدف را برآورده می‌سازند، نه فقط برای افرادی که نخست آن را بنیاد نهادند مثلاً معیارهای انضباطی که انجمن اولیا و مربیان اعلام می‌کنند مدرسه را به شیوه‌ای تغییر می‌دهد که علاوه بر شرکت کنندگان در انجمن اولیا و مربیان به سود افرادی که در آن مشارکت نداشته‌اند نیز می‌باشد (کلمن، ۱۹۹۸).

عوامل ایجاد و نابودی سرمایه اجتماعی

۱- بستگی در شبکه های اجتماعی:

یکی از خاصیت‌های روابط اجتماعی که هنجارهای نافذ به آن بستگی دارد، چیزی است که کلمن آن را بستگی می نامد. یکی از شروط لازم و نه کافی برای ظهور هنجارهای نافذ اعمالی است که دارای اثرات خارجی منفی و مثبت با دیگران می باشد هنجارها بوجود می آیند تا آثار منفی خارجی تحدید و آثار مثبت تشویق شوند. ولی در بسیاری از ساختارهای اجتماعی که این شروط لازم در آنها موجودند، هنجارها موجودیت نمی یابند. دلیل این امر چیزی است که می توان آن را فقدان بستگی ساختار اجتماعی توصیف کرد. شکل ۲-۱ نشان می دهد که چرا چنین است. در یک ساختار باز (فاقد بستگی) نظیر حالتی که در شکل الف دیده می شود، کنشگر A که با کنشگران B و C رابطه دارد، می تواند دست به اعمالی بزند که آثار خارجی منفی بر B و C یا هر دو تحمیل کند. از آنجا که کنشگر B و C با یکدیگر رابطه ندارند بلکه با کنشگران دیگر (D, E) رابطه دارند لذا نمی توانند قوای خود را روی هم بگذارند تا جلوی A را بگیرند و اعمالی او را محدود و مقید کنند، مگر در صورتی که B یا C هر یک به تنهایی آن قدر در نتیجه اعمال A آسیب ببینند و یا به قدر کافی در برابر A قوی باشند.

که از عهده بازداشتن A برآیند. در غیر این صورت اعمال A می تواند بدون برخورد با مانعی ادامه یابد.

اما در شکل ب که بستگی وجود داشته، B و C می تواند با هم متحد شوند تا جلوی A را بگیرند و یا یکی از آنها پاداشی به دیگری بدهد تا A را باز دارد (کلمن، ۲۰۰۵).

شکل الف

شکل ب

شکل ۱-۲- شبکه بدون بستگی (الف) و شبکه با بستگی (ب)

۲- ثبات:

ثبات ساختار اجتماعی می تواند بر ایجاد و نابودی سرمایه اجتماعی اثر بگذارد، در هم گسیختگی سازمان اجتماعی با روابط اجتماعی می تواند برای سرمایه اجتماعی بسیار ویرانگر باشد.

۳- ایدئولوژی:

ایدئولوژی می تواند با تحمیل این خواست به فرد که به سود چیزی یا کسی غیر از خودش عمل کند سرمایه اجتماعی بوجود آورد. این امر در اثراتی که ایدئولوژی مذهبی در وادار کردن افراد به توجه به منافع دیگران دارد، آشکار است (کلمن ۱۹۹۸) جهان اسلام و آمریکای لاتین هر دو شاهد رشد شکل های نوین دینداری در دهه های اخیر بوده اند. از سوئی دیگر شیوه های وجود دارد که به کمک آنها ایدئولوژی می تواند اثر منفی بر ایجاد سرمایه اجتماعی داشته باشد. ایدئولوژی خودبسندگی مانند آنچه طرفداران اپیکور در یونان باستان به آن اعتقاد داشتند و یا ایدئولوژی که بر رابطه جداگانه و مستقل هر فرد با خداوند تاکید می کند که اساس آئین پروتستان را تشکیل می دهد، می تواند از ایجاد سرمایه اجتماعی جلوگیری کند. بدیهی است که همه اشکال دین از نظر گاه سرمایه اجتماعی مثبت نیست. فرقه گرائی، نفرت و خشونت را در دامن خود می پروراند. اما دین یکی از مهمترین سرچشمه های فرهنگ بوده و محتمل است که در آینده نیز باقی بماند.

۴- دولت و سرمایه اجتماعی:

تأثیری که دولت های ضعیف، دیکتاتوری و یا بی تفاوتی به زندگی اجتماع و طرحهای توسعه ای، بر سرمایه اجتماعی باقی می گذارند با تأثیر دولت هائی که به آزادی مدنی احترام می گذارند، حاکمیت قانونی را پاس می دارند، قراردادهای را محترم می شمارند و در برابر فساد مقاومت می کنند، عمیقاً متفاوت است. دولتها می توانند برخی کارهای مثبت برای ایجاد سرمایه اجتماعی انجام دهند و هم از دست زدن به کارهای دیگری که از موجودی سرمایه اجتماعی در جامعه می کاهند، بپرهیزند. در اینجا ۴ نظر مطرح است.

۱- دولت ها اهرم های مشخص و متعددی برای ایجاد سرمایه اجتماعی در اختیار ندارند، سرمایه اجتماعی در بسیاری موارد یکی از محصولات جنبی دین، سنت، تجربه مشترک تاریخی و دیگر عواملی است که از کنترل هر دولتی خارج اند.

۲- عرصه ای که در آن دولت ها احتمالاً بزرگترین قابلیت مستقیم در بوجود آوردن سرمایه اجتماعی را دارند، آموزش و پرورش است. موسسات آموزشی، صرفاً سرمایه

انسانی را فقط انتقال نمی دهند بلکه سرمایه اجتماعی را به شکل قواعد و هنجارهای اجتماعی نیز منتقل می سازند.

۳- دولت ها به طور غیر مستقیم فرایند ایجاد سرمایه اجتماعی را از طریق تأمین کالاهای عمومی و به ویژه از طریق تعریف و تثبیت حقوق مالکیت و امنیت عمومی ترویج و تحکیم می کنند.

۴- دولتها وقتی، تصمیم به انجام فعالیتهای می گیرند که بهتر است بر عهده بخش خصوصی یا جامعه مدنی گذاشته شوند، تأثیری به شدت منفی بر سرمایه اجتماعی بر جای می گذارند. مبنای همکاری عادت است و اگر دولت در سازماندهی همه چیز دخالت کند، مردم به دولت عادت می کنند و توانایی خود جوش خود را برای کار کردن با یکدیگر از دست می دهند (فوکویاما، ۲۰۰۵)

گذشته از عوامل ذکر شده، عوامل گوناگون دیگری وجود دارد که بر ایجاد و نابودی سرمایه اجتماعی تأثیر می گذارد و باید اذعان کرد که شناخت بهتر عوامل تعیین کننده سرمایه اجتماعی برای برنامه ریزی بهتر برای تولید و جلوگیری از استهلاک سرمایه اجتماعی بسیار مفید می باشد. در ادامه به طور خلاصه به ۷ عامل از عواملی که در کارهای تجربی به عنوان عامل تأثیر گذار بر سرمایه اجتماعی از آن یاد می شود، اشاره خواهیم کرد:

سن: سن یکی از عوامل موثر بر شکل گیری سرمایه اجتماعی است. چون سن بر اساس درآمد و زمان فراغت در مقاطع مختلف متفاوت است. بنابراین مشارکت اجتماعی افراد نیز در مراحل مختلف سنی متفاوت است. برخی از تحقیقات نشان داده است که ارتباط سن و انجمن پذیری و مشارکتهای اجتماعی به صورت رابطه U معکوس است. به گونه ای که از سن ۱۸ تا ۲۹ سالگی عضویت در انجمنها بسیار اندک است و در دوره ۳۰-۵۹ سالگی عضویت در گروهها و انجمن ها بیشتر صورت می گیرد و در مقابل جمعیت ۶۰ ساله و بیشتر، در انجمن ها حضور کمتری دارند. از مطالعات صورت گرفته در این باب می توان به مطالعات لگیزر، لایبسون و ساکروود (۲۰۰۰) افه و فوش (۲۰۰۲)، پوتنام (۲۰۰۰) اشاره کرد

نسل: نسل از عوامل موثر بر شکل گیری سرمایه اجتماعی است به گونه ای که افراد در سنین کار و فعالیت از میزان مشارکت های اجتماعی بالاتر برخوردار هستند؛ اتفاقاتی که برای یک نسل به وقوع پیوسته است، مثل جنگ ، رکود اقتصادی، کاهش میزان ازدواج و افزایش نرخ طلاق، کاهش تعداد فرزندان، کاهش نرخ دستمزد، جایگزینی سوپر مارکتها ، خرید الکترونیکی، جایگزینی شرکتهای بزرگ بجای شرکتهای محلی مبتنی بر اجتماعات محلی بر سرمایه اجتماعی آن نسل اثر دارد. که در این خصوص می توان به کارهای آلسینا و لافرا (۲۰۰۰) گلیزر (۲۰۰۱) فوش (۱۹۹۱) - افه و رفوش (۲۰۰۲) پوتنام (۲۰۰۰) و برم ران (۱۹۹۷) اشاره نمود.

سطح تحصیلات: بر اساس مطالعات کلیر لایسون و ساکروودت (۲۰۰۰) پارگال، گلیکان و هوک (۲۰۰۲) افه و فوش (۲۰۰۰) بین سطح آموزش و میزان همکاری، مشارکت در پروژه های محلی رابطه مستقیمی ملاحظه می شود (فیروز آبادی، ۲۰۰۵).

جنس: میزان مشارکت مردان نسبت به زنان در نیروی کار باعث افزایش مشارکتهای رسمی آنها نسبت به زنان می گردد. ضمن این که جنسیت بر نوع عضویت در انجمن ها نیز تأثیر می گذارد به گونه ای که زنان بیشتر عضو انجمن های خدماتی خیریه ای، کلیسا، اولیا و مربیان و انجمن های فرهنگی می شوند و مردان علاقمند به فعالیت در انجمن های سیاسی هستند افه و فوش (۲۰۰۲).

مهاجر بودن یا نبودن: مهاجر بودن یا نبودن از دیگر متغیرهای است که در میزان سرمایه اجتماعی تأثیر گذار است در مدل نظری برم ران (۱۹۹۷) به این موضوع توجه شده است (فیروز آبادی، ۲۰۰۵).

دین با وری و تعهد دینی: از آنجا که ادیان از نشست های عمومی و از مراسم و مناسک برخوردارند و باعث توسعه شیوه همکاری و تعاون و آگاهی از مسائل اجتماعی می گردند و ادیانی که بیشتر از مراسم و مناسک عمومی برخوردارند در افزایش سرمایه اجتماعی نقش بیشتری ایفا می کنند (افه و فوش ۲۰۰۲)

مشارکت رسمی یکی از اعضای خانواده: افرادی که در خانواده هائی هستند که خانواده آنان با کمک به دیگران به حل مشکلات اجتماعی مشارکت اجتماعی فعالی داشته اند، از سهم و میزان بیشتری در سرمایه اجتماعی برخوردارند (کریشنا و آف ۲۰۰۲).

در آخر باید گفت عوامل مهم بسیار دیگری هم وجود دارد که در مطالعات سرمایه اجتماعی به آنها پرداخته شده است. که در اینجا فقط به چند مورد از آنها اشاره شده است.

• سنجش سرمایه اجتماعی

یکی از بزرگترین کاستی های سرمایه اجتماعی فقدان اتفاق نظر در مورد سنجش و اندازه گیری آن است. بدست آوردن یک مقیاس واحد از سرمایه اجتماعی بدلائل مختلف امکان پذیر نیست.

اولاً: جامع ترین تعریف از سرمایه اجتماعی چند بعدی اند و سطوح مختلفی از تحلیل را دربر می گیرند.

ثانیاً: ماهیت و اشکال سرمایه اجتماعی در طول زمان با تغییر موازنه بین سازمانهای رسمی و نهادهای غیر رسمی تغییر می کند.

ثالثاً: هیچگونه طرحی برای اندازه گیری مقایسه ای سرمایه اجتماعی در بین کشورها تدوین نشده است و پژوهشگران ناگزیر هستند بر اساس یک سلسله موارد تقریبی از شاخص ها برای اندازه گیری سرمایه اجتماعی استفاده کنند.

رابعاً: تهیه یک شاخص جهان شمول برای سنجش سرمایه اجتماعی ممکن نیست چرا که علاوه بر شبکه ها، هنجارها نیز از اهمیت ویژه ای برخوردارند و از آنجا که هنجارها به شرائط وابسته اند و اگر شرائط فرهنگ ها متفاوت باشند نمی توان هیچ شاخص جهان شمولی برای سنجش بکار گرفت. بنابراین شاید بجای طراحی شاخص جهان شمول سرمایه اجتماعی باید از مقایسه واحدهای اجتماعی که از نظر فرهنگی شبیه یکدیگرند و سرمایه اجتماعی که در آن یکسان جلوه گر شده است اقدام نمود بعنوان مثال پوتنام (۱۹۹۵- ص ۶۷) سرمایه اجتماعی را در مناطق ایتالیا بر مبنای شاخص تراکم عضویت در سازمانهای رسمی رده بندی می کند اما می توان گفت که این شاخص برای بسیاری از مناطق آسیا و آفریقا مناسب نیست چون سازمانهای رسمی در این مناطق عمدتاً شرکت

های تحت کنترل دولت هستند که برای نیل به اهداف دولت و رژیم ایجاد شده اند لذا بومی کردن شاخص سرمایه اجتماعی و تطبیق این شاخص ها با منطقه مورد بررسی ضروری است.

پوتنام استدلال کرده است که نحوه حاکمیت و مدنیت در نواحی مختلف ایتالیا با سرمایه اجتماعی در هر یک از این نواحی دارای ارتباط تنگاتنگی است. او در تهیه و گردآوری اطلاعات آماری برای سنجش سرمایه اجتماعی بسیار مبتکرانه عمل کرده و این اطلاعات را شامل: عضویت در گروه و تشکل های اجتماعی (G.S.S) بررسی ارزشها از جمله درباره ادراک در هستی و اعتماد و سنجش میزان مشارکت مردم در امور سیاسی از قبیل تعداد رأی دهندگان و تعداد خوانندگان نشریات مورد بررسی قرار داده است وی علاوه بر بررسی متغیرهای سطح کلان ایالت ها مانند: میانگین سرانه سازمانها، میزان زمان کار در پروژه های سطح اجتماعی یا میانگین تعداد کارهای داوطلبانه در استان ها، به بررسی سطح فردی برای تعمیم در سطح کلان در ابعاد زیر پرداخته است. او برای بررسی سنجش اعتماد اجتماعی با این دو سوال که آیا بیشتر مردم قابل اعتماد هستند؟ و آیا بیشتر مردم راستگو هستند؟ برای مشارکت های غیر رسمی (زمان های ملاقات با دوستان و یا تعداد بر پائی میهمانی در خانه در سال گذشته)، بررسی مشارکت در فعالیت های داوطلبانه مشارکت در فعالیتهای عمومی، گردهمائی در شهر و یا مدرسه و مشارکتهای رسمی در کارهای سازمانی پرداخته است (پوتنام، ۲۰۰۰، ۲۹۱) پوتنام اطلاعات آماری مبتنی بر دو روش «سری های زمانی» و «داده های مقطعی نمونه» را درباره گروههای مختلف جمع آوری کرده است که از باشگاههای ورزشی و انجمن های موسیقی و آواز تا اتحادیه های تجاری و احزاب سیاسی را شامل می شود.

فوکویاما که یکی از پیشگامان سنجش سرمایه اجتماعی است در تحلیل کار خود کوشیده است، سرمایه اجتماعی را با شمارش انجمن ها در جامعه مدنی بسنجد و برای این مقصود یک عدد n را به منظور بیان اندازه عضویت ها در باشگاههای ورزشی و مجامع ادبی و کلوپ های سیاسی و امثال این را در نظر می گیرد. نخستین شاخص برای سنجش کل

سرمایه اجتماعی (SC) در یک جامعه حاصل جمع تعداد اعضای هر یک از این گروهها می باشد.

$$SC = \sum_{t=1}^T n_{1...t} \quad \text{فرمول ۱}$$

N ، بیان کننده تعداد عضو هر گروه است.

T ، بیان کننده تعداد این گروهها است.

T, n هر دو شاخص های مهمی از جامعه مدنی است، کوچک بودن مقدار n می تواند انواع اهدافی را که گروه را قادر به تحقق ساختن آنهاست، محدود کند. همچنین n و T می تواند رابطه معکوس داشته باشند. از طرف دیگر چون ممکن است برخی افراد هم زمان در چند گروه عضو باشند لزومی به معکوس شدن رابطه T, n وجود ندارد.

روشن است که بر حسب خصلت هر یک از گروههای t, \dots, n_1 سطح متفاوتی از وفاق درونی و لذا کنش را دارا هستند، بنابراین باید ضریبی کیفی در اینجا افزوده شود تا بتوان مقیاسی برای وفاق بدست آورد که این ضریب را C نامیده است. متأسفانه روش پذیرفته شده ای برای سنجش انسجام درونی گروهها وجود ندارد و هر یک از ضرائب C باید به طور ذهنی به وسیله ناظر بیرونی تعیین شود که انواع فعالیتهایی را که گروه می تواند انجام دهد. و دشواری این فعالیتها و انسجام شان در شرائط فشار و عوامل دیگر را زیر نظر خواهد داشت. بنابراین کل موجودی سرمایه اجتماعی جامعه با فرمول ذیل بیان می شود:

$$SC = \sum (cn)_{1...t} \quad \text{(فرمول 2)}$$

از آنجا که سرمایه اجتماعی بیش از سایر اشکال سرمایه در معرض آثار خارجی قرار دارد لذا به هنگام اندازه گیری باید این آثار خارجی را محاسبه کرد. شعاع اعتماد را می توان به مقدار نوعی اثر خارجی مثبت تصور کرد (که در این صورت آنرا با r_p نشان می دهیم) بعنوان مثال، یک فرقه می تواند اعضای خود را تشویق کند علاوه بر تعقیب اهداف دینی فرقه، در معاملات اقتصادی که با یکدیگر انجام می دهند، شرافتمند و قابل اعتماد باشند. در نتیجه کل مقدار سرمایه اجتماعی در جامعه با فرمول زیر بیان می شود.

$$SC = \sum (r_p cn)_{1...t} \quad \text{(فرمول 3)}$$

خصلت برجسته برخی گروهها، خصوصاً آنهایی که بزرگ ترند، سلسله مراتب داخلی، تقسیم کار، شأن موقعیت اجتماعی و تمایزات کارکرد و غیره است. بعنوان مثال در تشکیلات انجمن بازنشسته آمریکا، n بسیار بزرگ است ولی بیشتر اعضا تنها حق عضویت سالانه می پردازند، خبر نامه ای دریافت می کنند و چندان انگیزه دیگری ندارند که همکاری کنند برای جنین سازمانی ضریب r_p می تواند بسیار کوچک باشد.

از سوی دیگر ممکن است در یک گروه ضریب r_p بزرگتر از یک باشد مثل فرقه مذهبی که درستکاری و قابل اعتماد بودن را تشویق می کند. ماکس وبر نشان داده که مقدار r_p در فرقه های پیوریتن^۱ بزرگتر از ۱ است

عامل نهائی که بر موجودی سرمایه اجتماعی اثر می گذارد نه به انجسام درونی گروهها، بلکه به چگونگی رابطه ای که با غریبه ها دارند، مربوط می شود. پیوندهای نیرومند اخلاقی در داخل یک گروه در پاره ای موارد ممکن است عملاً در خدمت کاهش درجه تونائی اعضای گروه از نظر اعتماد ورزیدن به غریبه ها و کارکردن با آنها باشد. بنابراین وابستگی گروهی می تواند اثر خارجی منفی ای تولید کند که r_m بزرگتر بیانگر آن است که میزان ضرر گروه برای جامعه محیطی اش بیشتر است و لذا مقیاسی که برای سرمایه اجتماعی یک گروه واحد در نظر گرفته می شود و یا به عبارت دیگر r_p c_n باید در معکوس R_n ضرب شود.

بنابراین مقدار کل موجودی سرمایه اجتماعی یک جامعه عبارت است از:

$$Sc [(1/r_m) r_p c_n]_1 \dots T \text{ (فرمول ۴)}$$

در حالت ایده آل افراد دوست دارند که C را به حداکثر و R_n را به حداقل برسانند. چنانچه گفته شده تولید ارزیابی دقیق از حجم سرمایه اجتماعی یک جامعه، کاری تقریباً محال است چون متضمن ضرب کردن ارقامی است که یا ذهنی تخمین زده شده و یا وجود

¹ - Puritan

خارجی ندارد. داده های پیمایش^۱ در ارتباط با اعتماد و مشارکت اجتماعی و مدنی روش سودمندی است (فوکویاما، ۲۰۰۵).

فوکویاما در مورد سنجش سرمایه اجتماعی می گوید «در هر صورت برای تخمین ذخیره سرمایه اجتماعی ملت، یک روش جایگزین وجود دارد. بجای سنجش و اندازه گیری سرمایه اجتماعی به عنوان یک ارزش مثبت می توان نبود سرمایه اجتماعی» بعبارت دیگر انحرافات اجتماعی از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی و داد خواهی، خودکشی، فرار از پرداخت عوارض و مالیات و موارد مشابه را به روشهای مرسوم اندازه گیری کرد. فرض بر این است که چون سرمایه اجتماعی، وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می کند، انحرافات اجتماعی نیز بالفعل بازتاب نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود». (فوکویاما، ۲۰۰۰)

افه و فوش نیز در تعریف سرمایه اجتماعی به آگاهی و توجه، اعتماد و مشارکت های انجمنی پرداخته اند و در سنجش سرمایه اجتماعی دو بعد اصلی را مطرح کرده اند. بعد اول هنجارها، که بیشتر در کیفیت روابط اجتماعی ظهور می کند و شامل اعتماد اجتماعی به دوستان و آشنایان، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی / مدنی می باشد و در ضمن هنجارهای همیاری را مد نظر قرار داده است.

بعد دوم شبکه ها را مطرح کرده و آنرا در ۲ عنصر بیان می کند.

۱ - شبکه ها و یا مشارکت های رسمی که در انواع انجمن ها، اتحادیه ها؛ نهادها و غیره می باشد.

۲ - شبکه ها و یا مشارکت های غیر رسمی با خویشاوندان، دوستان، همسایگان و ... مطرح می گردد (استین^۲ ۲۰۰۱)

¹ - survey data

² - Astone

پاکستون^۱ در مطالعه خود که بر روی جامعه آمریکا صورت داده است به بررسی کاهش و عدم کاهش سرمایه اجتماعی پرداخته است او به عملیاتی نمودن مفهوم سرمایه اجتماعی در ۲ بعد کلی پرداخته است:

۱ - پیوندهای عینی بین افراد که مشارکتهای رسمی و مشارکتهای غیر رسمی در رفت و آمد با همسایگان و دوستان را شامل می شود.

۲ - پیوندهای ذهنی که بیشتر شامل، الف- باور به اینکه چقدر مردم قابل اعتماد، صدیق و یار و کمک یکنیگرند. ب - اعتماد به نهادها شامل: آموزشی - اجرائی ، قانون گذاری و دینی (پاکستون، ۱۹۹۹، ۱۰۶-۹۳)

اونیکس^۲ و بولن^۳ به نقل از مایکل ولکاک و دیپاناریان (۲۰۰۵) هشت عامل تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی را استخراج کرده اند:

۱ - مشارکت در اجتماع محلی ۲ - میزان فعالیت در کارهای اجتماعی ۳- احساس اعتماد و امنیت ۴ - ارتباطات و همسایگی ۵ - مراودات و رابطه با فامیل و دوستان ۶ - مدارا کردن با تنوع ۷- ارزش زندگی ۸- روابط و پیوندهای کاری

در جمع بندی مطالب فوق باید گفت: توجه به ۲ جنبه اعتماد، گستردگی روابط دیر پا وجود هنجارهای مشترک به پیدایش استراتژی های تحقیقاتی متعددی در پژوهشهای مربوط به سرمایه اجتماعی منجر شده است، در این میان ۴ نسخه عمده سرمایه اجتماعی در مطالعات به چشم می خورد:

۱ - شاخص میزان اعتماد عمومی (توسط اینگلهارت و نوریس)

۲ - میزان مشارکت در انجمنها و فعالیتهای داوطلبانه اجتماعی (توسط پوتنام)

۳ - میزان جرم ، طلاق، خودکشی و غیره (توسط فوکویاما)

۴- وسعت و غنای شبکه روابط اجتماعی افراد (توسط لین)

¹ - Pakstone

² - Onyx

³ - Bullen

• تأثیر سرمایه اجتماعی بر روی اقتصاد و رشد اقتصادی^۱

از مهمترین کارکردهای اقتصادی سرمایه اجتماعی این است که هزینه های معاملاتی^۲ مربوط به هماهنگی های رسمی، نظیر قراردادهای سلسله مراتب، مقررات دیوانسالارانه و امثالهم را کاهش می دهد. البته این امکان وجود دارد که بتوان کنش های گروهی از مردم را که صاحب هیچگونه سرمایه اجتماعی نیستند هماهنگ کرد، ولی این وضع قاعدتاً در بردارنده هزینه های معاملاتی اضافی و پر هزینه در ارتباط با نظارت، مذاکره، اقامه دعاوی حقوقی و تنفیذ توافق های رسمی خواهد بود.

فوکویاما بیان می کند: حتی در محیط هائی که سطح فناوری بالا نیست سرمایه اجتماعی باعث حصول کارائی می گردد. شبکه های مشارکت مدنی^۳ هنجارهای مستحکم رابطه متقابل را تقویت می کنند. من کاری را برای شما انجام می دهم، به این امید که زمانی شما یا کس دیگری آنرا جبران کند. این شبکه ها، همکاری و ارتباطات را تسهیل می کنند و اطلاعات موجود درباره اعتماد پذیری افراد دیگر را تقویت می کنند.

وقتی معاملات و روابط اقتصادی در سیاسی و شبکه هائی که تعاملات گسترده اجتماعی وجود دارد، صورت می پذیرد، انگیزه فرصت طلبی و قانون شکنی کاهش می یابد. به همین دلیل است که تجارت الماس که امکان تقلب در آن فراوان است تنها در گروه های قومی بسته و محصور متمرکز است.

سرمایه اجتماعی به اشخاص کمک می کند تا بتواند هزینه تشخیص احتمالات مختلف و بررسی شرائط آنها را مقرون به صرفه کند. جامعه ای که از سرمایه اجتماعی، اعتماد، اطمینان بهره می برد، می تواند از طریق تضمین عملکرد و اجرای قراردادهای، هزینه های مربوط به سیستم قانونی را نیز کاهش دهد. البته این سکه روی دیگری نیز دارد و آن اینکه بنگاههای اقتصادی بیشتر مایل هستند با شرکای مطمئن همکاری کنند، این تمایل سبب

¹ - Economic Growth

² - Transaction costs

³ - civic contribution channels

حیطه بحث ما خارج است. همچنین عوامل دیگری مثل پیشرفت فنی، تجربه تاریخی و غیره را می توان به آن اضافه نمود. (کالداری و پارتس، ۲۰۰۰)

۱ - تأثیر سرمایه اجتماعی بر کارایی و بهره وری

تیلوریزم^۱ کلاسیک که محیط های کار را به شیوه ای به غایت تمرکز یافته و اشباع شده از دیوان سالاری سازمان می داد در آن، عدم کارایی های بسیاری به چشم می خورد، چه بسیار تصمیمات و اطلاعات که در جریان بالا و پائین شدن در زنجیره های فرماندهی دیوان سالاری دچار تأخیر می شدند. با گذشت زمان در بسیاری از کارخانه ها، تیلوریزم جای خود را به ساختارهای مدیریتی به مراتب افقی تری داد که مسئولیت را عملاً به سطح پائین کارخانه (کارگران) منتقل می کنند. کارگران که به منابع دانش جزئی خیلی نزدیک ترند، اجازه دارند که خود مستقلاً تصمیم بگیرند نه آنکه تصمیم گیری را به سلسله مراتب مدیریت ارجاع دهند. این وضعیت غالباً به نحو چشمگیری بر کارایی می افزاید. اگر بین کارگران و مدیران، عدم اعتماد یا فرصت طلبی های رایج وجود داشته باشد، در آن صورت تفویض اقتدار لازم در یک چنین نظام صنعتی به فلج آتی منجر می شود (فوکویاما، ۲۰۰۵)

فوکویاما (۱۹۹۵) با زیر سوال بردن رویکرد سنتی تقسیم بندی جهان - مبتنی بر درجه رشد صنعتی و میزان مشارکت دولت در امور اقتصادی - طبقه بندی متفاوتی بر اساس میزان سرمایه اجتماعی هر کشور ارائه می دهد. در این طبقه بندی، تفاوت درجه صنعتی شدن کشورهای مختلف بیش از هر چیز به سرمایه اجتماعی شان - یعنی سطح اعتماد میان افراد جامعه و نیز مشارکت آنها در تشکیل گروهها و انجمنهای شهروندی، بستگی دارد و بر این اساس دو گروه کشورهای «کم اعتماد» و «پر اعتماد» را می توان از هم تمیز داد. کشورهای هم چون تایوان، هنگ کنگ، ایتالیا و فرانسه در گروه اول قرار دارند که سطح پائینی از اعتماد در بین آنها قرار دارد و کشورهای همچون ژاپن، آمریکا و آلمان در گروه دوم قرار دارند که سطح بالایی اعتماد در بین آنها قرار دارد که موجب حذف یا کاهش هزینه های مربوط به چانه زنی و مراقبت بر اجرای مفاد قراردادهای اقتصادی می شود، در حالی

¹ - Taylorism

که در کشورهای گروه اول این گونه نظارتها باید از طریق وضع قوانین گسترده، مفصل کردن قراردادهای، مراقبت وسیع و نهایتاً ایجاد یک بوروکراسی پیچیده جهت نظارت بر حسن اجرای قوانین اعمال گردند و این به معنی تحمیل هزینه های سنگین به اقتصاد این کشورهاست. در نهایت به تعبیر فوکویاما، سطح بالاتر اعتماد در یک جامعه موجب پیدایش اقتصادی کارا تر می شود.

رابرت فرانک^۱ (به نقل از پوتنام، ۲۰۰۵) معتقد است: «به همان دلیل که پول کارآمدتر از معامله تهاتری است»، جامعه ای که به عمل متقابل همگانی اتکا می کند نیز کارآمدتر از جامعه بی اعتماد است.

۲- تأثیر سرمایه اجتماعی برگردش اطلاعات و جلوگیری از شکست بازار

بازار یا سیستم قیمت از طریق ۳ نقش اصلی «اطلاعات رسانی»، «ایجاد انگیزه» و «توزیع درآمدها» فعالیت اقتصادی را به پیش می برد و هماهنگ می کند. بازار این سه نقش را بازی می کند تا دو وظیفه اصلی «تخصیص» و «توزیع» را انجام دهد، و این دو وظیفه را از طریق به راه انداختن فرایندهای «اصلاح» و «انطباق» انجام می دهد. در این میان عوامل مختلفی می تواند باعث شکست بازار گردد، که می توان از عواملی مانند عدم اطمینان و هزینه مبادله^۲ نام برد (رنانی، ۲۰۰۵، ص ۱۲۷)

گروتر و فن بستلر (۲۰۰۲) به نقل از پل کولیر^۳ بیان می کند که تعاملات اجتماعی حداقل یکی از سه نوع اثر خارجی را ایجاد می کند:

۱- اطلاعات به سادگی در میان افراد انتقال می یابد و باعث کاهش سوء استفاده افراد از فرصتها می گردد.

۲- در محیط بازار باعث تسهیل انتقال اطلاعات می گردد و از شدت مشکل شکست بازار در امر اطلاعات کاسته می شود.

^۱ - Robert frank

^۲ - Transaction cost

^۳ - collier, paul, 1998

۳- بهبود مشکل سواری مجانی از طریق فعالیتها و تعاملات دسته جمعی و همکاری متقابل صورت می پذیرد.

در مقاله دیگری گلایزر و همکارانش^۱ (۲۰۰۱) با استناد به کار گریف^۲ (۱۹۹۳) بیان می کنند: اقتصاددانان دریافته اند که تعاملات اجتماعی در صورتی که مرتب تکرار شوند، نقش بسیار مهمی در حل مشکل سواری مجانی و کاهش فرصت طلبی^۳ دارند.

سرمایه اجتماعی، بازار را در انجام وظیفه خود یعنی توزیع و تخصیص کمک می کند و همچنین به کاهش هزینه های مبادله کمک میکند. بر طبق اظهارات پوتنام (۲۰۰۰)، شبکه های اجتماعی تولید شده در میان مشارکت در شوراهای محلی، سازمانهای داوطلبانه و گروهها، کانالهایی را برای جریان نوع دوستی و بشر دوستی می گستراند که به ترتیب هنجارهای انفرادی و تقابل کلی را پرورش می دهد. در این روش، سرمایه اجتماعی، مبادله اقتصادی را با کاهش هزینه های مبادله آسان می کند، به طوری که منابع کمتری برای قراردادهای رسمی و نظارت صرف می شود، گذشته از هزینه های مبادله پائین تر، سرمایه اجتماعی همچنین هزینه های اطلاعات و ریسک را پائین می آورد و به اجتناب از مخاطره اخلاقی و انتخاب زیان آور کمک می کند (میور^۴، ۲۰۰۲، به نقل از کالدار و پارتس، ۲۰۰۰)

سرمایه اجتماعی، همچنین تبادل اطلاعات بین طرفین را تسهیل می کند که این خود به کارا شدن هر چه بیشتر تخصیص پویای منابع کمک می کند. حال اگر فرض کنیم سرمایه اجتماعی مانند اعتماد در بازار وجود دارد، در این حالت اگر تبادل اطلاعات با هدف فراهم شدن رضایت عمومی همه عوامل بازار صورت بگیرد، کارائی کلی فعالیتها تقویت خواهد شد.

1 - Glaiser et al.

2 - Greif

3 - Opportunism

4 - meure

برخلاف نظریه غالب موجود در کتب اقتصادی که مکانیزم بازار را کارآمد می دانند، یک پیش شرط وجود دارد و آن اینکه ابتدا باید بازاری وجود داشته باشد تا بعد در مورد کارائی آن صحبت شود، در حالی که با توجه به اینکه جهان واقعی پر از عدم اطمینان است، تحقق این پیش فرض با تردید روبروست. اگر افراد بازار، با یک مجموعه اطلاعات مناسب از شریک تجاری خود تجهیز شوند مثل این است که نحوه عکس العمل وی به تغییر در محیط زیست را بدانند، می توانند روابط تجاری خود را به نحو مناسب تر شکل دهند، تا اینکه صرفاً تمام اطلاعات خود را از طریق تغییر در قیمت قراردادها کسب کنند (تاکاشی اوموری، ۲۰۰۳).

۳- تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه مالی:

در اجتماعات دارای سرمایه اجتماعی بالا، مردم اعتماد بیشتری به یکدیگر دارند. لذا اعضای اجتماعی که سرمایه اجتماعی بالائی دارند، راحت تر به یکدیگر اعتماد می کنند، چرا که از دیگران انتظار دارند در چارچوب هنجارهای اجتماعی رفتار کنند و بعبارتی دیگر، شبکه های اجتماعی مراقبت بهتری برای توبیخ کسانی که کجروی می کنند، فراهم می آورد. قراردادهای مالی نسبت به اعتماد بسیار حساس اند، اعتماد به این که طرف مقابل، طبق نص قرارداد عمل کرده و به تعهدات و وظائفی که به او محول شده، پایبند می ماند یا نه. اعتماد می تواند از این انتظار ناشی شود که اجرای قوانین، هرگونه انحرافی را تنبیه می کند. اما اجرای قانون در برخی موارد غیر موثر است و معمولاً گران تمام می شود. قانون در مقابل بسیاری از کلاه برداری های حرفه ای نمی تواند کاری از پیش ببرد و اگر صرف معامله پولی را از دست بدهد، قانون در بهترین حالت، فقط می تواند او را به زندان بیندازد ولی آن پول از دست رفته را جبران نمی کند.

دوم اینکه، ذات قراردادها ناقص است و غیر ممکن به نظر می رسد که حتی در بهترین نظامهای قضائی، بتوان سرمایه گذاریها را به طور کامل ضمانت کرد.

از آنجا که اجرای قوانین نمی تواند هیچوقت به طور کامل موثر باشد، سرمایه اجتماعی می تواند نقش اساسی در بالا بردن میزان اعتماد ایفا کند. بنابراین وسیله ای غیر از قانون

معرفی می شود که در صورت ناکارا و گران بودن اجرای قانون، می تواند مکمل خوبی باشد.

در ذیل به چند کانال که از طریق آنها سرمایه اجتماعی بر توسعه مالی اثر می گذارد اشاره می گردد.

۱-۱- استفاده از چک:

چک یکی از ابزارهای مالی است که در انجام آسان تر معاملات نقش مهمی را بازی می کند. استفاده از چک، نیازمند اعتماد زیاد برای دو طرف معامله می باشد. از یک طرف کسی که چک را دریافت می کند باید مطمئن باشد که در حساب طرف مقابل نقدینگی وجود دارد و کسی که چک را پرداخت می کند باید اطمینان داشته باشد که طرف مقابل در چک خدشه ای وارد نکرده و مبلغ چک را عوض نخواهد کرد. بنابراین انتظار می رود، در صورت ثابت بودن سایر شرائط افراد در جوامع با سطح پائین تر سرمایه اجتماعی، تمایل کمتری به استفاده از چک دارند.

۱-۲- تخصیص سبد دارایی

برای تخصیص دارایی های مالی، همه خانواده ها با یک انتخاب اساسی بین نگهداری پول نقد و سرمایه گذاری در دیگر زمینه های مالی مواجه اند. هر نوع سرمایه گذاری، منوط به نوعی واگذاری کار به کارگزاران است. سپرده گذاری یک خانواده در بانک، به معنی پذیرفتن نمایندگی بانک برای حفاظت و مدیریت دارائی خانواده است. سرمایه گذاری در سهام نیز نیازمند دو گروه کارگزار می باشد. خانوار مجبور است برای خرید سهام به یک کارگزار وکالت دهد تا سهم مورد نظر را برای او تهیه کند و همچنین مجبور است به یک بنگاه که پول را در یک سرمایه گذاری با سود بالا و مدیریت و سرمایه گذاری کند، وکالت دهد. از آنجا که تمایل به نماینده پذیری تحت تأثیر اعتماد است. بنابراین افرادی که در مناطق با سرمایه اجتماعی بالا زندگی می کنند، از آمادگی بیشتری برای پذیرش افرادی بعنوان کارگزار خود برخوردارند تا حفاظت مدیریت پول خود را به آنها بسپارند. به همین خاطر با ثابت بودن سایر شرائط، انتظار می رود افرادی که در این مناطق زندگی می کنند، بخش زیادی از ثروت مادی خود را در سپرده ها و سهام سرمایه گذاری کنند و بخش

کمتری را بعنوان پول نقد باقی گذارند. بخصوص حساسیت سپرده ها نسبت به سرمایه اجتماعی موضوع جالبی است. سپرده گذاری به نماینده پذیری و بنابراین به اعتماد نیاز دارد. ولی به اطلاعات زیادی محتاج نیست چرا که بیمه سپرده گذاران از حساسیت آنها نسبت به برخی اطلاعات خاص درباره بانک می کاهد. به همین علت هرگونه اثر سرمایه اجتماعی به سپرده های دلالت بر اعتماد دارد، نه بر اطلاعات. اعتماد مسیر اصلی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتار سرمایه گذاری است.

۳-۱- قرض به دوستان و خانواده

قرض و وام به شدت به اعتماد بستگی دارد. به همین دلیل منابعی که تحت عنوان وام در اختیار خانواده ها قرار می گیرد به طور مثبت با سطح متوسط سرمایه اجتماعی در آن مناطق وابسته است. بنابراین در مناطقی که سرمایه اجتماعی کمتری دارد احتمال اینکه یک خانوار نتواند ضامن معتبر برای دریافت وام را معرفی کند و یا از درخواست وام دلسرد شود بیشتر است. البته می توان مواردی را هم بیان کرد که احتمال می رود یک همبستگی منفی بین احتمال قرض کردن غیر رسمی و سطح سرمایه اجتماعی وجود داشته باشد. قرض غیر رسمی یک جانشینی برای قرض رسمی است، هنگامی که قرض رسمی غیر قابل دسترس است یا بسیار گران و پرهزینه می باشد، انتظار داریم دستیابی به قرض کردن رسمی به واسطه فقدان سرمایه اجتماعی، به خطر انداخته شود.

به همین منظور، تقاضا برای قرض از دوستان و خانواده در جامعه ای با سرمایه اجتماعی پائین بالاتر است. بسیاری از نویسندگان (بنفیلد^۱ (۱۹۵۸) و فوکویاما (۱۹۹۵) تاکید کرده اند که سطوح پائین اعتماد برای دیگران، به طور کلی به سطوح بالای اعتماد در داخل زیر گروهها مثل خانواده وابسته می شود. عبارت «خویشاوند گرائی نامطلوب» بیان می کند که سطوح بسیار بالای اعتماد در میان خانواده، سطوح بسیار پائین اعتماد خارج از خانواده را

¹ - Banfield

دلالت می کند. این به طور طبیعی سبب حرکت مبادلات از بازار به دایره محدود خانواده می شود (گیوسو^۱ و دیگران، ۲۰۰۰)

گیوسو و لویی جی زینگالس^۲ (۲۰۰۱) سرمایه اجتماعی را با استفاده از شاخص های متعددی از قبیل سطح مشارکت در انجمنها و گروهها، حضور در انتخابات و روابط شهروندی اندازه گیری کردند. آنها دریافتند که در ایتالیا، سطح سرمایه اجتماعی کاملاً با توسعه مالی ارتباط دارد و در جایی که سرمایه اجتماعی بیشتر است، افراد سرمایه گذاری های بیشتری در بازار سهام انجام می دهند و دستیابی بیشتری به موسسات مالی رسمی دارند. پوتنام، لئوناردی و نانتی (۱۹۹۳ به نقل از سوری ۲۰۰۳) بیان می دارند که سرمایه اجتماعی بر اقتصاد و توسعه مالی کشورها تأثیر دارد.

۴- تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد و کارایی دولت

سرمایه اجتماعی خوب، کارایی دولت ها را افزایش می دهد. اگر مردم مایل باشند کارهای خود را به صورت همکاری مردمی و بدون دخالت دولتها انجام دهند، فعالیتهای دولت روان تر و از بار مالی تحمیل شده بر دولت کاسته می شود.

سرمایه اجتماعی در مدیریت و خدمات عمومی نقش مهمی ایفا می کند. اداره این امور یا به صورت کنترل سنتی جامعه و یا به وسیله تشکیلات مدرن غیر دولتی صورت می گیرد. حالت دوم در مقایسه با مدیریت صد در صد عمومی و یا سیستم خدمات کاملاً خصوصی (بسته به ماهیت خدمات موردتوجه) دارای کارایی هزینه بالاتری بوده و در رویارویی با چالشهای یکسان، انعطاف پذیری بیشتری نسبت به دو سیستم مذکور دارد.

پوتنام در مقاله خود (جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی) اشاره می کند. «همانطور که پژوهش ما درباره ایتالیا نشان می دهد، سرمایه اجتماعی از طریق دولت ها و با زارها کار می کند، نه به جای آنها، سیاست عاقلانه می تواند ایجاد سرمایه اجتماعی را تشویق کند و سرمایه اجتماعی خود تأثیر گذاری اقدامات دولت را افزایش می دهد (پوتنام،

¹ - Guiso, L

² - Lvi gi zingalas

۲۰۰۵) وی نشان داده است که ارائه خدمات عمومی، توسط دولتهای منطقه ای در مناطق پر اعتمادتر و با تفکرات مدنی تر شمال و مرکز ایتالیا، خیلی بهتر از جنوب این کشور (که اعتماد کمتر و تفکرات مدنی کم رنگ تری است) انجام می شود. علاوه بر این تماسهایی که شهروندان با دولتمردان در جنوب حاصل می کنند، بیشتر حول مسایل شخصی می گذرد، این در حالی است که تماس هائی که در مناطق با اعتماد بالاتر گرفته می شود، درباره مسائل کلان تری است که بر رفاه عمومی منطقه تأثیر می گذارد.

گریر^۱ در مطالعه خود به سرمایه اجتماعی دولت پرداخته است که بیانگر آزادی شهروندان، آزادی سیاسی، تعدد انتخابات، ریسک سیاسی و غیره است، در این مطالعه در یافته است عدم اعتماد بین دولت و مردم موجب کاهش معناداری، در رشد اقتصادی شده است (گریر، ۱۹۸۹، به نقل از سوی ۲۰۰۵)

۵- تأثیر سرمایه اجتماعی بر نرخ پس انداز و سرمایه گذاری

سرمایه های اجتماعی از طریق توزیع ریسک، می توانند بر نرخ پس از جامعه اثر گذاشته و سبب افزایش میزان پس انداز شوند. کاکاشی اوموری (۲۰۰۳) وی چند دلیل را بیان می کند: اول اینکه هرچه اعتبار کارهای آینده اقتصاد بالاتر باشد، نرخ تنزیل زمانی مورد انتظار مردم پائین تر می آید. دوم اینکه در جامعه ای که سرمایه های اجتماعی با ذهنیت افراد آن ترکیب شده است، مردم به همان اندازه که به همسایه های خود که دائماً در تماس بالفعل با آنها هستند؛ اهمیت می دهند، نسبت به منفعت و سود بالقوه فرزندان و نوادگان آینده خود نیز حساس هستند، و لذا تمایل دارند با پس انداز بیشتر، اموال بیشتری برای آنها فراهم کنند. سوم اینکه، تربیت فرهنگی و مذهبی افراد نیز می تواند آنها را به اعتماد متقابل بیشتر و نیز پس انداز بیشتر تشویق کند.

اعتماد و هنجارها می توانند یک درک ضمنی تهیه کنند که رفتار فرصت طلبانه را سست کند و به طور موثر نواقص موجود در قراردادها را رفع و بدین وسیله سرمایه گذاریها را حمایت کند. پژوهش هائی که درباره اقتصاد آسیای شرقی انجام گرفته تقریباً همواره بر

¹ - Gereyer

اهمیت شبکه های اجتماعی مترکم تأکید کرده است، و به این دلیل چنین اقتصادهایی گاهی نماینده نوع جدیدی از سرمایه داری محسوب می شوند که سرمایه داری شبکه ای نام دارد. این شبکه ها که اغلب بر مبنای خانواده گسترده یا جوامع بسته قومی همچون چینی ها خارج از کشور استوار هستند که اعتماد، کاهش هزینه های معاملاتی و سرعت اطلاعات و ابتکارات را تقویت می کنند.

اثرات دیگر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی

سرمایه اجتماعی می تواند با اثر بر روی نابرابری و توزیع درآمد بررسی عملکرد اقتصادی تأثیر بگذارد.

سرمایه اجتماعی می تواند با اثر بر روی نابرابری و توزیع درآمد بر روی عملکرد اقتصادی اثر بگذارد. نابرابری درآمد بعنوان یک عامل باعث بی ثباتی سیاسی، کاهش نرخ سرمایه گذاری و نیز کاهش رشد اقتصادی می گردد، از دیگر سو افزایش سرمایه اجتماعی می تواند با افزایش اعتماد و همچنین همبستگی اجتماعی باعث کاهش فساد و نابرابری و توزیع درآمد گردد که از این طریق می تواند بر عملکرد اقتصادی موثر باشد (سریا آیر^۱ و همکارانش ۲۰۰۵).

* سرمایه اجتماعی نقش مهمی در اداره بنگاهها بازی می کند. داشتن حسن شهرت و اعتبار در درون بنگاه و همچنین بین افراد خارج از بنگاه، یکی از عوامل مهم در نظم دادن و اداره امور بنگاههاست.

* سرمایه اجتماعی و به ویژه میزان امنیت جامعه، برخی فعالیت های تجاری را سودآور و برخی را غیر سود آور می کند، به نحوی که برخی فعالیت ها را میتوان بر اساس وزن سرمایه اجتماعی داخل آن از بقیه جدا کرده و آنها را سرمایه اجتماعی محور نامید مثال بارز هتل کپسولی ژاپن که در آن مسافران در مکانهای ویژه ای که هیچگونه قفل ایمنی ندارد اقامت می کنند^۲ و یا فروشگاههای تسهیلات دهنده شبانه است که چنانچه هزینه

¹ - sriya Iyer and et al

² - Social capital Intensive

بیشتری برای امنیت آنها خرج شود کل مجموعه را به فعالیت ضرر دهنده تبدیل خواهد کرد. سرمایه اجتماعی برای صنعت توریسم بسیار حائز اهمیت است. میهمان نوازی ساکنان یک منطقه اثر مستقیمی بر جذابیت آن منطقه برای جهانگردان ایجاد می کند. رسوم و فرهنگ محلی و منحصر به فرد بودن ویژگیهای منطقه نیز از عوامل دیگر جذابیت محل است.

* سرمایه های اجتماعی ارزش زمین را افزایش می دهد. سرمایه اجتماعی موجود در یک منطقه بر ارزش آن منطقه تأثیر می گذارد. زیرا که وقتی اهالی یک منطقه یک سرمایه اجتماعی مانند تمایل به مراقبت و حمایت از یکدیگر را سرلوحه کار خود قرار می دهند، هر تازه واردی برای اینکه بتواند در این محل اقامت کند مجبور است این منش اجتماعی را بپذیرد.

* سرمایه اجتماعی از طریق درآمد بالاتر، برای منطقه خودکفایی اقتصادی به ارمغان می آورد. برای مثال از جمله وظائف پول داخلی، قوی تر کردن نیروهای اقتصادی مرکز محور برای مسئولین داخلی و نیز ارضاء احساس تعلق به یک وطن برای مردم عادی جامعه است. در عین حال وجود پول مشترک داخلی سبب روان شدن و آسان تر شدن همکاری های دو جانبه بین افراد جامعه می شود لذا در حالت کلی معرفی یک پول داخلی واحد برای همه افراد درون یک کشور سبب می شود هم سیاستهای اقتصادی مسئولین و هم تبادلات بین مردم راحت تر و بهتر صورت بگیرد که حاصل آن در نهایت رشد وضعیت معیشتی و نهایتاً خودکفائی (متوسلی و بی نیازی ۲۰۰۲)

مطالعات انجام گرفته در زمینه تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی

مطالعه کورمندی و مگ وایر^۱ (۱۹۸۵) از اولین مطالعاتی بود که به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی پرداخت وی از شاخص گستیل^۲ برای آزادی های مدنی استفاده کرد. ۱۴ شاخص برای سنجش آزادی های مدنی و ۱۱ شاخص برای سنجش

^۱ - Kormendi and Meguire

^۲ - Gastil

آزادیهای سیاسی بکار گرفته شده از مواردی که در این شاخص ارائه شد می توان به قوه قضائیه مستقل - اتحادیه تجارت آزاد- نهادهای مذهبی - تنوع احزاب سیاسی - میزان ممیزی سیاسی و کنترل نظامی با خارجی اشاره کرد.

بر اساس این مطالعه، افزایش آزادی های مدنی، سهم سرمایه گذاری در تولید ناخالص داخلی را که معمولاً ۲۰ درصد است به میزان ۵ درصد افزایش می دهد (علمی، ۲۰۰۵).

پوتنام (۱۹۹۳) به نقل از کاظمی پور) به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی در ایتالیا نه فقط مسیر سیاسی بلکه توسعه اقتصادی این کشور پرداخت. به نظر او منطقه شمال ایتالیا که به طور تاریخی از سطح بالاتری از سرمایه اجتماعی برخوردار بوده نوعاً دارای حکومتهای دمکراتیک تر و اقتصاد محلی شکوفاتر بوده است و در مقابل در بخشهای جنوبی این کشور به خصوص منطقه سیسیل که سطح پائین تری از سرمایه اجتماعی داشته و بعنوان کانون فعالیت‌های باندهای مافیا شناخته شده است، به طور سنتی شاهد توسعه اقتصادی پائین تر و نیز سیطره نظامهای سیاسی تمامیت خواه بوده است.

فوکویاما (۱۹۹۵) این مطلب را عنوان می کند که تفاوت کشورها به لحاظ ساختار صنعتی شان بیش از آن که به سطح توسعه آنها ربط داشته باشد به میزان سرمایه اجتماعی شان یعنی میزان اعتماد ورزی افراد جامعه به یکدیگر و نیز مشارکت آنها در تشکیل انجمنهای شهروندی - بستگی دارد. بعبارتی سطح بالاتر اعتماد در یک جامعه موجب پیدایش اقتصادی کاراتر می شود.

ناک و کیفر (۱۹۹۷) در مطالعات خود به این نتیجه رسیده اند که بین رشد اقتصادی و اعتماد رابطه مستقیمی وجود دارد. مواردی چون «اعتماد همگانی»، «حاکمیت قانون»، «آزادیهای مدنی»، «کیفیت دیوان سالاری» با رشد اقتصادی همبستگی دارند و نتیجه می گیرند که سرمایه اجتماعی از میزان فقر می کاهد یا دست کم نابرابری درآمد را تشدید نمی کند. به نظر آنها افزایش در میزان اعتماد در سطح کشور سبب افزایش و رشد اقتصادی خواهد شد.

لاپورتا^۱ و همکاران (۱۹۹۷) دریافتند که اعتماد میان مردم رابطه ای مثبت با رشد اقتصادی دارد. همچنین دریافتند که افزایش اعتماد با افزایش کارائی نظام قضائی کشور و کاهش فساد حکومت همراه است.

اینگلهارت (۱۹۹۹) به نقل از کاظمی پور، اگرچه تأثیر میزان اعتماد بعنوان شاخص اجتماعی را بر رشد اقتصادی می پذیرد اما معتقد است که عکس این رابطه، یعنی تأثیر رشد اقتصادی بر سطح اعتماد در جامعه بسیار بیشتر است. استدلال او این است که درجه بالاتر توسعه، باعث افزایش امنیت اقتصادی در جامعه می شود و از این طریق هزینه پذیرش ریسک ناشی از اعتماد به افراد نا آشنا، کاهش می یابد. سطح پایین تر اعتماد در جوامع فقیر ناشی از این است که اعتماد نابجا در این کشورها می تواند لطمه بسیار جبران ناپذیری به فرد اعتماد کننده وارد کند او دریافته است در تعیین سطح اعتماد در جامعه، مذهب تأثیر بسیار بیشتری از توسعه اقتصادی دارد. دریافته های او نشان داده شده است و در میان پیروان مذهب پروتستان و کنفوسیوس بالاترین سطح اعتماد و در میان مسلمانان و کاتولیک ها و کمترین سطح اعتماد وجود دارد.

کالیر و گنینگ^۲ (۱۹۹۹) به نقل از یرگل دیگ و اسمولورس، (۲۰۰۳) در تحلیل خود از علل پائین بودن نرخ رشد اقتصادی در آفریقا با تمایز قائل شدن بین سرمایه مدنی و دولتی نشان می دهند که در جوامعی که هم میزان تفرق قومی بالاست و هم حقوق سیاسی در آنها ضعیف است، نرخ رشد اقتصادی پایین است.

گروتارت^۳ (۲۰۰۲) در مطالعه خود بیان می کند که، صداقت، وفاداری و همیاری در بین مردم فقیر بسیار زیاد است. و همین بسیاری از کاستی ها را پوشش می دهد. از آنجا که سرمایه اجتماعی می تواند حقوق مالکیت را تضمین کند، در اغلب موارد سرمایه اجتماعی به نفع ثروتمندان است چون آنها دارائی های بیشتری برای از دست دادن دارند، اما به این

1 - La porta

2 - Collier and Gunning

3 - Grootaert

سوال که واقعاً سرمایه اجتماعی به نفع فقر است یا ثروتمندان، نمی توان جواب قطعی داد، ولی مسلم است که هر دو از آن سود می برند، همچنین وی در مطالعه ای نشان می دهد که سرمایه اجتماعی به طور معناداری احتمال فقیر بودن یک خانواده را ۷/۳۶٪ کاهش و در مقابل احتمال ثروتمند شدن را در بین ثروتمندان فقط ۴٪ افزایش می دهد.

گیوسو و همکاران^۱ (۲۰۰۱) در مقاله خود به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه مالی اشاره می کنند که در مناطقی از ایتالیا که سطح سرمایه اجتماعی بالاتر است، افراد کمتر از پول نقد و بیشتر از چک استفاده می کنند، همچنین آنها وام های مورد نیاز خود را بیشتر از نهادهای رسمی تهیه می کنند تا اعتبارهای غیر رسمی مثل دوستان و خویشاوندان.

آسیمینا گرسیتو فورو^۲ (۲۰۰۲) به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی در کشور یونان می پردازد. او نتیجه می گیرد که، جنس، تحصیلات و سن از عوامل موثر بر تشکیل سرمایه اجتماعی می باشد و سرمایه اجتماعی در کنار سایر عوامل نهادی می تواند بر رشد منطقه ای موثر باشد.

افه و فوش (۲۰۰۲، ۲۲۸-۲۰۱) به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد اقتصادی و حاکمیت خوب در مناطقی از آلمان شرقی و غربی پرداخته اند. آنها به این نتیجه رسیده اند که سرمایه اجتماعی شرط لازم و کافی^۳ برای پیدایش^۴ یک اقتصاد نیرومند و یک حکومت خوب است، آنها در پژوهش خود به نقش دین، دین باوری و تعهد دینی با سرمایه اجتماعی می پردازند و به این نتیجه می رسند که بین آنها با سرمایه اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد. از آنجا که ادیان از نشستهای جمعی و مناسک برخوردارند، باعث افزایش تعاملات و آگاهی از مسائل اجتماعی می شود.

1 - Guiso et al

2 - Asimina Christofourou

3 - Economic performance

4 - Good govern ment

بیوگلس دیک واسمولدرس^۱ (۲۰۰۳) در مطالعه خود در پی گسترش مدل های رشد و نحوه تأثیر گذاری سرمایه اجتماعی بر روی رشد اقتصادی می باشند. در این مطالعه تفاوت میان سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی بیان شده و به این نتیجه رسیده اند که سرمایه اجتماعی برون گروهی دارای تأثیر مثبت بر روی رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی درون گروهی تأثیر منفی بر روی رشد اقتصادی دارد.

نوتادی لاوور^۲ (۲۰۰۵) در پژوهش خود به دنبال بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در ۲۰ منطقه ایتالیا بوده است و نتیجه می گیرد که وقتی سرمایه اجتماعی را بعنوان یک نهاد در تابع تولید منطقه ای وارد می کند، این متغیر در مناطق جنوب دارای اثر مثبت می باشد اما در مناطق شمالی دارای اثر ضعیفی است. بر این اساس سرمایه اجتماعی از ۳ کانال بر بازدهی اقتصادی اثر می گذارد:

۱- افزایش امکانات تولیدی

۲- افزایش در سرمایه گذاری سرمایه فیزیکی

۳- افزایش بازدهی کل عوامل تولید.

به نظر او افزایش انحراف معیار در سطح سرمایه اجتماعی، ارزش افزوده را حدود ۰/۳۲ افزایش می دهد. در حالی که یک افزایش انحراف معیار در نیروی کار، ارزش افزوده را حدود ۰/۶۶ افزایش می دهد.

¹ - Sjoerd Beugelsdijk, smulders

² - Notadi Iavoro

پاراگراف سوم:

پیشینه تحقیقات انجام شده در ایران

پایان نامه ها

پژوهش ها

پیشینه تحقیقات انجام شده در خارج از ایران

دیاگرام رابطه عوامل تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی از یافته های فراتحلیل

نتیجه گیری

پیشینه تحقیقات انجام شده در ایران

از آنجا که سابقه مطالعات در زمینه موضوعی سرمایه اجتماعی در جهان از دهه ۱۹۹۰ شروع شده است، در ایران مطالعات قابل توجهی در حوزه موضوعی فوق صورت نگرفته است، در این قسمت سعی می شود که به برخی از مطالعات انجام شده در قالب تز کتری دانشگاهها، طرحهای تحقیقاتی و مقالات اشاره می گردد.

پایان نامه ها

۱ - بی نیاز، علی، بررسی ابعاد پولی هم پیوندی اقتصادی ایران با مناطق یورو و دلار، مقطع دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۲۰۰۲، راهنما: متوسلی، محمود
در این رساله به تأثیر تنزیل سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران پرداخته شده است و پس از مقدمه به بررسی ادبیات اقتصادی در زمینه سرمایه اجتماعی پرداخته و سپس به تعریف مفهومی سرمایه اجتماعی، نقش سرمایه اجتماعی در تولید، لزوم توجه به سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران و نتیجه گیری در این بخش پرداخته است.

در بحث نظری به برخی از دیدگاههای نظری که به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با ابعاد اقتصادی و اجتماعی پرداخته، اشاره می نماید. دیدگاه «ناک و کیفر» (۱۹۹۷) که در مطالعات خود پی بردند که یک انحراف معیار افزایش در میزان اعتماد در سطح کشوری، سبب افزایش رشد اقتصادی به میزان نیم انحراف معیار می شود. لاپورتا^۱ و دیگران (۱۹۹۷) در یک مطالعه بین کشورهای مختلف دریافته اند که افزایش در اعتماد به اندازه یک واحد انحراف معیار، سبب بهبود کارایی سیستم قضایی به اندازه ۰/۷ انحراف معیار و کاهش فساد دولتی به اندازه ۰/۳ انحراف معیار می شود (همانجا، ۴۷) گولدین و کاتز^۲ (۱۹۹۹) بحث می نمایند که سرمایه اجتماعی در بخش میانه امریکا سبب افزایش تعداد مدارس متوسطه شده است. در تابع تولید کلاسیک از زمان آدام اسمیت، محصول تابعی از زمین، نیروی کار و سرمایه است. نیروی کار شامل ساعات کار، نیروی انسانی و تلاش او است. زمین نه تنها

¹ - La porta et al

² - goldin & katz

شامل زمین بلکه به طور عام معرف منابع طبیعی مورد نیاز در فرآیند تولید است و سرمایه، کالاهایی را شامل می شود که به منظور تولید کالاهای دیگر در آینده تولید می شوند. به همین ترتیب از تابع تولیدی ناخالص ملی یک کشور هم سخن می گویند. تولید ناخالص ملی یک کشور شامل ارزش کالاها و خدماتی می شود که در یک سال تولید شده و به فروش می رسند. اصطلاح ناخالص به این جهت است که مقداری از داده های تولیدی سرمایه و منابع طبیعی در پروسه تولید ممکن است تماماً مصرف نشوند، در حالی که، آنها را از محصول کسر نمی کنیم. (همانجا: ۴۸)

اقتصاددانان چهار عامل دیگر که قابلیت افزایش محصول بیشتری را ایجاد می کنند در تابع تولید خود وارد کرده اند که عبارتند از :

۱ - تکنولوژی ۲- دولت، که شامل بدنه کارگزاران سیاسی، قانون اساسی، قوانین و مقررات و سیاست های یک دولت می باشد ۳- نیروی انسانی، که سطح آموزشی و دانش و مهارت افراد را تشکیل می دهد ۴ - سرمایه اجتماعی که می تواند عامل توضیح دهنده دیگری در مورد تفاوت دو کشور در محصول ناخالص ملی با شرایط دیگر یکسان باشد.

به نظر نویسنده با مقایسه رشد اقتصادی ایران در دهه های ۸۰ و ۹۰ علاوه بر عدم توفیق دولت در دهه ۹۰ که عللی مانند: بلند پروازانه بودن تلاش های سازندگی، وجود تنگناهای ساختاری در اقتصاد و دست یازیدن به سوی اعتبارات گران اما کوتاه مدت در بازارهای بین المللی سرمایه توسط اقتصاددانان می باشد. اما علاوه بر عوامل مذکور به زعم نویسنده در سالهای ۹۰ در مقایسه با سالهای دهه ۸۰ میلادی نعمتی را بنام «سرمایه اجتماعی» به طور عینی از دست داده بود.

به زعم نویسنده، انقلاب اسلامی فرصتی بود که تجربه اعتماد و همکاری بین آحاد مردم و بین آنان با دولت را فراهم آورد. در سالهای اول انقلاب تا زمان خاتمه جنگ ایران و عراق، سالهایی است که مردم ایران با الگوی همکاری متقابل در تمام صحنه های اقتصادی و اجتماعی ظاهر شدند و نقش شخصیت معنوی رهبر انقلاب، سرمایه هنگفتی را برای مردم ایران پدید آورد، انجمن های محلی و مساجد از ساختار بیشتر افقی برخوردار بودند و در

نتیجه می توانستند از طریق تسهیل چرخش اطلاعات عمودی و مشورتهای افقی، بر اعتماد و شور و شوق اجتماعی مردم افزوده و مشارکت بیشتر آنان را سبب شوند (همانجا: ۵۹). در حالی که در دوره های اخیر، این انجمن ها نه تنها در شکل های غیر مذهبی مورد تشویق قرار نگرفتند، که در شکل های مذهبی نیز به سوی ساختارهای عمودی میل داده شدند، تشکل های مذهب محور با ساختار عمودی، آنچنانکه در تحقیق لاپورتا و دیگران (۱۹۹۷) آمده است، هر قدر بیشتر باشند، شرائط ناکارآمدتری را از نظر قضایی، فساد اداری، سیستم بوروکراسی، فرارمالیاتی، مشارکت در فعالیتهای مدنی و انجمن های حرفه ای، اهمیت بنگاههای بزرگ اقتصادی زیر ساخت های اجتماعی و تورم بر جامعه حاکم خواهند بود (همانجا، ۵۹)

نویسنده معتقد است در اقتصاد ایران، کمبود سرمایه فیزیکی از معضلات جدی است و در چنین اقتصادی نیاز به سرمایه اجتماعی بیش از اقتصادی است که از وفور در سرمایه فیزیکی برخوردار است و امکان تشکیل یک اتحادیه پولی با شرکای مناسب خارجی را در کاهش روند تورم، فراهم آوری سرمایه فیزیکی مورد نیاز سازندگی و دگرگونی در تعادل سطح پائین موجود در نظام اجتماعی و اقتصادی را باعث می گردد. این تغییرات در مجموع قادر است فضا سازی لازم برای شکل گیری اعتماد عمومی و تقویت سرمایه اجتماعی مورد نیاز در پروسه کارا و ماندگار را امکان پذیر ساخته و اقتصادی بالنده را بشارت دهد (همانجا، ۶۰)

۲ - غفاری، غلامرضا، تعیین ویژگیهای اجتماعی - فرهنگی در مشارکت سازمان یافته اجتماعی - اقتصادی روستائیان، مقطع دکتری، دانشکده علوم اجتماعی تهران، ۱۳۸۰، راهنما: ازکیا، مصطفی

این تحقیق به بررسی این موضوع پرداخته که آیا ویژگیهای شخصیتی روستائیان مانع عدم تبدیل مشارکت در عرصه های خاص به عرصه های عام بوده است؟ سرمایه اجتماعی که مبتنی بر اعتماد، هنجارهای معامله متقابل و روابط بین فردی است در این زمینه چه نقشی دارد؟ و آیا منبع تسهیل کننده کنش، کنشگران می باشد؟ در کنار عوامل فوق نقش دولت

(ساختار سیاسی) بعنوان دستگاه حاکم و اداره کننده جامعه همراه با ساختار قدرت محلی در قالب پایگاه اقتصادی - اجتماعی روستائیان به چه صورت می باشد؟

سوال محوری تحقیق این است که چرا مشارکت اجتماعی - اقتصادی که در عرصه های خانواده، طایفه و محله در سطح روستاها در اشکال واحدهای تخصصی چون واحدهای تولید کشاورزی و دامی و غیره تجلی پیدا کرده است و هم اکنون نیز به صورت پراکنده وجود دارد به مشارکت سازمان یافته جمعی و موثر فراتر از عرصه های خانواده، طایفه و محله ارتقاء پیدا نکرده است؟

نویسنده مفهوم سرمایه اجتماعی را مترادف با مفهوم اعتماد در نظر گرفته است و اعتماد در قالب دو مقوله به افراد و اعتماد به نهادها و سازمانها سنجش شده و نهادها با معرف های مربوط به دو مقوله، تعریف عملیاتی شده است. برای مقوله اعتماد به افراد با توجه به ابعاد مطرح شده از مقیاسی با ۹ گویه استفاده شده است و برای مقوله دوم که تحت عنوان رضایت از دولت مطرح شده است و دلالت بر میزان مقبولیت کارایی و اعتمادی است که مردم روستا به دولت دارند از یک طیف ۱۰ گویه ای استفاده شده است. در بعد روش به علت تنوع سطوح مطالعه که شامل سطوح کلان، میانی و خرد بوده از سه روش تاریخی، اسنادی، تحلیل ثانویه و پیمایش استفاده شده است.

جامعه آماری مورد بررسی شامل: جامعه روستاهای شهر کاشان ۶۷؛ روستای بالای ۲۵ خانوار بوده و واحد نمونه گیری و تحقیق روستا می باشد و جامعه خانواده های ساکن روستاهای کاشان که واحد نمونه گیری خانوار و واحد تحقیق سرپرست خانوار می باشد.

مولفه های اصی مرتبط با مشارکت اجتماعی - اقتصادی سازمان یافته که چارچوب نظری تحقیق را تشکیل می دهند شامل: ویژگیهای شخصیتی، سرمایه اجتماعی، دولت و نظام موقعیتی (پایگاه اجتماعی - اقتصادی) روستائیان میباشد و بنابراین سطوح تحلیل در مقیاس کلان، میانی و خرد را شامل می گردد.

در بعد نظری دیدگاه ها به سه دسته عمده تقسیم شده است:

۱ - دیدگاهی که نقش متغیرهای اجتماعی - روان شناختی را عمده نموده و معتقد به تغییر در ویژگیهای شخصیتی روستائیان برای نیل به توسعه و تحول روستایی است که در این

دیدگاه روستائیان به لحاظ شخصیتی افرادی منزوی، سنتی، تقدیرگرا، فاقد تحرک و ... هستند و لذا با وارد کردن عناصر جدید از بیرون باید در جهت تغییر شخصیت روستائیان اقدام نمود.

۲- دیدگاهی که به ساختار طبقاتی جوامع روستائی اهمیت داده و با مطالعه نظام های بهره برداری در پی بیان تأثیر موقعیت روستائیان در فرآیند تغییر و تحول آنهاست. انتخاب مؤلفه پایگاه اجتماعی - اقتصادی روستائیان برای تعیین سهم این مولفه بر متغیر وابسته مورد مطالعه می باشد .

۳- دیدگاهی که به متغیرهای کلان و ساختاری در قالب نقش دولت و انتخاب سیاست ها و برنامه های توسعه در مقیاس ملی و حتی فراتر از آن در چارچوب ساختارهای بین المللی می اندیشد که انتخاب مولفه دولت و سازه های مربوط به آن متأثر از این دیدگاه بوده است. در این تحقیق با بهره گیری از چارچوب تلفیقی، مؤلفه های ویژگیهای شخصیتی، سرمایه اجتماعی، ساختار سیاسی و پایگاه اجتماعی - روستائیان مدل نظری تحقیق را تشکیل می دهند. در نتیجه این تحقیق: متغیر امکانات توسعه ای تأثیر منفی با متغیر وابسته تحقیق دارد و با متغیر سرمایه اجتماعی که یکی از متغیرهای مستقل می باشد هم رابطه منفی (رابطه معکوس) دارد. متغیر سرمایه اجتماعی هم دارای تأثیر مستقیم مثبت بر روی متغیر وابسته است و هم با متغیر ویژگیهای شخصیتی همبستگی مثبت دارد. متغیر ویژگیهای شخصیتی دارای تأثیر مستقیم بر روی متغیر وابسته است و نیز با متغیر سرمایه اجتماعی دارای همبستگی است و از متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی نیز تأثیر می پذیرد.

تأثیر متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر متغیر وابسته تحقیق هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم از طریق متغیر ویژگیهای شخصیتی، می باشد. اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته برابر با ۰/۵۱ می باشد.

۳- یزان پناه، لیلی، بررسی عوامل موثر بر میزان مشارکت اجتماعی شهروندان ۱۸ ساله و بالاتر شهر تهران، مقطع دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، آبان ماه ۱۳۸۲، راهنما: پیرامون

در این مطالعه سعی شده که در بسترها و زمینه های مناسب و امکانات و شرایط لازم جهت حصول مشارکت هر چه بیشتر شهروندان در نظر گرفته شود و دستیابی به این شناخت، یکی از اهداف اصلی این پژوهش است.

از نظریه کنش پارسونز و نیز نظریه های خرد مشارکت: آیزن و فیش بان، نظریه خود اثر بخشی باندورا، نظریه از خود بیگانگی جورج مومنز همراه با نظریه های کلان مشارکت هانتینگتون و هابرماس، ناورزوف، راپاپورت و دیوید سون و نظریه سرمایه اجتماعی در چارچوب نظری تحقیق بهره گرفته شد.

جامعه مورد تحقیق افراد ۱۸ ساله و بالاتر از شهروندان ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران بوده و واحد تحلیل فرد می باشد و در نمونه گیری هر منطقه بعنوان یک طبقه در نظر گرفته شده است و سپس در حوزه ها و بلوک ها نمونه گیری تصادفی سیستماتیک صورت گرفته است و حجم نمونه ۸۲۷ نفر را شامل می گردد و از تکنیک های تجزیه واریانس و ضرائب همبستگی و معناداری در این تحقیق استفاده شده است.

نتایج تحقیق نشان می دهد که مشارکت اجتماعی بعنوان متغیر وابسته با متغیرهای مستقل ارزش غایی، امکانات موجود محل زندگی، مشخصات فرهنگی، نظام شخصیتی، ویژگیهای خانوادگی و مشخصات زمینه ای رابطه مستقیم و اثر غیر مستقیم از مشخصات اجتماعی از طریق تأثیر بر نظام شخصیتی دارد.

بین جنسیت پاسخگویان و میزان مشارکت اجتماعی رابطه ای وجود نداشت، گروه های سنی ۳۶-۶۴ ساله مشارکت بیشتری نسبت به سایر گروههای سنی داشتند، سابقه کار و سابقه سکونت در محل با مشارکت اجتماعی رابطه مستقیم داشت. سطح تحصیلات همسر با میزان مشارکت اجتماعی در ابعاد رسمی و غیر رسمی رابطه مستقیم داشت و تحصیلات نیز رابطه مستقیم داشته است.

در بررسی اثر استفاده از رسانه های مکتوب، غیر مکتوب و دیداری و شنیداری بر میزان مشارکت، تنها، مطالعه کتب غیر درسی با میزان مشارکت اجتماعی رابطه معنادار مثبت داشته است. از طرفی هر چه میزان اعتماد بیشتر می شود، مشارکت اجتماعی به طور کلی و غیر رسمی نیز بیشتر می شود.

۴- گلابی، فاطمه، نقش اعتماد اجتماعی در امر توسعه با تاکید بر عملکرد و نقش شوراهای اسلامی (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی)، مقطع فوق لیسانس، دانشکده علوم اجتماعی تهران، ۱۳۸۳، راهنما: ناطق پور، محمد جواد

در این پژوهش از نظریات لوین، لیپست، لرنر، آلموند، دال، وربا، هانتینگتون و نلسون که از رویکرد رواشناختی اجتماعی به موضوع مشارکت و اعتماد می نگرند بعنوان چارچوب نظری تحقیق استفاده شده است.

تحقیق با روش نمونه گیری احتمالی طبقه بندی خدشه ای چند مرحله ای صورت پذیرفت و چهار شهر تبریز، مراغه، میانه و اهر با حجم نمونه ۶۳۰ نفر انتخاب شده اند. در این تحقیق از آمار توصیفی و استنباطی تحلیل واریانس، تحلیل رگرسیونی و تحلیل مسیر استفاده شده است. متغیر اعتماد اجتماعی از مجموع اعتماد به دیگران به اعتماد به شورا و اعتماد به مسئولین بدست آمده است مشارکت اجتماعی نیز از سنجش وضعیت مشارکت مردم در انجمن ها، اظهار نظر در امور مختلف شهر، شرکت در جلسات شورای شهر پرداخت به موقع عوارض نوسازی و شرکت در انتخابات مختلف محاسبه شده است.

ارزیابی مردم از عملکرد شوراها در محورهای نقش شورا در تشویق افراد به کار گروهی، آزادی بیشتر در ارائه نظرات، احساس مسئولیت نسبت به امور شهری، اطلاع رسانی به مردم، ایجاد روحیه همکاری با مردم، تسهیل عملیات اجرایی شهر، جلوگیری از اقتدار فردی، استفاده از نظرات و دیدگاههای مردم، سهیم کردن مردم در تصمیمات مختلف، اطمینان به مردم در اجرای امور مختلف شهری و اهمیت دادن شورا به رای مردم، اهمیت اعضای شورا در نزد مردم و برخورد صادقانه شورا با مردم سنجیده شده است. آشنایی با اعضای شورای شهر در قالب یک سوال مطرح شده است. احساس مردم از کارائی و توانمندی شورا با این سوال بررسی شد که نظر مردم نسبت به توانائی و کارائی شورا در رفع مشکلات جامعه چیست؟

نتایج این تحقیق نشان می دهد که مشارکت اجتماعی بعنوان متغیر وابسته از یک مجموعه از متغیرها تأثیر می پذیرد، به گونه ای که متغیر ارزیابی مردم از عملکرد شورا مهمترین عامل در میزان مشارکت اجتماعی محسوب می گردد. در مقابل، متغیر میزان آشنائی با

اعضای شورای شهر دارای کمترین تأثیر بر روی مشارکت اجتماعی را داشت. اعتماد اجتماعی در مرتبه دوم اهمیت و احساس مردم از کارائی و توانمندی شورای شهر از مرتبه سوم اهمیت در تأثیر بر مشارکت اجتماعی را داشت. اعتماد اجتماعی در مرتبه دوم اهمیت و احساس مردم از کارائی و توانمندی شورای شهر از مرتبه سوم اهمیت در تأثیر بر مشارکت اجتماعی برخوردار بود.

با بررسی تأثیر جنسیت بر میزان اعتماد اجتماعی، میزان اعتماد در بین مردان بیشتر از زنان بدست می آمد. بین سن و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود داشت، بین وضع تأهل و اعتماد اجتماعی نیز رابطه معناداری وجود داشت به گونه ای که افراد متأهل دارای اعتماد بیشتری بودند. بین تحصیلات و اعتماد رابطه ای مشاهده نشد. بین محل سکونت در شهرهای به لحاظ توسعه ای متفاوت و اعتماد اجتماعی و مشارکت هم رابطه ای وجود نداشت. بین ارزیابی مردم از عملکرد شوراهای و احساس مردم از توانمندی و کارائی شورا و اعتماد اجتماعی رابطه معنادار و مثبتی ملاحظه شد و در تمایل به مشارکت اجتماعی در بین مردم رابطه مستقیم داشت.

۵- طاهری، حمید، بررسی عملکرد شوراهای روستایی با تاکید بر نقش سرمایه اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، راهنما: ناطق پور، محمد جواد

این تحقیق به بررسی عملکرد شوراهای روستایی و شناسائی اجزاء سرمایه اجتماعی در محیط روستا شناسائی عوامل سلبی تأثیر گذار بر عملکرد شوراهای روستا پرداخته است. خانواده های روستایی بخش مرکزی قم جامعه آماری تحقیق بودند. متغیر وابسته عملکرد شوراهای روستایی است و متغیر مستقل سرمایه اجتماعی و خرده فرهنگ دهقانی می باشد.

واحد مشاهده خانواده روستایی است و سطح مشاهده فرد است.

سوال اصلی این تحقیق عوامل موثر بر کارآمدی و کارائی شورا می باشد و در دو دسته عوامل در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت.

۱ - عوامل ایجابی: شامل سرمایه اجتماعی بین مردم (درون گروهی) و سرمایه اجتماعی بین گروهی (شوراها)

۲- عوامل سلبی: سه متغیر مهم وابستگی به قدرت دولتی، طائفه گرایی و استبداد گرایی از عوامل تأثیر گذار منفی بر شوراها می باشند.

در این تحقیق میزان بالای سرمایه اجتماعی مردم، عملکرد مثبت شوراها را باعث می شود، نتایج نشان داده که دو گروه از روستاها از سرمایه اجتماعی درون گروهی برخوردارند اما سرمایه اجتماعی بین مردم در شوراهای موفق موجب عملکرد بالای این شوراها گشته است. مفهوم این نتیجه این است که روابط و همکاری در بین مردم در این روستاها از فراوانی مناسبی برخوردار است. به نظر محقق این همکاری بر مبنای نظریه انتخاب عاقلانه است، شخص به دیگری کمک می کند تا از نتایج کمک خود در آینده ای نزدیک بهره مند گردد. نتایج نشان داد در روستاهائی که سرمایه اجتماعی بین مردم (سرمایه درون گروهی) بالا بود، شوراها نیز از سرمایه اجتماعی بالائی برخوردارند سرمایه اجتماعی پائین شوراها باعث شده بود که میزان مراجعه افراد در این روستا پائین باشد و افراد به شورا بعنوان نهادی کارگشا عنایتی نداشته باشند. همچنین سه متغیری که بعنوان عامل سلبی مطرح شد در عملکرد شوراها نقش منفی ایفا نمودند.

۶- حاجی ابراهیم زاده، تبسم، سنجش عملکرد شوراهای اسلامی نمونه با شاخص های توسعه اجتماعی، مقطع فوق لیسانس، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، راهنما: ناطق پور، محمد جواد

محقق در این کار به ارائه یک الگوی تحلیل نظری به منظور ارزیابی عملکرد شوراها در آینده پرداخته است. در بخش نظری این تحقیق به بررسی معنای توسعه به طور عام و توسعه اجتماعی به طور خاص پرداخته است و در جمع بندی در خصوص شاخص های توسعه اجتماعی آنها را شامل: تغییرات جمعیتی (کنترل مهاجرت و رشد جمعیت) تغذیه مناسب، مسکن، بهداشت و تندرستی، حمل و نقل، ارتباطات، محیط زیست، آموزش، مصرف کالاهای فرهنگی، اشتغال و شرائط کار، اوقات فراغت، امنیت فردی، توزیع درآمد و فرصت (فقرزدایی و عدالت اجتماعی) تأمین اجتماعی، سرمایه اجتماعی (آگاهی - مشارکت -

اعتماد) نظام تقسیم نقش ها (تمرکز زدایی و تفویض اختیار به بخشهای کوچکتر) و تکنولوژی می داند.

سوال اصلی این تحقیق این است که شوراهای اسلامی در کدامیک از زمینه های توسعه اجتماعی موفق تر و در کدام زمینه ضعیف تر عمل کرده است و اصولاً جهت گیری آنها در مسیر جریان توسعه ای بوده است یا خیر؟ همچنین این رساله به وظائف قانون شوراهای پرداخته در رابطه این وظائف را با شاخص های توسعه اجتماعی بررسی کرده است.

روش تحقیق کیفی بوده و با مطالعه موردی و بررسی اسنادی به عملکرد شوراهای پرداخته است و برای تعیین شاخص های توسعه اجتماعی و بومی کردن آن از روش طوفان مغزی استفاده کرده است. در این تحقیق ۱۶ شورای شاهد که به روش نمونه گیری تصادفی از ۶۸ شورای منتخب استانی از شهر، بخش و روستا انتخاب شده اند و ۱۶ شورای ملی نیز بر اساس ملاک های ۱۶ گانه توسعه اجتماعی بررسی و امتیاز بندی شدند و بر اساس عملکرد شوراهای در ملاک های توسعه ای به ترتیب ذیل از اولویت میزان موفقیت در محورهای توسعه اجتماعی برخوردار بودند، بیشترین میزان به سرمایه اجتماعی تعلق داشت و بقیه تقسیم نقش ها، فرهنگ، بهداشت، تندرستی، حمل و نقل و ارتباطات، تکنولوژی، آموزش و اشتغال، محیط زیست، توزیع درآمد و فرصت، اوقات فراغت، تأمین اجتماعی، امنیت فردی، مسکن، تغذیه و تغییر جمعیت بودند.

۷- احمد آقایی، جعفر، نقش شوراهای اسلامی در افزایش مشارکت روستائیان در طرحهای توسعه ای مطالعه و روستاهای شهرستان پیرانشهر، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۲، راهنما: طالب مهدی

اگر بر اساس مطالعات موانع محقق شوراهای در تبدیل شدن به یک سازمان و نهاد موفق در جامعه روستائی ایران به ۲ دسته تقسیم شود، دسته اول: شامل عوامل و موانعی هستند که در بیرون از محیط روستا قرار می گیرند مثل اقتدار گرائی سیاسی و تمرکز گرائی شدید، عدم شفافیت در قوانین شوراهای و وجود تناقض در قوانین و ...

دسته دوم: شامل عوامل و موانع درون روستا می باشند. مثل: میزان اعتماد روستائیان به یکدیگر، میزان اعتماد به شوراها و نهادهای دولتی و ... که در این مطالعه به دسته دوم عوامل پرداخته شده است.

هدف این تحقیق، شناسایی عوامل و متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درون خود محیط روستا به عنوان بخشی از عوامل و موانع موثر بر کارایی شوراها می باشد. جامعه آماری، سرپرست خانواده های روستائی شهرستان پیرانشهر می باشد و نمونه آماری ۱۳ روستا، در بین ۹۵ نفر خانوار به صورت تصادفی پرسشگری شده است.

متغیر وابسته این تحقیق، مشارکت با شورا است و متغیرهای مستقل شامل: اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، خاص گرائی، میل به پیشرفت پایگاه (اقتصادی، اجتماعی)، بیگانگی اجتماعی، نوگرائی، استبدادگرائی، فردگرائی، و تصور خیر محدود می باشد.

پژوهشگر در بخش نظری از دیدگاه سرمایه اجتماعی پاتنام استفاده کرده است و در بین متغیرهای مستقل، شاخص انسجام اجتماعی از سایر شاخص ها رابطه معنی داری و مستقیم بیشتری با مشارکت مردم با شوراها داشته است و سپس شاخص های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی در اشکال سنتی و قدیمی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی و متغیر میل به پیشرفت بوده است.

۸- امیر کافی، مهدی، اعتماد اجتماعی: عوامل موثر بر آن، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴، راهنما: چلبی، مسعود.

محقق ضمن بررسی تعاریف مختلف نشان می دهد که تأکید مشترکی بر چند ویژگی در بین آنها وجود دارد که عبارتند از:

ویژگی روابط اجتماعی به این معنا که اعتماد در روابط اجتماعی شکل می گیرد و تقویت می شود و یکی از جنبه های مهم آن است.

ویژگی وابستگی امور آینده به این معنا که از مشروط بودن واقعیت اجتماعی ناشی می شود. برای اعتماد تأخر زمانی میان انتظارات فرد و اعمال سایر افراد ضروری است. این

نکته را در قالب مفاهیم اقتصادی نیز می توان تعبیر کرد: در روابط مبتنی بر اعتماد نوعی تأخر زمانی بین مبادله کالا و خدمات وجود دارد.

عدم تعیین اجتماعی (عدم قطعیت) عدم تعیین به این معنا است که کمتر اتفاق می افتد پیامد عملی را بتوانیم با اطمینان کامل معین کنیم، بلکه وقتی کسی کاری را که پیش می گیرد باید متوجه باشد که آن کار ممکن است پیامدهای چندگانه ای داشته باشد. بنابراین افراد درگیر در روابط مبتنی بر اعتماد از موفقیت های خود و همچنین از نتایج اعمالشان آگاهی کامل ندارند.

ریسک: مفهوم خطر کردن متعلق به وضعی است که عملی خاص پیامدهای ممکن و متعددی داشته باشد، اعم از مطلوب و نامطلوب و هر کدام درجه خاصی از احتمال داشته باشد. حسن ظن: حسن ظن مهمترین عنصر اعتماد است، زیرا علی رغم وجود عدم تعیین اجتماعی، فقدان اطلاعات و احتمال خطر، افراد درگیر در روابط اجتماعی به علت احساس مثبتی که نسبت به هم دارند به ادامه رابطه می پردازند و در موقعیت های مختلف به یکدیگر اعتماد می کنند.

با توجه به این موارد محقق اعتماد را حسن ظن فرد نسبت به افراد جامعه تعریف می کند که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با سایر افراد جامعه می شود. از این پژوهش از ۶ معرف صداقت، صراحت، سهیم کردن، تمایلات همکاری جویانه، اطمینان، و اعتماد کردن برای سنجش، اعتماد متقابل بین شخصی استفاده شده است. به نظر محقق متغیرهای فوق که فضای مفهومی اعتماد را دربر می گیرد، همه بر روی هم چیزی را تشکیل می دهند که اعتماد خوانده می شود و همه در این امر که منابعی را در اختیار طرف مقابل قرار می دهیم که از حسن ظن ما ناشی می شود، مشترکند. متغیرهای مستقل این پژوهش، تعاملات اظهاری، سرمایه اجتماعی، امنیت، تعهد به یک رابطه، تعهد درونی، دگرخواهی، مقبولیت اجتماعی و متغیرهای پیشینه ای و خانوادگی می باشند. منظور از تعاملات اظهاری، شکلی از مناسبات اجتماعی است که از ملاحظات اقتصادی و حسابگری بر کنار است، در این نوع رابطه دیگران به عنوان وسیله ای برای رسیدن به هدف تلقی نمی شوند و عاطفه عامل اصلی پیوند میان افراد است. سرمایه اجتماعی، عبارت است از میزان

رابطه فرد با گروه های مختلف و افراد جامعه که به فرد امکان بهره مندی از منابع و امکانات موجود را می دهد.

امنیت، بیانگر آسودگی خاطر فرد است که نیازهایش در طول زمان ارضاء می گردد و به رهایی فرد از ترس و نگرانی و حفظ خود در حال و آینده مربوط می گردد. تعهد به یک رابطه، بیانگر تمایل فرد به حفظ رابطه با کسانی است که با آنها تعامل دارد، حتی اگر حفظ رابطه برای فرد پاداش دهنده نباشد. تعهد درونی بیانگر اعمالی است که بدون ترس و بیم از دیگران و تنها بر اساس ارزش های اخلاقی درونی، به صورت داوطلبانه و از روی احساس تکلیف انجام می شود. دگرخواهی، بیانگر اعمالی است که به منظور دستیابی به نتایج مثبت برای دیگران به هزینه خود انجام می شود و بالاخره مقبولیت اجتماعی، بیانگر احترام و ارزشی است که سایر اعضای جامعه به اعمال و گفتار فرد قائلند. این تحقیق در آبان ماه ۱۳۷۴، با استفاده از روش مصاحبه یا پرس و جوی شفاهی انجام شده است. نمونه گیری در این پژوهش بر اساس نمونه گیری با احتمال متناسب با حجم خوشه، و حجم نمونه ۲۱۰ نفر، از شهروندان ۲۰ ساله و بالاتر از سه منطقه ۲،۶،۱۶ شهر تهران بوده است.

نتایج نشان می دهد که مجموعاً ۲۲ درصد از پاسخگویان در سطح کم، ۴۰ درصد در سطح متوسط و ۳۸ درصد در سطح زیاد اعتماد متقابل قرار می گیرند که توزیع نرمالی از پاسخ ها را داراست (همانجا: ۱۵۱-۱۵۰) محقق با استفاده از دو گویه «امروز نباید به کسی اعتماد کرد» و «امروز آدم به نزدیکانش نمی تواند اعتماد کند» که به صورت برش قطبین مورد استفاده واقع شده است به بررسی اعتماد متقابل نسبت به نزدیکان که فرد با آنها تعامل دارد و دیگران که فرد به صورت بالقوه می تواند با آنها تعامل داشته باشد، می پردازد. نتایج نشان می دهد ۶۷ درصد از پاسخگویان به گویه اول نمره خیلی کم و ۷ درصد نمره خیلی زیاد داده اند، در حالی که در مورد گویه دوم ۳۲ درصد در کمترین حد و ۲۹ درصد در بیشترین حد قرار دارند. به زعم محقق مقایسه این ارقام نشان می دهد که اعتماد اجتماعی افراد نسبت به کل اعضای جامعه در مقایسه با اعتماد اجتماعی نسبت به نزدیکان بسیار پایین است و از طرف دیگر اعتماد اجتماعی نسبت به نزدیکان نیز خیلی بالا نمی باشد (همانجا: ۱۵۹-۱۵۶) همچنین همبستگی کلیه عوامل مستقل با اعتماد اجتماعی معنادار

و مستقیم است. این روابط در مورد دگرخواهی، ($r = 0/4425$)، در قوی ترین سطح و در مورد امنیت ($r = 0/21$) در ضعیف ترین سطح قرار دارد (همانجا: ۱۷۴-۱۷۱). محقق در مورد رابطه اعتماد و امنیت نتیجه گیری می کند که هنگامی که اعتماد اجتماعی افزایش می یابد یا در سطح بالایی قرار می گیرد، کمتر تحت تأثیر امنیت قرار دارد و احتمالاً متغیر سومی، مانند سرمایه اجتماعی، برای امنیت و اعتماد اجتماعی علت مشترک محسوب می شود.

مقبولیت اجتماعی	دگرخواهی	تعهد درونی	تعهد در رابطه	امنیت	سرمایه اجتماعی	تعاملات اظهاری	مستقل
0/2688 $S = 0/001$	0/4425 $S = 0/001$	0/3758 $S = 0/001$	0/2309 $S = 0/001$	0/2115 $S = 0/001$	0/2852 $S = 0/001$	0/3630 $S = 0/001$	
دفعات مسافرت	میزان تماشای تلویزیون	میزان مطالعه کتاب	میزان مطالعه مطبوعات	تحصیلات همسر	تحصیلات فردی	سن	زمینه ای
-0/0530 $S = 0/226$	-0/0453 $S = 0/260$	-0/0198 $S = 0/290$	-0/0421 $S = 0/276$	-0/0343 $S = 0/311$	-0/0142 $S = 0/419$	-0/0448 $S = 0/259$	

جدول ۱- تحلیل واریانس متغیرهای زمینه ای و مستقل با اعتماد اجتماعی

اما نتایج حاصل رابطه هیچیک از متغیرهای زمینه ای را با اعتماد اجتماعی معنادار نشان نمی دهد (همانجا: ۱۶۸-۱۶۳). به علاوه نتایج تحلیل واریانس شغل، جنس، قومیت و محل تولد نیز روابط معناداری بین این متغیرها و اعتماد اجتماعی نشان نمی دهد (همانجا: ۱۱۷-۱۶۸). اما همین آزمون تفاوت میانگین اعتماد اجتماعی را در مناطق ۱۶، ۶، ۳ تهران معنادار و مقدار $\eta^2 = 0/2413$ است. این نتایج نشان می دهد که میانگین اعتماد اجتماعی در منطقه ۳ بالاتر و در منطقه ۶ پایین تر از سایر موارد است. نتایج حاصل از رگرسیون دو متغیر مقدار R^2 در مورد تعاملات اظهاری ۱۳ درصد، سرمایه اجتماعی ۸ درصد، امنیت ۴ درصد، تعهد در رابطه ۵ درصد، تعهد درونی ۱۴ درصد، دگرخواهی ۱۹ درصد و نهایتاً مقبولیت اجتماعی را ۷ درصد نشان می دهد و این به معنای درصدی از تغییرات اعتماد اجتماعی است که این متغیرها توضیح می دهند (همانجا: ۱۷۸). همچنین نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره مقدار کلی R^2 را ۳۸/۹۵ درصد نشان می دهد (همانجا: ۱۷۸) مقدار β برای هر

یک از متغیرهای مستقل به ترتیب تعاملات اظهاری ۰/۲۶، سرمایه اجتماعی ۰/۱۷، امنیت ۰/۱۵، تعهد در رابطه ۰/۱۴، تعهد درونی ۰/۲۰، دگرخواهی ۰/۱۶ و مقبولیت اجتماعی ۰/۱۳ می باشد (همانجا: ۱۸۲). اما هنگامی که کلیه متغیرها اعم از مستقل و زمینه ای در تحلیل رگرسیونی واقع می شوند. مقدار R^2 به ۴۱/۷۷ درصد افزایش می یابد و ضرایب β برای متغیرهای فوق به ترتیب ۰/۲۳، ۰/۲۲، ۰/۱۲، ۰/۱۴، ۰/۱۷، ۰/۲۰ و ۰/۱۹ می شود (همانجا: ۱۹۹).

اما نتایج تحلیل مسیر تنها در مورد تعاملات اظهاری، سرمایه اجتماعی و دگرخواهی رابطه غیر مستقیم بر اعتماد اجتماعی را نشان می دهد و در مورد سایر موارد تنها رابطه مستقیم تایید می شود (همانجا: ۱۹۵-۱۹۱).

رابطه	تعاملات اظهاری	سرمایه اجتماعی	امنیت	تعهد در رابطه	تعهد درونی	دگرخواهی	مقبولیت اجتماعی
مستقیم	۰/۲۶۱۴	۰/۱۶۵۳	۰/۱۵۴۱	۰/۱۴۲۵	۰/۱۹۸۶	۰/۱۶۳۰	۰/۱۳۰۳
غیرمستقیم	۰/۱۰۲۶	۰/۱۱۹۹	-	-	-	۰/۲۷۹۶	-

جدول ۲- رابطه مستقیم و غیر مستقیم متغیرها بر اعتماد اجتماعی

در نهایت می توان گفت که محقق عملاً به سنجش اعتماد پرداخته است و نه اعتماد متقابل، تنها با یک گویه و آن هم به صورت کلی سنجش شده است که قادر به شناسایی جهت و ابعاد اعتماد متقابل نمی تواند باشد.

* پژوهش ها

۱ - تاجبخش، کیان، بررسی نقش سرمایه اجتماعی در کارایی شوراهای محلی در ایران، وزارت کشور، استانداری فارس، دفتر امور اجتماعی و شوراها، ۱۳۸۲
در این مطالعه در استان فارس بر روی ۲۵ شهر نمونه از استان بررسی صورت گرفت و سه متغیر عمده در این تحقیق عبارتند از: نوسازی اقتصادی^۱، که شاخص درجه توسعه یافتگی شهر را نشان می دهد.

¹ - Economic modernization (EM)

متغیر سرمایه اجتماعی، که این متغیر از یک نمونه از افراد در هر شهر تشکیل شده است و متغیر سوم کارایی نهادی^۱ شورای شهر می باشد.

متغیر نوسازی اقتصادی به عنوان یک متغیر ترکیبی عبارت است از:

۱- آموزش: که شامل درصد جمعیت در مقطع دانشگاهی و پیش دانشگاهی می شود.

۲- امکانات خانه: مانند تلویزیون رنگی، تلفن، گاز و ...

۳- اشتغال: که شامل درصد مردان شاغل در بخش صنعت نسبت به کلیه شاغلین مرد می باشد.

متغیر سرمایه اجتماعی در این تحقیق، از ترکیب چند شاخص به شرح ذیل تشکیل شده است:

۱- آگاهی^۲: که شامل آگاهی افراد از مسائل و امور عمومی می گردد از طریق بررسی بر روی موضوعات زیر صورت گرفت. اهمیت دنبال کردن امور محلی یا ملی، منابع خبری که مدت زمان (دقیقه) صرف شده برای شنیدن خبرها را شامل شده و اولویت های اول و دوم موضوعات خبری چیست، مقیاس علائق خبری، نام بردن حداقل دو عضو از شورای شهر، نام رئیس شورای شهر، اعضاء انتخاب شده شورا برای چه مدتی انتخاب می شوند، شهردار به چه صورت انتخاب می شود، وظایف شورا چیست، مسائل شورا چه می باشد، نام شهردار، نام نماینده مجلس در آن منطقه.

۲- اعتماد: از طریق تقسیم بندی به دو نوع اعتماد اجتماعی و اعتماد نهادی به شرح ذیل محاسبه شده است.

۲-۱- اعتماد اجتماعی: شامل اعتماد به دیگر مردم شهر، تردید به قوانین و پیمان ها، قرض کردن و قرض دادن به همسایه ها، رغبت به ضمانت مالی کردن، رغبت در بیان عیب کالایی که می خواهیم بفروشیم، هوشیاری و مواظبت مردم، چه تعداد در صورت نیاز به شما پول قرض می دهند، استقبال از بردن یک همسایه مریض به بیمارستان، رغبت همسایگان در

¹ - Intitutional performance (IP)

² - awareness

متغیرهای زمینه ای این مطالعه عبارت بود از:

سطح تحصیلات (سالهای آموزشی مدرسه)، شغل اصلی (نوع شغل)، شغل دوم، آیا نیروی کاری تحت نظر وی هست، چه تعداد، وضعیت مالکیت پاسخگو، در صورت عدم مالکیت چه میزان اجاره می پردازد. مدت زمان اجاره، ارزش اموال، ارزش اتومبیل خصوصی، موتور سیکلت یاد دیگر دارایی ها، درآمد پاسخگو، درآمد خانوار (ماهانه)، هزینه های خانوار.

روش این تحقیق پیمایش بوده و در آن جمع آوری و تحلیل کمی داده ها با استفاده از پرسشنامه های ساختار یافته صورت گرفته است. جامعه هدف این پژوهش ۴۸ شهر استان فارس بوده که جامعه مورد بررسی را در خود جای داده است. در گام نخست جامعه مورد بررسی به دو جامعه آماری شهرهای استان و نیز خانواده های ساکن در شهرهای استان تفکیک گردید. و از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای استفاده شده است. شهرهای زیر ده هزار نفر به علت ماهیت موضوع بررسی حذف شده اند و در نتیجه حجم جامعه به ۳۲ شهر تقلیل یافته است و با طبقه بندی شهرها، تحلیل خوشه ای بر اساس متغیرهای نسبت زنان و مردان باسواد، نسبت زنان و مردان شاغل، نسبت زنان شاغل در بخش صنعت، نسبت خانوارهای برخوردار از تلویزیون رنگی، تلفن، سرانه درآمد شهرداری در شهر برای هر یک از شهرها نمره ای محاسبه شده که ترکیبی از متغیرهای یاد شده می باشد. پس از تعیین شهرهای نمونه حجم خانوارهای هر شهری محاسبه گردیده و در بین ۲۵ شهر نمونه بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه بدست آمده که برای شیراز به علت وزن جمعیتی آن ۴۰۰ نفر و برای ۲۴ شهر دیگر نیز حجم نمونه ۲۱۵۰ نفر برآورده شده است.

یافته های تحقیق و نتیجه نشان می دهد که:

آگاهی از مسائل عمومی در ۶۴ درصد از پاسخگویان از طریق تلویزیون، ۶ درصد از روزنامه ها و ۵ درصد از طریق رادیو صورت می گیرد و عده محدودی هم دوستان و همکاران را به عنوان منابع خبری خود معرفی کردند. در مورد مقیاس اهمیت و علاقه نیز ۹ درصد پاسخگویان به خبرهای شهر خود کمی بیشتر از ۹ درصد دیگر به خبرهای استان

و ۴۰ درصد به خبرهای کل کشور و ۴۰ درصد دیگر به اخبار در سطح جهان ابراز علاقه و اهمیت کردند.

اگر در نظر داشته باشیم که ۶۰ درصد خانوارها در فارس از تلویزیون برخوردار هستند این نتیجه به ذهن می رسد که مهمترین روش برای کسب اطلاعات از شوراها تلویزیون باشد. گرچه سوال خاصی از روابط عمومی شوراها و یا میزان پژوهش برنامه های تلویزیونی نشد لیکن به نظر می رسد که اطلاعات شوراها توسط رسانه ها کمتر به مخاطبین آنان می رسد. و این در مقایسه با آگاهی از سایر نهادها و کشورها به عنوان یک عامل مهم در کمبود آگاهی نسبت به کار شوراها تلقی گردید.

اندازه شهر نیز با میزان آگاهی و اطلاعات ساکنین در مورد شورا رابطه داشت و هنگامی که اطلاعات و آگاهی آنان در مورد نام دو نفر از اعضای شورا یا نام رئیس شورا و یا مدت زمان انتخاب اعضای شورا مورد سوال قرار گرفت به طور متوسط ۸۰ درصد از ساکنین شهرهای کوچک جواب صحیح می دادند و با بزرگ شدن حجم شهر این میزان آگاهی تا نیم کاهش یافت و برای شیراز به ۱۲ درصد رسید. اما عموماً، شهردار و اعضای مجلس بیشتر از سوی مردم شناخته شده بودند.

آموزش و پایگاه اقتصادی و اجتماعی رابطه مثبتی با سطح آگاهی دارد. و رابطه مثبتی بین سطح آگاهی و اعتماد اجتماع دیده شد. در حالی که با اعتماد نهادی رابطه ای ملاحظه نشد. از طرف دیگر رابطه منفی قوی بین سطح آموزش و پایگاه اقتصادی با اعتمادی نهادی و اجتماعی ملاحظه گردید. نتایج میزان کمی از مشارکت را نشان داد به گونه ای که به طور متوسط ۱۴ درصد از کل حجم نمونه عضو ۱۶ انجمنی که در پرسشنامه، نام برده شده بودند و فراوانی مشارکت، از ۳ درصد عضویت در سازمان های غیر دولتی زنان تا ۴۰ درصد در بسیج، را شامل می گردید.

اینکه آیا آگاهی اجتماعی و اعتماد بیشتر به مشارکت بیشتر منتهی می شود یا خیر؟ باید گفت که آگاهی به طور مثبت و معنی داری با همه انواع مشارکت در ارتباط می باشد و اعتماد به نهادها با مشارکت اجتماعی و سیاسی رابطه معنی دار مثبتی دارد. اما با مشارکت

شورایی ارتباط ندارد. در مورد چرایی این قضیه شاید علت جدید بودن فعالیت شوراهای در زمان مطالعه باشد.

نتایج کلیدی این مطالعه به شرح ذیل می باشد.

- بین حجم شهر و میزان اطلاعات و آگاهی شهروندان در مورد شورا یک رابطه معناداری وجود دارد.

- رابطه ای بین درآمدهای سرانه شهری و شاخص مدرنیزاسیون ملاحظه نشد.

- بین کارایی نهادی (IP) با سرمایه اجتماعی (SC) و مدرنیزاسیون و توسعه اقتصادی (EM) رابطه ای ملاحظه نشد.

- رابطه بین کارایی نهادی (IP) و اعتماد مثبت بود (در سطح ۵ درصد)

- رابطه بین کارایی نهادی (IP) و اعتماد نهادی حتی قوی تر بوده و در سطح ۱ درصد می باشد.

- آموزش و پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد رابطه مثبت و معناداری با آگاهی دارند.

- بین سطح آموزش و پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد رابطه منفی و معنی داری با هر و نوع اعتماد نهادی و اجتماعی وجود دارد.

- بین افزایش آگاهی و افزایش اعتماد اجتماعی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد ولیکن با اعتماد نهادی این رابطه به چشم نمی خورد.

- به طور متوسط ۱۴ درصد از اعضای نمونه عضو ۱۶ انجمن مورد سوال بودند و فراوانی مشارکت، از سه درصد برای سازمان های غیر دولتی زنان تا ۴۰ درصد برای بسیج، را شامل می گردید.

- آگاهی رابطه معنی دار و مثبتی با همه انواع مشارکت دارد.

- اعتماد به نهادها نیز رابطه مثبت و معنی داری با مشارکت های اجتماعی و سیاسی داشت اما نه با مشارکت شورایی.

۲- ازکیا، مصطفی و فیروز آبادی، سیداحمد، سرمایه اجتماعی و نقش آن در تشکل های تولیدی: مطالعه موردی حوزه آبریز کرخه، مجله جامعه شناسی ایران، دور پنجم، شماره ۴،

۱۳۸۴ ص ۴۹-۷۳.

در این مطالعه در حوزه آبریز کرخه به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با شکل های تولیدی پرداخته شده است. به گونه ای که با مطالعه بر روی جامعه آماری شامل ۲۰۷ آبادی (منطقه روستایی) در شهرهای دشت آزادگان، دهلران، شوش و اهواز با روش پیمایش بر روی ۴۹ روستای قلمرو مورد مطالعه و ۳۷۵ خانوار حجم نمونه تحقیق است و همچنین با روش مطالعه اسنادی کلیه منابع مردم شناختی، تاریخی، جامعه شناختی قومیت و قوم عرب و نظام ها و شکل های بهره برداری در گذشته و حال مورد بررسی قرار گرفته است.

عناصر سرمایه اجتماعی	سطح معنی داری	میزان همبستگی	جهت همبستگی	ضریب تعیین
اعتماد اجتماعی بین فردی	۰/۰۰۰۰۰	۰/۵۷۷	مستقیم	۰/۳۳
اعتماد اجتماعی نهادی	۰/۰۰۰۰۰	۰/۶۵۵	مستقیم	۰/۴۲
هنجار تعامل به کار گروهی	۰/۰۰۰۰۰	۰/۴۹۲	مستقیم	۰/۲۴
هنجار وفاق اجتماعی (تعامل و تعاون اجتماعی)	۰/۰۰۰۰۰	۰/۲	مستقیم	۰/۱۰

جدول ۳- رابطه عناصر سرمایه اجتماعی با یکدیگر

در این تحقیق در بعد نظری سرمایه اجتماعی با دیدگاه های رابرت پاتنام و جیمز کلن بر اساس محورهای هنجارهای معامله متقابل (تمایل به کارگروهی و تعامل و تعاون اجتماعی) و اعتماد (بین فردی و نهادی) تعریف و عملیاتی شده است.

ولکاک و نارایان (۲۰۰۰: ۲۴۹-۲۲۵) در مقاله خویش به رابطه شبکه ها و تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی پرداخته اند علاوه بر ذکر دیدگاه نظریه پردازان شبکه ای در حوزه مطالعات سرمایه اجتماعی که بارت^۱، مسی^۲ و پورتز^۳ را شامل می شود، اکثر نظریه های مربوط به سرمایه اجتماعی را مانند یک شمشیر دو لبه دیده اند که از دو بعد تشکیل شده و همزمانی این دو بعد را باعث ایجاد رشد و توسعه دیده اند. همبستگی های درون گروهی به

¹ - Burt

² - massey

³ - portes

گونه ای که هنجارهای اعتماد و معامله متقابل در سطح درون گروهی^۱ را شامل می شود. باعث تقویت و انسجام گروهی می شود. ولکاک در کنار این نوع همبستگی به نوع دیگری از همبستگی بین گروهی^۲ اشاره دارد که این نوع همبستگی به ارتباط بین گروه ها بر می گردد. وی مثالی از صندوق مالی برای پرداخت وام به اعضاء می آورد و می گوید در ابتدا این امر باعث می شود که افراد بتوانند از امکانات صندوق استفاده کنند و سطح بازدهی در بین اعضاء افزایش یابد. لیکن از آنجا که امکانات صندوق محدود است با افزایش نسل بعدی جمعیت، سهم اعضای اولیه اندک اندک کاهش می یابد در چنین شرایطی افراد فقیر خود را از جامعه خود به سمت کسب امکانات بیشتر جدا کرده و سعی می کنند از طریق ارتباط با سایر گروه ها که فرصت اقتصادی بهتری دارند مرتبط سازند و مهاجرت از روستاها به شهرها، نمونه بارزی از این حرکت می باشد. بنابراین، سرمایه اجتماعی درون گروهی در سطح گروه تا زمان اشباع امکانات و زمینه های بکارگیری موجود، موفقیت آمیز و مثبت می باشد. اما آنجا که نیاز به کسب امکانات محیطی بیشتر، خلاقیت، نوآوری و ایجاد هرگونه کارآفرینی و توسعه فعالیتها مد نظر باشد لازم است که از طریق سرمایه اجتماعی بین گروهی به گسترش بسترهای سخت افزاری و نرم افزاری لازم در توسعه به منظور بکارگیری و بسیج تمامی امکانات مورد نیاز دست یافت (همانجا: ۲۳۱).

بستگی های بین گروهی BRIDGING	بستگی های درون گروهی BONDING	
	پایین	بالا
پایین	افراد مطرود	کشاورزان فقیر
بالا	مهاجرین از روستا به شهر	اعضاء موفق صندوق های اعتباری

جدول ۴- بستگی های درون گروهی و بین گروهی

دقیقاً این همان فرمولی است که سایر مطالعات توسعه ای در حوزه سرمایه اجتماعی به آن دست یافته اند و در تحلیل نهایی در این بخش به مطالعه مقایسه ای همگی آنها پرداخته

¹ - bonding

² - bridging

خواهد شد. در این مطالعه استفاده از سرمایه اجتماعی در سطح درون بیت بصورت درون گروهی پیشنهاد گردید و در سطح سرمایه اجتماعی بین گروهی به منظور افزایش کارایی و بهره‌وری و در یک کلمه توسعه، به بکارگیری سرمایه اجتماعی بین گروهی (بین بیتی در سطح طایفه) توصیه شده است و نتایج تحقیق نیز موارد موفق را در همین چارچوب تبیین می‌نماید در مطالعه مورد نظر متغیر وابسته مشارکت اجتماعی سازمان یافته در قالب و شکل تشکل‌های زراعی بود و متغیرهای مستقل تأثیر گذار که از عناصر مفهومی تشکل دهنده سرمایه اجتماعی می‌باشند شامل: اعتماد اجتماعی بین فردی، اعتماد نهادی، هنجار تمایل به کار گروهی و هنجار وفاق و تعامل اجتماعی بود. همانگونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی با مشارکت رابطه معنی دار و مستقیمی دارند و اعتماد اجتماعی نهادی بالاترین رابطه را داشته و ۴۲ درصد واریانس متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) را تبیین می‌نماید. ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی، ارزش‌ها، هنجارها و شیوه‌های قومی عرب‌ها که ریشه در اعتقادات و باورهای دینی دارد نقش مهمی در وحدت و انسجام گروهی طوایف عرب ایفاء می‌نماید. صور مختلف همکاری و مشارکت در قالب مراسم عزاداری، عروسی، فصل، عونه یا تعاون، اخوت و برادری دینی و عشیره‌ای و اطاعت و ارادت نسبت به سادات، ریش سفیدان و بزرگان طایفه همراه و همگام با سابقه کارهای جمعی با استفاده از همین منابع نفوذ مانند: لایروبی نهر برای انتقال آب به مزرعه، همکاری در فعالیتهای کشاورزی و همیاری‌های مشترک در امور دام از مصادیق رفتارهای مشارکتی قومی و عشیره‌ای به ویژه در آبادی‌های عرب نشین حوزه آبریز کرخه می‌باشد. در بین عشایر عرب خوزستان کوچکترین تشکل «بیت» نام دارد که ۱۲ تا ۲۰ خانوار و در برخی موارد تا ۵۰ خانوار را در خود جای می‌دهد و این تشکل امروزه نیز دارای کارکردهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. بر اساس یافته‌های تحقیق روابط و مناسبات عشیره‌ای و عضویت در بیت برای نمونه در دشت عباس سبب شده تا در نظام‌های بهره‌برداری خانوادگی و تعاونی تولید در بین عشایر عرب زبان همکاری‌های اعضای بیت بسیار بیش از کردها و لرهای منطقه رواج یابد. حضور معنوی و نفوذ شیخ در نظام بهره‌براری عشیره‌ای به همراه استفاده از دانش سنتی و شیوه تولید درون‌زایی بومی و

وجود بیت به منزله سازمان تولید در آبادی های عرب نشین، پتانسیل بالایی را برای تقویت نظام های مطلوب بهره برداری فراهم نموده است. بیت به عنوان یک واحد عینی و ملموس از قرابت خونی نسبی، اهمیت و نقش مهمی در ساخت دهی به شیوه تولید بهینه با اتکاء بر فن آوری های مشارکتی در بستر یک سازمان اجتماعی ایفاء می نماید. از دیدگاه خانوارهای بهره بردار آبادی های نمونه نیز مهمترین فایده نظام بهره برداری عشیره ای جلوگیری از خرد شدن اراضی مزروعی و حفظ یکپارچگی اراضی می باشد که ۳۹/۷ درصد به آن اشاره کرده اند. سپس به ترتیب «تصمیم گیری بهتر»، «اعمال مدیریت تولید به نحو مطلوب» و «افزایش میزان مشارکت های تولیدی» با ۲۷، ۱۷/۵ و ۱۵/۸ درصد از سایر فواید نظام بهره برداری عشیره ای به شمار می رود. در واقع افراد عضو بیت در کلافی از وظایف و مسئولیت های متقابل همراه با هنجارهای عمومی اعتماد و معامله متقابل از روابط نزدیکی برخوردار هستند که همراه با شبکه های درون گروهی بیت نوع دیگری از روابط و شبکه ها وجود دارد که بین گروهی بوده و بیت ها را در قالب و شکل زیر مجموعه طوایف خود، به یکدیگر مرتبط می سازد. یعنی دامنه شعاع اعتماد در سطح بیت مانع از ارتباط بیوت طایفه با یکدیگر نمی گردد. در این رابطه نمی توان به طور دقیق در مورد بیوت مستقر در منطقه تحقیق اظهار نظر کرد اما باید گفت هر چه بیت برون گرایی مثبتی نسبت به اعضای بیوت دیگر داشته باشد، شعاع اعتماد بیت از حد داخلی آن فراتر می رود و به بیوت دیگر کشانده می شود که در تشکیل «اتحادیه ای از بیوتات» قابل توجه است. از آنجا که عناصر سرمایه اجتماعی نقش مستقیم و موثری بر مشارکت اجتماعی دارند و سرمایه اجتماعی در بیت از سطح بالایی برخوردار است و نتایج پیمایش نیز نشان می دهد این واحد موفق ترین واحد عمل اجتماعی بوده است. بنابراین سرمایه گذاری و برنامه ریزی توسعه ای و ترویجی در این سطح و ارتباط این واحدها با یکدیگر در سطح «بین بیوتی تا طایفه» در بازدهی این واحدها بسیار موثر خواهد بود.

پیشینه تحقیقات انجام شده در خارج از ایران:

در ۲۴ آوریل سال ۲۰۱۰ از سایت اینترنتی پروکوست^۱ که پایان نامه های سال ۲۰۰۳ تا این تاریخ را به صورت خلاصه در رشته های مختلف از برخی دانشگاه ها معرفی می کند جستجویی صورت گرفت و بر اساس کلید واژه سرمایه اجتماعی به عنوان کلید اصلی^۲ جستجو شد و تعداد ۱۴۸ عدد پایان نامه را شامل گردید که با عطف منطقی این موضوع با موضوع اقتصاد و جامعه شناسی این تعداد به ۵۳ عدد کاهش یافت که این امر نشان دهنده بین رشته ای بودن مفهوم سرمایه اجتماعی می باشد، به گونه ای که سایر رشته هایی که در مقطع دکتری پایان نامه با کلید واژه مفهوم سرمایه اجتماعی در عنوان اصلی را شامل می گردید عبارت بودند از علوم سیاسی، رفاه اجتماعی، مطالعات فردی و خانواده، جرم شناسی، ادیان، ساختار اجتماعی و توسعه، ارتباطات توده ای، مطالعات قومی و نژادی، برنامه ریزی منطقه ای و شهری، مدیریت بازرگانی و ...

جستجو بر اساس عنوان سرمایه اجتماعی و موضوع اقتصاد و جامعه شناسی حدوداً سی و پنج عدد پایان نامه را شامل گردید که در اینجا به معرفی برخی از آنان که بیشتر جنبه توسعه ای و مفهومی از سرمایه اجتماعی دارند، به صورت مختصر می پردازیم.

۱ - کری آن، آگنیش^۳، بررسی سرمایه اجتماعی یک اجتماع: مطالعه شبکه اجتماعی و تعامل اجتماعی، رساله دکتری دانشگاه ایالتی آیوا، ۲۰۰۳.

این مطالعه در راستای سیاست تمرکز زدایی و انتقال منابع و قدرت از سیستم فدرالی استانی به نهادهای محلی و توانایی اجتماعات روستایی در بدست آوردن و حرکت بخشیدن منابع در جهت دستیابی به اهداف گوناگون آنها در آینده این مناطق اختصاص دارد. هدف این مطالعه نیز بررسی و آزمون رابطه بین سرمایه اجتماعی و ظرفیت اجتماعی در عمل می باشد. در این مطالعه سرمایه اجتماعی به معنی ارتباط افراد و گروه ها به منظور بسیج منابع آنها در جهت کسب اهدافشان در نظر گرفته شده است. در این تحقیق که بر روی دو

¹ -Proquest

² - keyword

³ - karry ann, agnitsch

اجتماع روستایی آیوا صورت گرفته است سرمایه اجتماعی درون گروهی^۱ و بین گروهی^۲ مورد بررسی قرار گرفته و تأثیر آن بر مشارکت های داوطلبانه و موفقیت پروژه های عمرانی در آن دو جامعه مطالعه شده است. اطلاعات این تحقیق از طریق مصاحبه های چهره به چهره با ۱۱۶ نفر در پروژه های اجتماعات محلی بدست آمده است. سرمایه اجتماعی درونی نقش موثری در مشارکت داوطلبانه شهروندان در پروژه های محلی بازی می کند، سرمایه اجتماعی بین جامعه ای نقش بالقوه ای در بسیج منابع به منظور موفقیت پروژه های محلی ایفاء می نماید. به علاوه در این تحقیق تحلیل شبکه های اجتماعی به کار رفته تا به بررسی اشکال شبکه ها بین دو جامعه، به منظور بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بین جامعه ای پردازد در این تحقیق سنجش تراکم شبکه، تمرکز گرایی، شدت تمرکز گرایی و حضور و عدم حضور جرگه ها به منظور ارزیابی اشکال شبکه ها و تسهیل موفقیت کنش در جامعه و قدرت و ضعف در هر شبکه بررسی شده است. نتایج تحلیل شبکه و تحلیل مستقیم شبکه های اجتماعی که اغلب توسط سنجش های سنتی فراموش شده، پیچیدگی های شبکه های اجتماعی را آشکار ساخته است. نتایج این تحقیق به ارائه پیشنهاداتی در زمینه سیاست های توسعه ای و تحقیقات در آینده منتهی شده است.

۲ - لو، جوپین^۳، سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی: مطالعه بین کشورهای سرمایه اجتماعی، اعتماد، مشارکت مدنی و رشد اقتصادی ۳۸ کشور، ۹۸-۱۹۹۰، دانشگاه آلاباما ۲۰۰۴.

در این تحقیق به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی کشورها پرداخته شده است. این تحقیق پنج یافته عمده دارد.

۱ - اعتماد و هنجارهای مدنی با رشد اقتصادی قوی تر در ارتباط است.

1 - bonding

2 - bridging

3 - loh, joopin

۲ - عضویت‌ها در انجمن‌های داوطلبانه عموماً با کارایی اقتصادی بهتر کشورها رابطه‌ای ندارد، بر عکس یافته پاتنام در مناطق ایتالیایی که در کتاب دموکراسی و سنت‌های مدنی آمده است. بهر حال، عضویت نهادی منجر می‌شود به شکل‌گیری اعتماد و نه مستقیماً رشد و یا سرمایه‌گذاری.

۳ - اعتماد یا نهادهای رسمی مستحکم رابطه مثبت و قوی داشته و در کشورهایی که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی از نابرابری کمتر برخوردارند، این رابطه بیشتر و بزرگتر است. ۴ - فرضیه پاتنام که در کتاب بولینگ یکنفره مطرح شده که به رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی می‌پردازد به طور تجربی بر روی ۳۶ کشور توسعه یافته و در حال توسعه صحیح بود.

۵ - شاخص سرمایه اجتماعی این تحقیق به طور مثبت و معنی‌داری با رشد بیشتر در ارتباط بوده است. کشورهایی که این شاخص از میزان بیشتری برخوردار بود میزان بیشتر از درآمد سرانه، آموزش بهتر، جمعیت‌های مدنی‌تر، نابرابری درآمدی کمتر و نهادهای رسمی قوی‌تر را از کشورهایی که میزان کمتری از این شاخص را داشتند، به خود اختصاص داده بودند.

۳- گرو، نیکول رنی^۱، سرمایه اجتماعی و توسعه محلی: بررسی سه نوع از سرمایه اجتماعی مبتنی بر اجتماع در آیوا، دانشگاه ایالتی آیوا، ۲۰۰۳.

ادبیات اخیر پیرامون سرمایه اجتماعی آن را از یک مفهوم فردی به یک ویژگی اجتماعی تبدیل کرده است. سرمایه اجتماعی در بعد و سطح اجتماعی به طور فزاینده‌ای با رفاه اجتماعی و توسعه محلی مرتبط می‌باشد. با توجه به این موضوع، این مطالعه به بررسی میزان و چگونگی رابطه سرمایه اجتماعی در سطح اجتماعی با توسعه اقتصادی و اجتماعی پرداخته است. بر اساس چارچوب نظری لندولت و پورت (۲۰۰۰) سرمایه اجتماعی در سطح اجتماع بر اساس سه مفهوم اعتماد یا ضمانت اجراء، ارزش درون فکانه^۲ و همبستگی

¹ -grewe, Nicole renay

² -introjection

درونی تعریف و اندازه گیری شده است. توسعه اجتماعی هم محدود به دو اصل توسعه اجتماعی شامل: مشارکت شهروندی و تولید دانش اندازه گیری شده است. توسعه اقتصادی هم در شکل یک فرآیند بر اساس سطح فعالیت توسعه اقتصادی در اجتماع مورد نظر بررسی شده است. تحلیل داده ها بر اساس کلیه داده های جمع آوری شده از ۹۸ اجتماع در آیوا بین سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۷ بوده است. یافته های تحقیق بر این موضوع دلالت دارند که سرمایه اجتماعی که در سطح اجتماع شکل می گیرد بر توسعه اقتصادی و درون فکنانه، به طور خلاصه، سرمایه اجتماعی در سطح اجتماع و در شکل ارزش اجتماعی نقش دارد. به طور قوی در ارتباط با توسعه محلی می باشد. یافته های بحث شده در این تحقیق شواهدی برای این تئوری، تحقیق آینده و فعالیت توسعه محلی به حساب می آید.

۴- لوفلین، کاترین تورس^۱، سرمایه اجتماعی درون گروهی و بین گروهی و رابطه آن با مشارکت مدنی سیاسی و اجتماعی، دانشگاه کارولینای شمالی چپل هیل ۲۰۰۳.

مشارکت مدنی نقش مهمی در دموکراسی دارد. کاهش مشارکت مدنی در دهه های اخیر بیشتر توجه فعالان، پژوهشگران، رهبران سیاسی و بشر دوستان را به خود جلب کرده است. گرچه مطالعات گسترده ای در حوزه شبکه های اجتماعی صورت گرفته اما کمتر پژوهشی در زمینه الگوهای خاصی از سرمایه اجتماعی درون و بین گروهی و رابطه آن با مشارکت مدنی صورت گرفته است. مخصوصاً، رابطه بین سرمایه اجتماعی بین گروهی و تنوع و تکرر جامعه، همچنان آزمایش نشده است. بعلاوه، تحقیقات گذشته پتانسیل رابطه بین سرمایه اجتماعی درون گروهی و بین گروهی و مشارکت مدنی را آزمایش نکرده اند. علاوه بر این، کمتر پیرامون ویژگی های سرمایه اجتماعی بالای درون گروهی و بین گروهی و رابطه این دو مطالعه شده است. این تحقیق به وسیله سنجش رابطه سرمایه اجتماعی و تنوع اجتماعی به دنبال شناخت این شکاف ها در پیشینه مباحث است. همچنین به بررسی سرمایه اجتماعی درون گروهی و بین گروهی و رابطه آن با مشارکت مدنی سیاسی و اجتماعی می پردازد. یافته های این تحقیق آشکار ساخت که بین تنوع نژادی و

¹ -Ioflin, katterine torres

قومی با سرمایه اجتماعی بین گروهی رابطه مستقیمی وجود دارد و در ضمن بین سرمایه اجتماعی درون گروهی و بین گروهی با مشارکت مدنی سیاسی و اجتماعی نیز رابطه وجود دارد. همچنین، تعامل سرمایه اجتماعی درون و بین گروهی با مشارکت مدنی در اجتماع مثبت و معنی دار بود. در مقایسه با بقیه جمعیت نسبت زیادی از کسانی که از سرمایه اجتماعی درون گروهی، بین گروهی و درون گروهی بین گروهی بالایی برخوردار بودند بیشتر متعلق به سنین میانی، با تحصیلات و درآمد بالا بودند. بعلاوه کسانی که از سرمایه اجتماعی بین گروهی بیشتری برخوردار بودند بیشتر افرادی بودند که سفید پوست و دارای اقامت طولانی در محل خود بودند. تحقیقات تجربی در حوزه سرمایه اجتماعی درون و بین گروهی و انواع مشارکت بحث جدیدی است که پژوهش‌های بیشتری در فهم رابطه آنها و گسترش نظریه‌های موجود، می‌طلبد.

۵ - لویت، یال مینا، سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی بومی: فرصت‌ها و چالش‌ها (اونتاریو)، دانشگاه تورنتو کانادا، ۲۰۰۳.

این تحقیق از دو بخش نظری و روشی تشکیل شده است در بخش نظری به بررسی و تحلیل مطلوبیت سرمایه اجتماعی پرداخته است، مفهومی که در سالهای اخیر سیطره یافته است. این پژوهش به بررسی سطوح مختلف سرمایه اجتماعی پرداخته است. بستگی‌های درون گروهی، قومی، متوسط و روابط بین گروهی و ضعیف که شبکه‌ها را به یکدیگر و با قدرت متصل کرده است و صرف نظر از دیدگاه‌هایی که سرمایه اجتماعی را به عنوان نوش داروی همه بیماری‌های اجتماعی می‌داند، این پژوهش به بررسی موضوعاتی مانند دست‌یابی و کنترل منابع، فشارهای تاریخی و پتانسیل‌های کارکردی شبکه‌های اجتماعی پرداخته است. در ضمن، به عنوان بخش تجربی و کاربرد: این کار به بررسی تاریخی و آینده توسعه اقتصادی در سه منطقه و اجتماعات بومی نشین در اونتاریو شمالی پرداخته است. کانادا در بین کشورهای ثروتمند از شاخص‌های کیفیت زندگی بالایی برخوردار است. با اینحال سهم ساکنان اولیه از این برتری بسیار اندک است. سیاست‌ها که

¹ - levitte, uael mina

با هدف رشد و ارتقاء زندگی مردم بومی صورت می‌گیرد بیشتر مبتنی بر یک استراتژی توسعه اقتصادی به طور خاص و کارآفرینی می‌باشد. این تحقیق به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در میزان موفقیت و یا شکست اینگونه پروژه‌های (آنترو پرونیورال) می‌پردازد. فرض بر این است که جدایی‌های جغرافیایی سبب جدایی افراد و اجتماعات از اتصال و ایجاد شبکه‌های بین‌گروهی شده است. اتکاء به شبکه‌های درون‌گروهی در چنین محلاتی اغلب باعث دسترسی محدود به منابع انسانی و مالی شده است. در جاهایی که شبکه‌ها در ورای اجتماع گسترش یافته‌اند، مجموعه‌های بزرگتری از منابع بدست آمده است. بررسی چارچوب قانون استعماری که در سیاستگذاری قرن بیستم موثر بود چگونگی سیاست‌های همگون‌سازی^۱ مانع سطوح تنوع سرمایه اجتماعی شده و نتیجتاً تأثیر پیامدی آن بر توسعه اقتصادی و اجتماعی ملاحظه می‌شود. در این تحقیق که به بررسی تحلیلی عوامل موثر بر مشکلات اقتصادی - اجتماعی امروزه جوامع بومی پرداخته شده و راهکارهایی به منظور درس‌های آموخته شده در چارچوب مناطق بومی پیشنهاد شده که در جاهای دیگر قابل بررسی است و در ضمن، نقدی بر نظریه سرمایه اجتماعی و شیوه‌های پیشنهادی اصلاح مفاهیم و بسط کارایی آن مطرح شده است.

۶ - هیات ریموند روسل^۲، سرمایه اجتماعی، نابرابری و رفاه در همسایگی بین‌المللی، دانشگاه براون، ۲۰۰۳.

مفهوم سرمایه اجتماعی بستری برای بررسی اثرات روابط اجتماعی بر رفاه جمعیت شده است. در این تحقیق به این بررسی در سه قسمت پرداخته شده است. اول، این تحقیق یک رویکرد نظری منسجمی از تعاریف مختلف سرمایه اجتماعی ارائه داده است. دوم، مفاهیم سرمایه اجتماعی از بعد تجربه فردی در اجتماع به رفتار دولت - ملت در سطح بین‌المللی گسترش یافته است. سوم، این پژوهش استفاده از بانک‌های اطلاعاتی گوناگون و بزرگ و

¹ - assimilative

² -hyatt, raumond russell

روش های کلان آماری پیشرفته را در شناخت موضوعات سرمایه اجتماعی در سطح تحلیل دولت - ملت شرح و بسط داده است.

چارچوب نظری این تحقیق در دو سطح عملیاتی شده است. روش سری های زمانی در تعیین رابطه مشارکت دولت در رفاه برای ۹۰ کشور در طول دوره ۲۹ سال، مشاهده سالانه در نظر گرفته شده است. از امید به زندگی و مرگ و میر نوزادان به عنوان سنجه رفاه استفاده شده است.

این تحقیق به این نتیجه رسیده است که مشارکت دولت در سطح بین الملل تأثیر مثبتی بر رفاه جمعیت داشته است. مشارکت دولت باعث کاهش سطح منابع اختصاص یافته به امنیت در برابر رفاه شده که باعث افزایش منابع از طریق تجارت بین الملل گردیده و فرصت های بیشتری برای زنان فراهم آورده است. اطلاعات این پژوهش به مقایسه امید به زندگی و مرگ و میر نوزادان در برزیل و ژاپن در قرن بیستم پرداخته است و این مقایسه بعنوان یک مثال برای مطالعه موردی توسط چارچوب نظری این تحقیق برای موارد دیگر پیشنهاد شده است.

نمودار

دیاگرام رابطه عوامل تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی از یافته های فراتحلیل

۵-۱- نتیجه گیری

همانگونه که در این بررسی از یافته های تحقیق مشخص می شود متغیرهای موثر بر شکل گیری سرمایه اجتماعی و یا عناصر تشکیل دهنده این مفهوم در تحقیقات مختلف اثرات گوناگونی داشتند به گونه ای که در برخی از تحقیقات متغیرهای یکسان بر روی یک متغیر مشخص اثرات مثبت، منفی و یا بی رابطه داشتند که البته این امر ممکن است به دلایل گوناگون باشد که از جمله آنها می توان به زمان های متفاوت اجرای تحقیق، جوامع آماری گوناگون، شیوه ها و روش های متفاوت عملیاتی نمودن مفاهیم و یا نمونه گیری اشاره داشت. اما در مجموع علی رغم تفاوت های نتایج، همسانی و فراوانی های بیشتری بر روی برخی از روابط در بین متغیرها نیز به چشم می خورد که در این جا به برخی از آنان می پردازیم.

آگاهی و یا شناخت، نسبت به حوزه های عمومی اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی، تاریخی و دنبال کردن اخبار سیاسی کشور، دسترسی به اینترنت و یا مطالعه روزنامه و مجله که در تحقیقات مختلف به برخی از جنبه های آن پرداخته شده بود در مجموع سنین بالاتر (به جزء دسترسی به اینترنت)، مردان، متأهلین، افراد دارای تحصیلات بالاتر، شاغلین و افراد به لحاظ درآمدی در سطح بالاتر، از میزان بیشتری برخوردارند.

اعتماد در سطوح فردی، عمومی، انتزاعی/ نهادی و احساس امنیت از یک طرف و احساس عمومی نسبت به مردم از جنبه های دورویی، تقلب، صداقت و راستگویی، انصاف، گذشت، پایبندی به قول و قرار که جنبه های دیگری از اعتماد را تشکیل می دهند نیز در تحقیقات مختلف با متغیرهای مورد بررسی روابط گوناگونی داشتند و معمولاً در سنین بالاتر اعتماد عمومی و متقابل و احساس امنیت بیشتری وجود دارد ضمن اینکه اعتماد در سطح فردی شامل اعتماد به اعضای خانواده و اقوام و خویشان در سنین بالاتر بیشتر است. در بیشتر تحقیقات جنسیت با انواع اعتماد و عناصری که در بالا اشاره شد رابطه معنی داری نداشته است و در برخی از تحقیقات مردها در اعتماد اجتماعی و اعتماد به اشخاص، رسانه ها، کالاهای فرهنگی و رسانه های چندگانه از سطح بیشتر برخوردار بودند و اعتماد بنیادی، انتزاعی نهادی، احساس امنیت و باور به دورویی و راستگویی مردم، در بین زنان از مردان

بیشتر بود. متأهلین از میزان بیشتری از اعتماد در همه اشکالی که اشاره شد برخوردار بودند در زمینه سطح تحصیلات و رابطه آن با اعتماد در برخی از جنبه ها مانند اعتماد به اعضای خانواده و دوستان با سطح تحصیلات رابطه مثبت بود اما مجموعاً عناصر اعتماد که اشاره شد در بین بی سوادان بیش از افراد تحصیلکرده است و با افزایش سطح تحصیلات از میزان آن کاسته می شود و در تحقیقات اخیر میزان اعتماد عمومی بی سوادان و افراد دارای تحصیلات ابتدایی و کسانی که از سطوح عالی تحصیلی برخوردارند، نسبت به کسانی که تحصیلات متوسطه و دیپلم دارند بیشتر شده است. در گروه های فعالیتی معمولاً بازنشسته ها و شاغلین از میزان اعتماد بیشتری برخوردارند ضمن اینکه برخی از تحقیقات، اعتماد انتزاعی/ نهادی شاغلین را کمتر نشان می دهد.

سطح درآمد و پایگاه اقتصادی نیز با اعتماد در اشکال مختلف مورد اشاره رابطه منفی دارد به گونه ای که افراد با درآمد بیشتر از اعتماد کمتری در اشکال گوناگون آن برخوردارند. افرادی که زادگاه آنان در شهرستان ها و یا روستاها بوده است از سطح اعتماد بیشتری برخوردار هستند و سطح توسعه یافتگی با اعتماد در برخی از تحقیقات رابطه عکس دارد.

مشارکت های رسمی در انجمن ها و گروه های رسمی جزء برخی مانند بسیج، انجمن اسلامی، انجمن های ورزشی - تفریحی و یا هنری معمولاً در سایر اشکال با سن رابطه مستقیم دارد ضمن اینکه گروه های سنی ۶۴-۳۰ سال از سطح بیشتری از مشارکت های رسمی برخوردارند (که البته مشارکت های خیریه ای تا سنین بالاتر ادامه دارد) معمولاً مردان مشارکت های رسمی بیشتری دارند که ناشی از اشتغال آنان می باشد، و در برخی از مشارکت ها مانند انجمن خانه و مدرسه یا اولیاء و مربیان، مشارکت زنان بیشتر می باشد. متأهلین به غیر از برخی از فعالیت ها مانند پایگاه بسیج، انجمن های ورزشی و تفریحی، ادبی و هنری و انجمن های علمی در سایر فعالیت ها مشارکت بیشتری دارند. در بین گروه های فعالیت مشارکت های رسمی در بین شاغلین و بازنشسته ها و گروه های کارفرمایان بیشتر است و محصلین در برخی از مشارکت ها مانند بسیج، انجمن های ورزشی و تفریحی و ادبی و هنری مشارکت بیشتری نسبت به شاغلین دارند معمولاً سطح تحصیلات با مشارکت های اجتماعی رسمی رابطه مثبت دارد ضمن اینکه برخی از

فعالیت‌های رسمی در بین سطوح تحصیلی بالاتر و دانشجویان، بیشتر است، مانند مشارکت در انجمن‌های علمی و فرهنگی، هنری و ادبی، اسلامی، باشگاه‌های ورزشی، انجمن‌های صنفی، جهاد دانشگاهی و احزاب سیاسی و به لحاظ پایگاه اقتصادی و درآمدی مشارکت‌های رسمی به جزء مشارکت در بسیج در بین کسانی که از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردارند بالاتر است. مشارکت رسمی افرادی که اقامت طولانی‌تری در شهر و محل دارند، بیشتر است.

مشارکت‌های غیر رسمی که شامل انواع فعالیت‌ها و مشارکت‌های اجتماعی دینی و خیریه‌ای و رفت و آمد و معاشرت با مردم را شامل می‌شود معمولاً در سنین بالاتر مخصوصاً از ۳۰ سال به بالا، از حجم بیشتری برخوردار است ضمن اینکه در برخی از تحقیقات رابطه معنی‌داری ملاحظه نشده است و مشارکت‌های غیر رسمی همه گروه‌های سنی یکسان بوده است. معمولاً مشارکت غیر رسمی مردان به نسبت بیش از زنان می‌باشد و مشارکت‌های غیر رسمی با میزان تحصیلات رابطه عکس دارد. مشارکت‌های غیر رسمی که جنبه رفت و آمد و برگزاری جشن و شرکت در فعالیت‌های خیریه‌ای دارد، با سطح درآمد و پایگاه اقتصادی رابطه مثبت دارد و مشارکت‌های غیر رسمی که بیشتر جنبه فعالیت‌های مذهبی را شامل می‌شود در سطوح پایین‌تر درآمدی و اقتصادی بیشتر است. معمولاً به طور معناداری مشارکت‌های غیر رسمی بازنشسته‌ها، شاغلین و خانه‌دارها بیش از محصلین و بیکاران می‌باشد.